یک‌شنبه
اول آذر ماه ۱۴۰۵
۱۲ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۲۲ نوامبر ۲۰۲۶

سال سوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۹۶
www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه
آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!

سپاه روزگذشته در اطلاعیه‌ای از انهدام نوزدهمین پهپاد پیشرفته MQ۱ ارتش آمریکا خبر داد



تکرار پیروزی‌های ایران در میدان

۲

از نقشه جدید دشمن با عاملیت موساد و رضا پهلوی مزدور، رونمایی شد

آشوب مقدمه تهاجم

۳

جشنواره بین‌المللی مقاومت به ایستگاه تئاتر خیابانی رسید

هنر مقاومت در گذرهای پایتخت

۴

اجرای ترانه‌های عاشقانه در مجلس عزای درگذشتگان، عرف‌شکنی است یا تغییر سلیقه؟

مجلس ترحیم کنسرت ترانه‌های پاپ!

۶

رویداد سیتکس با حضور ۱۹۰ شرکت فن‌آور
دریافت ۱۲۰۰ محصول و ارزیابی ۲۲۰ طرح به پایان رسید

تهران هوشمند نماد ایران پیشرو

۷



در ستایش الگوهای مهربانی و اعتبار

در گذشته‌ای نه‌چندان دور، زمانی که محله‌های تهران هویتی مستقل داشتند و آدم‌ها به سکونت در محله‌شان می‌بالیدند، اعتبار محله‌ها به سنگ و آجر و مساحت خانه‌ها نبود بلکه به انسان‌های بزرگوار و بزرگ‌منشی بود که امین مال و ناموس دیگران بودند، امور محله را رتق و فتق می‌کردند و کوچک و بزرگ را زیر پر و بال حمایت خود می‌گرفتند..

هنگامی که پهلوان اکبر پامناری از دنیا رفت مردم می‌گفتند که «بی‌پناه شدیم»؛ چراکه او سرپرست ایتام، پدر دختران دم بخت، دستگیر فقرا و سفره‌دار غریبان و بی‌خانمان‌ها بود.

مراسم گلریزان پهلوان سیدمحمدعلی مسجدحوضی چنان باشکوه برگزار می‌شد که تمام صاحب منصبان و تاجران بنام را به اعتبار نام پهلوان درآن می‌یافتی. پهلوان سیدعلی روزها را به ورزش و امور خلق خدا می‌گذراند و شب را به نماز و راز و نیاز.

آیت‌الله فیروزآبادی پیرمردی نحیف و لاغراندام، ملجأ تظلم خواهی اهالی ری و تهران بود و با حقوق نمایندگی مجلس شورای ملی بیمارستانی بزرگ برای اهالی ری به وقف گذاشت.

حاج‌ملا علی کنی با آن منزلت و جایگاه علمی، رسیدگی به نیازمندان و دستگیری از فقرا را از نظر دور نمی‌داشت و چون پدری دلسوز یتیمان را تحت تکفل قرار می‌داد. سفرای خارجی منزل او را در ظلم و بیداد شاه قاجار به عدالت‌خانه تشبیه کرده بودند.

حاج حسین آقا ملک که او را با کتابخانه و موزه ملک در محله بازار تهران می‌شناسیم، هنگامی که همه ثروت خانواده ملک‌التجار را به ارث برد، رویه‌ای متفاوت را پیش گرفت. مهم‌ترین فعالیت او در دوره‌ای که همقطارانش اقبال چندانی به علم و فرهنگ نشان نمی‌دادند، این بود که بیشتر ثروتش را صرف خرید مجموعه‌های تاریخی و نسخه‌های خطی کرد. اکنون به جز آنکه آثار وقف او در سراسر کشور از باغ وکیل مشهد تا شهری دیده می‌شود، مجموعه‌ای بی‌نظیر شامل بیش از ۲۰ هزار نسخه خطی و مجموعه‌های آنتیک به انضمام یک سالن مطالعه و پژوهش در کتابخانه و موزه ملک در دسترس همگان است.

نهادهای اجتماعی در همین تهران خودمان تا پیش از ورود مدرنیته چهره‌هایی را تولید و بازتولید می‌کردند که. فصل مشترک این نیک‌مردان خیر و برکتی بود که بی‌وقفه در محله و شهر می‌پراکندند و امید را در جامعه زنده نگه می‌داشتند. در همین حال، الگویی زنده از فضایل اخلاقی را در برابر دیدگان مردم مجسم می‌کردند تا هر مادری آرزو کند که فرزندش چنان عالمی شود یا چنین پهلوانی.

حالا که جنگ و تحریم و تورم لجام‌گسیخته و زندگی پرهیاهو در این شهر دود گرفته گرد فراموشی بر این شخصیت‌ها و خاطرات پاشیده و روزمرگی دو ماراتن برای سرهم آوردن اول و آخر ماه مجالی برای گردگیری از گنجینه‌های مان را نمی‌دهد، مهروزی به هزاران دلیل موجه یا ناموجه ناجوانمردانه پس زده می‌شود. چه دولت‌ها را صاحب تکلیف بدانیم چه مراقب کلاه خودمان باشیم که باد نبردش، نتیجه این وازدگی یکسان است و آن، تجزیه جامعه و اشاعه ناامیدی و خشونت است.

در این جدال بی‌پایان اما هنوز هستند کسانی که امیدوارانه به فردا می‌اندیشند. شاید الگوهای جوانمردی و اخلاق چون گذشته در کوی و برزن حی و حاضر مقابل چشمان آدم‌ها نباشند، اما این دغدغه‌مندی‌ها در هر شکل و صورتی ولو یک لبخند ساده به‌خودی خود ارزشمندند و قابل ستایش.

مولدسازی از فروش به تامین مالی می‌رسد

دارایی‌های راکد دولت در مسیر ارزش‌آفرینی

مولدسازی دارایی‌های دولت که طی سال‌های گذشته با وجود پیش‌بینی در قوانین بودجه و برنامه‌های توسعه‌ای، سهم اندکی در تامین منابع عمومی داشته است، اکنون با تغییر رویکرد وزارت اقتصاد و ورود ابزارهای جدید بازار سرمایه، از جمله صندوق‌های املاک و مستغلات، مشارکت بخش خصوصی و توکنایزکردن دارایی‌ها، وارد مرحله تازه‌ای شده است؛ رویکردی که قرار است دارایی‌های بلااستفاده دولت را به منابعی برای تامین مالی پروژه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری تبدیل کند.

مولدسازی دارایی‌های دولت سال‌هاست در قوانین بالادستی، اسناد بودجه‌ای و برنامه‌های توسعه‌ای کشور به عنوان یکی از راهکارهای جبران کسری منابع و افزایش بهره‌وری اقتصادی مورد تاکید قرار دارد؛ ظرفیتی که در صورت شناسایی و مدیریت صحیح می‌تواند بدون توسل به استقراض، چاپ پول یا افزایش فشار مالیاتی، بخشی از نیازهای مالی دولت را تامین کند. با این حال، عملکرد سال‌های گذشته نشان می‌دهد این سیاست، فاصله قابل توجهی با اهداف پیش‌بینی‌شده داشته و بخش زیادی از دارایی‌های دولتی همچنان بدون استفاده یا با بهره‌وری پایین باقی مانده‌اند. مولدسازی به معنای شناسایی، ساماندهی و بهره‌برداری اقتصادی از اموال و دارایی‌های بلااستفاده یا کم‌بازده دولت است؛ دارایی‌هایی که زمین‌ها، املاک، ساختمان‌ها، پروژه‌های نیمه‌تمام و سهام شرکت‌های دولتی را شامل می‌شوند. با وجود ظرفیت قابل توجه این دارایی‌ها، پیچیدگی‌های اداری، نبود سازوکار اجرایی شفاف، نگرانی مدیران از تبعات نظارتی و قضایی و همچنین اطمینان نداشتن دستگاه‌ها از بازگشت منابع حاصل از مولدسازی، از جمله موانعی بوده که تحقق این سیاست را با چالش مواجه کرده است.

تحقق تنها ۳.۴ درصدی منابع مولدسازی در سال ۱۴۰۴

گزارش ماه گذشته دیوان محاسبات کشور نیز ابعاد این عقب‌ماندگی را نشان می‌دهد. براساس این گزارش، منابع پیش‌بینی‌شده در قانون بودجه سال ۱۴۰۴ از محل مولدسازی اموال منقول و غیرمنقول، پس از کسر ۷۰ هزار میلیارد تومان بابت تسویه مطالبات تامین اجتماعی از دولت طبق مصوبه سران قوا، به ۲۵۴ هزار و ۹۵۰ میلیارد تومان کاهش یافته که تنها ۳.۴ درصد آن محقق شده است. دیوان محاسبات در تشریح دلایل عدم تحقق منابع پیش‌بینی‌شده، به چالش‌های ساختاری از جمله تاخیر ۲۲ ماهه در ابلاغ دستورالعمل‌های ارزیابی و تعیین بسته‌های سرمایه‌گذاری، ارائه فهرست‌های غیرمرتبط از سوی برخی دستگاه‌های اجرایی و توقف آیین‌نامه تامین مالی خارجی به دلیل ابهامات فنی اشاره کرده است. این نهاد نظارتی با تاکید بر ضرورت استفاده از ظرفیت دارایی‌های دولت برای تامین مالی، خواستار رفع فوری موانع اجرایی و تعیین تکلیف دستورالعمل‌های معطل‌مانده شده است.

تغییر رویکرد دولت؛ سه سبد جدید برای مولدسازی دارایی‌ها

در همین شرایط، وزارت امور اقتصادی و دارایی از تغییر رویکرد در اجرای طرح مولدسازی و استفاده از ابزارهای متنوع مالی برای خروج دارایی‌های راکد دولت از وضعیت فعلی خبر داده است. عسگری، رئیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، با تشریح برنامه جدید دولت در این حوزه اظهار کرد: در دوره‌های گذشته ابزارهای مولدسازی عمدتا به فروش یا تهاتر محدود بود و از ظرفیت‌های متنوع اقتصادی و مالی استفاده نمی‌شد؛ از این رو در رویکرد جدید، ابزارهای مولدسازی در سه سبد تعریف شده‌اند. به گفته وی، سبد نخست به ابزارهای مشارکت و بهره‌برداری اختصاص دارد که اجاره‌های بلندمدت، الگوهای مختلف مشارکت عمومی و خصوصی، مشارکت در احیا و نوسازی املاک، مشارکت مدنی با بخش خصوصی و همکاری با شهرداری‌ها را شامل می‌شود.

پل B1 کرج در مسیر بازسازی با منابع مولدسازی

سبد دوم نیز بر استفاده از ظرفیت بازار سرمایه متمرکز است. در این بخش، ابزارهایی مانند صندوق‌های املاک و مستغلات، صندوق‌های زمین و ساختمان، صندوق‌های پروژه، شرکت‌های پروژه و اسناد تعهدی برای تامین مالی و بهره‌برداری از دارایی‌های دولت مورد توجه قرار گرفته‌اند. رئیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی از برنامه‌ریزی برای رونمایی از نخستین صندوق املاک و مستغلات وزارت اقتصاد در ماه‌های آینده خبر داد و گفت: تلاش داریم با استفاده از ظرفیت بازار سرمایه، زمینه مشارکت بخش خصوصی در بهره‌برداری از املاک و دارایی‌های راکد دولت را فراهم کنیم. در این مسیر، ابزارهایی مانند توکنایزکردن دارایی‌ها و عرضه واحدهای سرمایه‌گذاری نیز قابل بررسی و استفاده خواهد بود. عسگری درباره سبد سوم نیز توضیح داد که سهم دولت و ابزارهایی مانند معاوضه و فروش دارایی‌ها در این بخش پیش‌بینی شده است؛ به این معنا که ابتدا تلاش می‌شود از ظرفیت بخش خصوصی و بازار سرمایه استفاده شود و در نهایت، در موارد لازم به سراغ فروش یا معاوضه دارایی‌ها بروند. وی با اشاره به حجم دارایی‌های قرارگرفته در سبد مولدسازی سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی گفت: ارزش اموالی که در این سبد قرار دارد و باید برای آنها ارزش‌آفرینی شود، به حدود ۳۹۶ همت رسیده است. به گفته عسگری، طی پنج تا ۶ ماه اخیر حدود ۱۱۷ همت ملک به سبد مولدسازی اضافه شده و برای آغاز فرآیند ارزش‌آفرینی و تعیین تکلیف آنها مصوبه صادر شده است. همچنین نزدیک به ۴۰ همت عملکرد فروش در این حوزه ثبت شده که در مقایسه با سال‌های گذشته رقم قابل توجهی است. از جمله اقدامات انجام‌شده نیز می‌توان به واگذاری سپه شهر به ارزش نزدیک به ۳۲ همت اشاره کرد. وی همچنین با اشاره به برنامه مولدسازی پل B1 کرج گفت: برای این پل که در جریان جنگ تحمیلی مورد هدف قرار گرفته بود، نزدیک به دو همت مولدسازی انجام شده است.

ضرورت رفع موانع قانونی و تغییر نگاه مدیران به مولدسازی

با وجود این اقدامات، نمایندگان مجلس معتقدند تحقق اهداف مولدسازی علاوه بر طراحی ابزارهای جدید، به رفع موانع قانونی و تغییر نگاه مدیران دستگاه‌های اجرایی به دارایی‌های دولتی نیاز دارد. محسن زنگنه، رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید مجلس در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» با اشاره به سابقه پیش‌بینی مولدسازی در قوانین کشور اظهار کرد: اولین اشاره جدی به این موضوع در قانون تنظیم بخشی از مقررات دولت به سال ۱۳۸۰ بازمی‌گردد، اما اقدام واقعی و ایجاد سازوکار اجرایی آن عمدتا از سال ۱۳۹۹ آغاز شد. وی با بیان اینکه مولدسازی از اوایل دهه ۱۴۰۰ به یکی از محورهای مهم تامین منابع بودجه تبدیل شد، گفت: متاسفانه مصوبه شورای هماهنگی سران قوا عملا دست مجلس را برای ورود مستقیم به موضوع مولدسازی بست و هرگاه در قوانین بودجه یا قوانین دائمی به این موضوع اشاره می‌کردیم، با این استدلال مواجه می‌شدیم که این اقدام با مصوبه آن شورا مغایرت دارد. زنگنه با اشاره به تصویب آیین‌نامه اجرایی مولدسازی در ۲۴ اسفند ۱۴۰۱ افزود: تاخیرها و ایرادات اجرایی موجب شد حرکت جدی مورد انتظار در این زمینه شکل نگیرد. با وجود عزم مجلس از سال ۱۴۰۰ تاکنون برای تدوین قانونی منظم و جامع در حوزه مولدسازی، این موانع روند کار را کند کرده است. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با اشاره به مواد ۳۱ و ۳۶ قانون تامین مالی تولید و زیرساخت‌ها که به موضوع مولدسازی پرداخته‌اند، تصریح کرد: معتقدیم فصل مولدسازی باید کامل‌تر و جامع‌تر شود. وی یکی از موانع اصلی اجرای این سیاست را ذهنیت مدیران دستگاه‌های اجرایی دانست و گفت: بسیاری از مدیران نگران هستند که واگذاری یا مولدسازی اموال به عنوان نقطه ضعفی در کارنامه مدیریتی آنها ثبت شود. در شهرستان‌ها دیده‌ایم مدیری که اقدامات مثبت متعددی انجام داده، اگر چند مترزمین از او گرفته شود، به عنوان مدیر ناکارآمد معرفی می‌شود. زنگنه همچنین به وجود انگیزه‌های معکوس در برخی مجموعه‌ها اشاره کرد و افزود: در شرایطی که به مدیران شرکت‌های زیان‌ده پاداش پرداخت می‌شود و سازمان بازرسی نیز به پرداخت مبالغ چندصد میلیاردی به هیات مدیره برخی شرکت‌های ورشکسته اشاره کرده است، نمی‌توان انتظار داشت فرآیند مولدسازی به درستی پیش برود. این نماینده مجلس برای رفع موانع موجود، دو اقدام اساسی را ضروری دانست و گفت: نخست، دولت و نهادهای ذی‌ربط باید عزم جدی برای ایجاد سیاست‌ها و انگیزه‌های مناسب و تضمین اجرایی بودن مولدسازی داشته باشند. دوم، منابع حاصل از مولدسازی باید به همان دستگاه‌ها بازگردد و خزانه و سازمان برنامه و بودجه این منابع را به‌موقع در اختیار آنها قرار دهند. وی تاکید کرد: اگر این دو اقدام انجام شود و ارتقای مدیران نیز متناسب با عملکرد آنها در مولدسازی تعریف شود، حرکت دستگاه‌ها در این مسیر تسهیل و تسریع خواهد شد.

توکنایزکردن دارایی‌ها؛ مسیر تازه تامین مالی پروژه‌های عمرانی

در همین راستا، غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، نیز پیشتر از تغییر سازوکار اجرای مولدسازی و استفاده از ابزارهای جدید تامین مالی در این حوزه خبر داده بود. وی در حاشیه جلسه کمیسیون برنامه و بودجه با وزیر امور اقتصادی و دارایی، با اشاره به عملکرد ضعیف مولدسازی در سال‌های گذشته اظهار کرد: مجلس چند سال است موضوع مولدسازی دارایی‌های دولت را در قوانین بودجه پیش‌بینی می‌کند، اما این طرح در عمل عملکرد بسیار ضعیفی داشته و نتوانسته است به اهداف مورد انتظار دست پیدا کند. نماینده مردم گچساران و باشت در مجلس، تمایل نداشتن دستگاه‌های اجرایی به واگذاری دارایی‌ها و اطمینان نداشتن آنها از اختصاص مجدد منابع حاصل از مولدسازی به پروژه‌های خود را از دلایل اصلی این وضعیت دانست. تاجگردون با اشاره به برگزاری مذاکرات و جلسات متعدد میان دستگاه‌های اجرایی و نهادهای مرتبط برای اصلاح این روند، گفت: در گام نخست، بخشی از اختیارات در چارچوب سقف اعتباری مشخص به استان‌ها واگذار شده است تا بتوانند با اختیارات بیشتری در زمینه مولدسازی دارایی‌های دولت اقدام کنند. وی افزود: اقدام دیگر، تعیین وزارت امور اقتصادی و دارایی به عنوان متولی این فرآیند است. براساس سازوکار پیش‌بینی‌شده، قرار است کارگزاران رسمی با استفاده از ظرفیت بانک‌ها برای اجرای مولدسازی تعریف شوند و سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی نیز به‌طور مستقیم در این زمینه ماموریت داشته باشد. رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با تشریح سازوکار جدید تامین مالی توضیح داد: قرار است دارایی‌هایی که برای مولدسازی در نظر گرفته می‌شوند، از طریق کارگزاران و عوامل ذی‌ربط توکنایز و در قالب واحدهای دیجیتال عرضه شوند تا از این طریق منابع مالی مورد نیاز تامین شود. منابع حاصل از این فرآیند نیز باید در راستای اهداف تعیین‌شده، به‌ویژه تامین مالی پروژه‌های عمرانی کشور، هزینه شود. تاجگردون با تاکید بر اهمیت مولدسازی در تامین اعتبار طرح‌های عمرانی کشور خاطرنشان کرد: از آنجا که این سازوکار در سال گذشته عملکرد مناسبی نداشت، اکنون مدل پیشرفته‌تری برای اجرای آن در دستور کار قرار گرفته است. وی در تشریح اقدامات اولیه انجام‌شده نیز گفت: براساس گزارش وزارت امور اقتصادی و دارایی، کارگزار مربوطه مشخص شده و بانک ملی به‌عنوان متولی اصلی معرفی شده است. همچنین اموال وزارت امور اقتصادی و دارایی به‌عنوان نخستین مجموعه دارایی‌ها برای اجرای این سازوکار معرفی شده‌اند تا با توکنایز شدن و عرضه آنها، زمینه تامین منابع مالی و کمک به پیشبرد پروژه‌های عمرانی کشور فراهم شود.

مولدسازی؛ از شناسایی دارایی تا تحقق منابع

مجموع اقدامات و برنامه‌های اعلام‌شده نشان می‌دهد رویکرد جدید مولدسازی قرار است از الگوی محدود فروش و تهاتر فاصله بگیرد و با استفاده از ظرفیت مشارکت عمومی و خصوصی، بازار سرمایه و ابزارهای نوین تامین مالی، امکان بهره‌برداری اقتصادی از دارایی‌های دولت را فراهم کند. با این حال، تجربه سال‌های گذشته و تحقق تنها ۳.۴ درصدی منابع پیش‌بینی‌شده در سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد موفقیت این سیاست صرفا به طراحی ابزارهای جدید وابسته نیست؛ بلکه رفع موانع اجرایی، تعیین تکلیف سازوکارهای قانونی، ایجاد انگیزه برای مدیران دستگاه‌ها و تضمین بازگشت منابع حاصل از مولدسازی نیز از الزامات تحقق اهداف آن به شمار می‌رود. اکنون باید دید تغییر رویکرد دولت و ورود ابزارهای جدید مالی تا چه اندازه می‌تواند دارایی‌های راکد را از فهرست اموال بلااستفاده خارج کرده و به منابع واقعی برای تامین مالی پروژه‌های کشور تبدیل کند.



پزشکیان، رئیس جمهور:
در جنگ خاموش اقتصادی هستیم

سرلشکر احمد وحیدی از شهر موشکی سپاه بازدید کرد
پیام سپاه از قلب شهر موشکی

سرلشکر احمد وحیدی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یکی از شهرهای موشکی سپاه حاضر شد. عالی‌ترین مقام سپاه در این بازدید، همراه سردار سیدمجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه از آخرین آمادگی‌ها و دستاوردهای موشکی سرکشی کرد.

سرلشکر وحیدی در شهر موشکی جدید سپاه با بیان اینکه دبیرکل ناتو اعلام کرد که پنج هزار پرواز از سوی کشورهای عضو این سازمان انجام شده است، گفت: این اظهارنظری بود که نشان می‌داد همه آنها در میدان حضور داشتند. اما به اذن خداوند، «کَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِیلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً کَثِیرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ».

وی با تاکید بر اینکه اتفاقاتی که برای دشمنان ما رخ می‌دهد، تازه ابتدای کار است، ذلت و زبونی بی‌اندازه آنان را خواهید دید و خواهیم دید، افزود: ان شاءالله به فضل الهی، آشکار خواهد شد که حق بر باطل پیروز است؛ خداوند اراده فرموده است حق را محقق و باطل را نابود کند.

سردار سرتیپ سیدمجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه نیز در سخنانی گفت: ما در همه ساحات ماموریتی خود آماده اجرای فرامین فرمانده کل قوا و فرماندهی سپاه هستیم. توانمندی‌های هوافضا در حد فاصل میان دو جنگ افزایش یافته و شگفتانه‌ها و محصولات کارآمدی از جنس مرعوب‌کننده و بازدارنده و منحصربه‌فرد در این سازمان شکل گرفته است.

وی تاکید کرد: مطمئن هستیم به برکت ایثار، از خود گذشتگی و مجاهدت رزمندگان، میدان در اختیار ماست و صحنه نبرد را ما تعیین می‌کنیم. حتما در اعمال قدرت و مقابله با تهدیدات، هیچ درنگی وجود نخواهد داشت.

■ بازخوانی پیام قدرت در قلب سپاه

در دنیای امروز، قدرت در آمادگی ساختاری تعریف می‌شود. حضور فرمانده کل سپاه در شهر موشکی، لایه‌هایی از واقعیت‌های نظامی را روشن می‌کند. در جنگ‌های نسل جدید، هدف اصلی دشمن، از بین بردن کانون‌های قدرت در لحظه آغاز درگیری است. داشتن شهرهای موشکی، به معنای دست پر برای نبرد با دشمن متجاوز است. این شهرها، نه تنها مجموعه‌ای از تجهیزات، بلکه مراکز فرماندهی، کنترل و ضربه‌زنی هستند. وجود چنین ساختارهای پنهان و مقاومی، باعث می‌شود، دشمن با یک جنگ کلی روبه‌رو شود، نه با هدف قراردادن چند سایت مشخص.

سخنان سرلشکر احمد وحیدی، دو لایه کاملا متفاوت اما مکمل را هدف قرار داد. وقتی دبیرکل ناتو ادعای حضور گسترده کشورهای عضو در منطقه را مطرح می‌کند، درواقع در حال اجرای جنگ روانی است. به همین جهت پاسخ سرلشکر وحیدی محاسبات دشمن را از منطق تعداد و تجهیزات به منطق ایمان و اراده که نیروهای ایرانی از آن برخوردار هستند منتقل می‌کند. این پایان کار نبود، هشدارهای سریع و صریح هم داده شد. آنجا که سرلشکر وحیدی با قاطعیت تمام گفت «اتفاقاتی که برای دشمنان رخ می‌دهد، تازه ابتدای کار است»، هشداری قاطعانه و اتمام حجت دوباره بود. این یعنی ایران، از حالت دفاع محض عبور کرده و در حال ورود به مرحله‌ای از تغییر قواعد بازی است.

در کنار این پیام‌ها، سخنان سردار سیدمجید موسوی، لایه فنی و عملیاتی این حضور را تکمیل می‌کند. آنچه توسط او بیان شد، نشان‌دهنده گذار از تولید نیازبه تولید بازدارندگی است. به عبارت دیگر می‌توان گفت محصولات جدید هوافضا، برای ایجاد ترس در دل دشمن طراحی شده‌اند؛ تکنولوژی‌هایی که دشمن را در برابر استفاده از آنها، دچار تردید و لرزه می‌کند. وقتی فرمانده هوافضا می‌گوید «صحنه نبرد را ما تعیین می‌کنیم»، اینگونه تفسیر می‌شود که ایران دیگر منتظر حمله و پاسخ به آن نیست؛ با قدرت موشکی و هوافضایی خود، قلمرو نبرد را مدیریت می‌کند و دشمن نمی‌تواند انتخاب کند کجا و چگونه حمله کند؛ بلکه ایران این توانایی را دارد که دشمن را به هر نقطه‌ای که بخواهد، کشانده و در آنجا موشک‌هایش را نثارش کند.

■ نتیجه‌گیری: بازدارندگی در سایه اقتدار

حضورِ فرماندهان عالی‌رتبه سپاه در شهر موشکی، درست در زمانی که با تهدیدات سران آمریکا روبه‌رو هستیم، مانور روانی و نظامی است. پیام این بازدید روشن است. ایران در برابر تمام نقشه‌های ناتو و آمریکا، دیواری محکم و بازدارنده ساخته است. پس دشمن باید خوب بداند، هرگونه تلاش برای ورود به آسمان یا زمین ایران، تنها به یک نتیجه ختم می‌شود: برخورد با قدرتی که هم در زمین و هوا کاملا دست‌هایش را پر کرده و هم در میدان ایمان، برتری مطلق دارد.

در نشست خبری
سخنگوی وزارت کشور چه گذشت؟
تعیین تکلیف انتخابات تا آخر سال

شنبه‌های اول هر ماه به نام وزارت کشور زده شده است. علی زینی‌وند در مقام سخنگو پشت تریبون قرار می‌گیرد و پس از تشریح آخرین برنامه‌ها و اقدامات وزارتخانه متبوعش به پرسش خبرنگاران پاسخ می‌دهد. اما او روز گذشته در نشست خبری خود چه گفت؟

- تمام ابعاد حادثه آبدانان به دستور رئیس جمهور بررسی می‌شود
- پیش نویس لایحه افزایش تعداد نمایندگان مجلس را تنظیم کرده‌ایم
- تخلفات تاکسی‌های اینترنتی را به‌صورت مستمر رصد می‌کنیم
- افزایش تمرکز وزارت کشور بر مقابله با قاچاق سلاح و سامان‌دهی اتباع خارجی
- نگاه وزارت کشور قابلیت تجمیع و همزمانی انتخابات ریاست جمهوری و مجلس است
- فراجا مکلف شده است زمینه آموزش و صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان را فراهم کند
- تداوم رایزنی‌های دیپلماتیک وزارت کشور با عراق و پاکستان برای رفع محدودیت‌های مرزی
- طرح محله محوری با هدف افزایش و جلب مشارکت تعداد بیشتری از مردم محله دنبال می‌شود

مهم‌ترین موضوع سیاسی در نشست مذکور مربوط به تنظیم پیش‌نویس لایحه افزایش نمایندگان مجلس بود. تأکید زینی‌وند بر تفاهم میان دولت و مجلس، نشانه درک حساسیت جغرافیایی و سیاسی این موضوع است، یعنی دولت قصد دارد با انتقال بحث از صحن علنی به اتاق‌های کارشناسی، از ایجاد شکاف‌های منطقه‌ای و هزینه‌های سیاسی جلوگیری کند.

در پرونده انتخابات، وزارت کشور با تعیین تکلیف شوراها تا پایان سال و برنامه‌ریزی برای برگزاری همزمان انتخابات ریاست جمهوری و مجلس در سال ۱۴۰۷، می خواهد ابهام زمانی را از بین ببرد و به مردم بگوید، دقیقا قرار است چه زمانی پای صندوق‌ها بروند. وقتی دولت با صراحت از محدودیت‌های حقوقی ـ مانند عدم امکان برگزاری همزمان مجلس و شوراها ـ صحبت می‌کند، می‌خواهد نقشه زمانی انتخابات را شفاف کند تا دیگر خبری از سردرگمی و بی‌خبری نباشد. البته در شرایط فعلی برگزاری هر انتخاباتی قطع به یقین باید با هماهنگی نهاد بالادستی (شعام) انجام شود.

بخش دیگر نشست خبری به رایزنی‌های دیپلماتیک با عراق و پاکستان برای رفع محدودیت‌های مرزی، اختصاص پیدا کرد. گفت‌وگوها با عراق و پاکستان برای رفع محدودیت‌های مرزی، نشان از نگاه چندبعدی وزارت کشور به مرزها دارد؛ مرزی که هم سپر دفاعی و هم شریان معیشتی است. انجام این ماموریت توسط وزارت کشور، نشان‌دهنده مذاکره عملیاتی و میدانی است که احتمالا روی مسائل ملموس مثل تسهیل عبور و مرور، ساماندهی تجارت مرزی و تامین امنیت اقتصادی متمرکز می‌شود.

پای چالش‌های اخیر حوزه آرد و نان به ساختمان فاطمی ـ نشست سخنگو ـ هم باز شد. با توجه به بحث‌های داغ بر سر افزایش نرخ نان و اتفاقاتی که در چند روز اخیر شاهدش بودیم، موضع سخنگوی وزارت کشور، تلاشی برای مدیریت روایت بود. او با تاکید بر ضرورت دریافت آمار دقیق از متولیان و شفاف‌سازی برای مردم، سعی کرد بحران را از حوزه قیمت به حوزه اطلاعات منتقل کند. این اقدام، به منزله آن است که دولت می‌خواهد پیش از آنکه شایعات، فضای عمومی را تسخیر کنند، حکمرانی اطلاعاتی را به کار بگیرد تا افکار عمومی با شفافیت در جریان امور قرار گیرند. با این حال، باید توجه داشت شفافیت، پیش‌شرط است. اگر بهبود کیفیت و پایداری عرضه همراه با شفافیت نباشد، فقط مدیریت روایت جواب نمی‌دهد. این عوامل باید کنار هم قرار گیرند.



سپاه روز گذشته در اطلاعیه‌ای از انهدام نوزدهمین پهپاد پیشرفته MQ۱ ارتش آمریکا خبر داد
تکرار پیروزی‌های ایران در میدان



سپاه پاسداران روز گذشته شنبه ۳۰ آبان اعلام کرد: با آتش دقیق و موثر سامانه نوین و پیشرفته پدافند هوایی سپاه، نوزدهمین فروند پهپاد MQ۱ در آسمان جزیره سیریک رهگیری و منهدم شد.

رزمندگان پدافند هوایی نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در ادامه نوآوری‌ها و اقدامات موفق پدافندی خود و پس از انهدام پنجاه‌وهشتمین فروند از پهپادهای پیشرفته شناسایی-رزمی MQ۹ ارتش متجاوز آمریکا، با آتش دقیق و موثر سامانه نوین و پیشرفته پدافند هوایی سپاه، موفق به رهگیری و انهدام نوزدهمین فروند پهپاد MQ۱ در آسمان جزیره سیریک شدند. این اقدام، در ادامه مقابله با نقض حریم هوایی جمهوری اسلامی ایران و پاسخی به تداوم تحرکات پهپادی ارتش آمریکا در منطقه اعلام می‌شود.

پدافند ایران در منطقه سیریک، کاری کرد که دشمن پی ببرد برای نوزدهمین بار به رغم تمامی تجهیزات، تکنولوژی‌ها و پهپادهای خود نمی‌تواند چترش را روی مناطق ایران بگشاید. حال پرسشی که مطرح می‌شود این است: «وقتی ۱۹ بار شکست خورده‌اند، چرا باز پهپادهای‌شان را سمت ایران می‌فرستند؟» پاسخ ساده است. آمریکا پهپادهایش را می‌فرستد تا نقاط کور ما را پیدا کند. اما هر بار که این پهپادها توسط نیروهای مسلح منهدم می‌شوند، معادله قدرت در منطقه بازتعریف می‌شود. این انهدام‌ها ثابت می‌کند که تکنولوژی پیشرفته آمریکا، در برابر مدیریت هوشمند و یکپارچه پدافند ایران، کارایی ندارد. ما با این اقدامات، نه تنها امنیت را تامین می‌کنیم، بلکه با ایجاد هزینه سنگین، دشمن را به بن بست می‌کشانیم؛ جایی که هر تلاش برای رصد یا تجاوز شکست می‌خورد.

اما چرا حادثه اخیر در سیریک اتفاق افتاد؟ چون این منطقه، دقیقا در دهانه تنگه هرمز است؛ جایی که نفت جهان از آن می‌گذرد. وقتی پدافند در این نقطه با تحرکات دشمن برخورد می‌کند، به کل جهان پیام می‌دهد که در این گلوگاه حیاتی، هیچ‌کس اجازه ندارد بی خبر حرکت کند.

دیروز فقط سپاه خبرساز نبود. نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران هم خبر داد که یک نفتکش متخلف که وارد محدوده ممنوعه در شرق تنگه هرمز شده بود، بر اثر برخورد با مین دریایی دچار آتش‌سوزی شد.

روابط عمومی نیروی دریایی ارتش، با هشدار به صاحبان و متصدیان نفتکش‌ها تاکید کرد که تردد در مناطق ممنوعه و محدوده‌های اعلام‌شده، تهدیدی جدی برای جان خدمه و امنیت شناورهاست؛ ازاین‌رو مسئولیت هرگونه حادثه ناشی از بی‌توجهی به هشدارها و محدودیت‌های دریانوردی بر عهده مالکان و بهره‌برداران شناورها خواهد بود. کار به اینجا ختم نشد، ، امیرسرتیپ محمد اکرمی‌نیا سخنگوی ارتش در دیدار با فرماندهان یگان‌های ارتش در جنوب کشور با بیان اینکه شرق تا غرب تنگه هرمز در رصد و کنترل نیروهای مسلح ایران است، گفت: به مراتب از گذشته قوی‌تر هستیم، هرگونه تجاوز جدید با پاسخ قاطع، فوری و اثرگذار نیروهای مسلح مواجه خواهد شد.

به هر حال امروز «جمهوری اسلامی ایران» با پشت سر گذاشتن سه جنگ تحمیلی به توانایی‌های زیادی دست یافته است که هیچ تکنولوژی خارجی نمی‌تواند در برابر آن تاب بیاورد. ما از سامانه‌هایی بهره می‌بریم که در آنها، چشم‌ها (رادارها) و بازوان (موشک‌ها)، در همبستگی مطلق با هم عمل می‌کنند و نشان می‌دهد که پدافند هوایی ایران بدنه و ساختار دفاعی متحد با ضرباهنگ مشترک است و هر تجاوزی را در نطفه خفه می‌کند. این یکپارچگی باعث شده است که سرعت عمل ایران، از محاسبات دشمن پیشی بگیرد.

خلاصه اینکه انهدام این پهپاد، حکایت از آن دارد ایران در حساس‌ترین نقطه جغرافیایی خود، توانسته منطقه ممنوعه برای چشم‌های دشمن بسازد. اما یادمان باشد، بازدارندگی با یک پیروزی به دست نمی‌آید، بلکه با تکرار پیروزی به دست می‌آید و عدد ۱۹، نشان می‌دهد که این تکرار، در حال اتفاق افتادن است.

علی ودایع، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل: رویاهای لیبرالیسم بیش از هر زمان دیگری توسط واقعیت‌های سخت روابط بین‌الملل در حال تحقیر است. پیامدهای جنگ اوکراین و جنگ علیه ایران، همزمان با تغییر وزن‌کشی‌های خرد و کلان، معادلات قدرت را دستخوش دگرگونی ساخته است. اکنون که نشست سه‌جانبه دونالد ترامپ، شی جین‌پینگ و ولادیمیر پوتین در حاشیه اجلاس همکاری‌های اقتصادی آسیا-اقیانوسیه (APEC) در شنزن برگزار شد، جایگاه این رویداد بیش از پیش روشن می‌شود. اهمیت نشست شنزن را نه در متن بیانیه‌های خشک دیپلماتیک، بلکه در تثبیت یک واقعیت نمادین و ساختاری در نظام بین‌الملل باید جست‌وجو کرد.

خروجی عینی نشست شنزن، اعلام رسمی پایان عصر «نهادگرایی لیبرال» و بازگشت قاطعانه قدرت‌های بزرگ به منطق معامله‌گری مستقیم، حوزه‌های نفوذ و موازنه قواست. در قلب قاب روسای جمهوری روسیه، چین و آمریکا، هنجارهای حقوق بین‌الملل بیش از هر زمان دیگری به حاشیه رانده می‌شوند. از منظر رئالیسم ساختاری، جهان دوباره به همان الگوی کلاسیک «کنسرت قدرت‌های بزرگ» و «سیستم مترنیخ» در کنگره وین (۱۸۱۵) بازگشته است؛ جایی که صاحبان بزرگ‌ترین زرادخانه‌های هسته‌ای و اهرم‌های اقتصادی، پشت درهای بسته قواعد بازی را بازتعریف می‌کنند.

■ از خاطره یالتا تا دیپلماسی درهای بسته شنزن

نخستین پرسش محوری در محافل دیپلماتیک جهان آن است که آیا در شنزن شاهد تکرار «کنفرانس یالتا» (۱۹۴۵) بودیم یا این نشست تفاوت‌های ماهوی و فاحشی با آن برهه تاریخی دارد؟

شبح نشست یالتا، ریسمان مشترک تحلیل رسانه‌های جهان درباره نشست شنزن است. در هر دو مقطع، سه قدرت مسلط جهان بدون حضور و رضایت کشورهای کوچک‌تر، درباره مرزهای امنیتی و سرنوشت بحران‌های منطقه‌ای به گفت‌وگو نشستند. با این حال، یک کالبدشکافی دقیق از منظر رئالیسم نئوکلاسیک نشان می‌دهد که شباهت شنزن و یالتا بیشتر در «شکل و نماد» است و این دو رویداد در «محتوا و ساختار» دارای تفاوت‌های راهبردی هستند.

در فوریه ۱۹۴۵، فرانکلین روزولت رئیس جمهوری آمریکا، ژوزف استالین رهبر اتحاد جماهیر شوروی و وینستون چرچیل نخست‌وزیر بریتانیا برویرانه‌های جنگ جهانی دوم، جهان را به دو بلوک با ثبات تقسیم کردند. اما کنسرت سه نفره شنزن از اساس فاقد چنین هارمونی و اشتراک منافعی است. افشای فقدان یک دستور کار منسجم پیش از نشست شنزن از سوی «فایننشال تایمز» و پایان یافتن این دیدار بدون امضای یک سند الزام‌آور، به‌وضوح نشان می‌دهد که اختلافات پشت لبخندها و دست دادن‌های رسمی تا چه حد عمیق است. در مثلث آمریکا، روسیه و چین، هر ضلع ساز خود را کوک می‌کند. از یک طرف، پوتین به دنبال شکستن انزوای دیپلماتیک و تثبیت دستاوردهای ژئوپلیتیک است. از سوی دیگر، ترامپ که پس از شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان دوره‌ای کنگره در داخل آمریکا با محدودیت روبه‌رو شده، به روایت نشریه «فارن پالسی»، نیازمند نمایش قدرت در خارج و کلید زدن پیمان سه‌جانبه کنترل تسلیحات هسته‌ای بود. در این میان، پکن نیز بر پایه منطق «موازنه تهدید» با احتیاطی مضاعف گام برمی‌دارد.

درس شنزن برای تهران
ایران و کنسرت قدرت‌ها با نت‌های ناهماهنگ



بر اساس تحلیل «موسسه بروکینگز»، چین تنها با این شرط وارد میز سه جانبه شد که گفت‌وگوها فاقد تعهدات عملی باشد؛ زیرا اژدهای زرد نه حاضر است سقف زرادخانه هسته‌ای خود را در یک پیمان نابرابر محدود کند و نه می‌خواهد هزینه حل‌وفصل مستقیم بحران اوکراین را بپذیرد. نکته کلیدی آنجاست که در شنزن، معامله‌گری واقعی نه در قاب سه نفره، بلکه در مسیرهای دوجانبه موازی جریان داشت؛ از هماهنگی بیش از دو ساعته پوتین و شی پیش از دیدار با ترامپ تا گفت‌وگوی محدود ترامپ و پوتین و رایزنی واشنگتن و پکن برای حفظ آتش‌بس تجاری شکننده. از این رو، شنزن نه یک یالتای ماندگار برای تقسیم قطعی جهان، بلکه یک موازنه تاکتیکی و موقت میان سه رقیب استراتژیک محسوب می‌شود.

■ تراژدی حاشیه‌نشینی چشم‌آبی‌ها در برابر عمل انجام‌شده

در هندسه جدیدی که در شنزن ترسیم شد، بزرگ‌ترین بازنده ساختاری بی‌تردید قاره سبز است. مقایسه کنفرانس ۱۹۴۵ با نشست ۲۰۲۶، تصویر عریانی از افول ساختاری قدرت اروپا را پیش چشم می‌گذارد. هشت دهه پیش، اروپایی‌ها به رهبری بریتانیای چرچیل یکی از سه ضلع اصلی معماری نظم جهانی بودند، اما امروز «چشم‌آبی‌ها» که به عنوان استعمارگران دیروز همچنان در توهم عضویت در کلوب قدرتمندان به سر می‌برند به پشت شیشه‌های بسته رانده شده و رسما از معمار نظم جهانی به «سوژه معامله قدرت‌های فراقاره‌ای» تقلیل یافته‌اند.

انتشار تصاویر مشترک رهبران آمریکا، چین و روسیه در شنزن، پایتخت‌های اروپایی را در برابر یک «عمل انجام‌شده» قرار داد. سال‌ها جنگ فرسایشی در اوکراین و بحران‌های انباشته انرژی و اقتصاد، ایده «خودمختاری استراتژیک» بروکسل را به یک سراب تبدیل کرده است. نگرانی عمیقی که در «لو فیگارو» و گزارش‌های «شورای آتلانتیک» بازتاب یافته، ناشی از همین واقعیت تلخ است که تصمیم‌گیری درباره امنیت اروپای شرقی بدون حضور اتحادیه اروپا و کی‌یف، عملا اعتبار ناتو و تعهدات فراآتلانتیک را از درون تهی می‌کند. منطق سخت روابط بین‌الملل در شنزن به اروپایی‌ها یادآوری کرد که بدون توانمندی مستقل نظامی و اراده سیاسی واحد، تکیه بر هنجارهای حقوقی نمی‌تواند صندلی قاره سبز را در میز تصمیم‌گیری قدرت‌های بزرگ حفظ کند؛ واقعیتی که اروپا هنوز باور نکرده که براساس آن در نگاه واشنگتن به یک بازیگر درجه دوم تنزل یافته است.

■ پیوند گسل‌های ژئوپلیتیکی

در منطق رئالیسم ساختاری، نظام بین‌الملل مجموعه‌ای به هم پیوسته از گسل‌های ژئوپلیتیکی است. در این چارچوب، هیچ بحرانی در خلأ حل‌وفصل نمی‌شود. ارتعاشات شرق اروپا بلافاصله به غرب آسیا و شرق آسیا منتقل می‌شود. بر همین مبنا، نشست شنزن تاثیر مستقیمی بر دو کانون بحران یعنی جنگ اوکراین و جنگ علیه ایران برجای می‌گذارد.

در پرونده اوکراین، همان‌گونه که الکساندر گابویف در گفت‌وگو با «فایننشال تایمز» تصریح می‌کند، پوتین برنده نمادین و کم‌هزینه نشست شنزن است. حضور هم‌تراز رئیس جمهوری روسیه در کنار رهبران آمریکا و چین به‌رغم فاصله اقتصادی روسیه با دو قدرت دیگر تصویر انزوای غرب را درهم شکست و این پیام را به کی‌یف و پایتخت‌های اروپایی مخابره کرد که سرنوشت جنگ از بالای سر آنها رقم می‌خورد.

اگرچه برخی این رویکرد کاخ سفید را «مماشات با پوتین» خوانده و از نبود انتظار برای توافق فوری خبر می‌دهند، اما فشار واشنگتن برای مدیریت هزینه جنگ اوکراین در کنار عدم تمایل پکن به امضای چک سفید برای مسکو، این منافشه را به سمت نوعی «فریزشدن فرسایشی» و تثبیت واقعیات میدانی سوق می‌دهد. در وضعیت جنگ فرسایشی، کاخ سفید برای افزایش فشار بر اروپایی‌ها بهره خواهد برد.

از سوی دیگر، جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، امنیت تنگه هرمز و شوک‌های ناشی از آن در بازار انرژی و زنجیره تامین کودهای شیمیایی، یکی از کانونی‌ترین اهرم‌های چانه‌زنی روی میز شنزن بوده است. به روایت «بنیاد کارنگی»، اختلال در شریان‌های انرژی و صادرات کود شیمیایی خاورمیانه، فشار اقتصادی سنگینی بر دولت ترامپ وارد کرده و دست مسکو و پکن را برای امتیازگیری از واشنگتن بازگذاشته است.

نکته کلیدی آن است که هیچ یک از سه قدرت تمایلی به اشتعال کنترل نشده خاورمیانه و «جنگ بی‌پایان» ندارند. واشنگتن می‌خواهد برای تمرکز بر مهار چین از باتلاق هزینه‌های خاورمیانه خارج شود، پکن برای صیانت از شریان‌های انرژی طرح «کمربند-راه» به ثبات منطقه نیازمند است و مسکو نیز ترجیح می‌دهد از این بحران به عنوان کارت بازی در پرونده اوکراین و تحریم‌ها استفاده کند.

■ بی‌نظمی مبتنی بر تغییر نظم

برای فهم چرایی همزمانی گفت‌وگو و بن بست در شنزن، باید با عینک متفاوت از هیاهو و قاب‌های نمایشی به قاب پوتین و شی با ترامپ نگاه کرد.

هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه نیکسون و معمار دیپلماسی مثلثی ۱۹۷۰ صراحتا پیش از مرگ هشدار می‌داد که واشنگتن و پکن «بر لبه یک پرتگاه» ایستاده‌اند. بنا به دیدگاه پدرخوانده سیاست خارجی ایالات متحده، در عصر تسلیحات هسته‌ای و هوش مصنوعی، قطع گفت‌وگوی مستقیم میان قدرت‌های بزرگ مساوی با لغزیدن به سوی فاجعه‌ای بزرگ‌تر از جنگ جهانی اول است. می‌توان گفت که نشست شنزن بازگشت دیرهنگام آمریکا به منطق «گفت‌وگوی هم‌زیستی» بود؛ با این تفاوت که برخلاف هندسه صبورانه کیسینجر، مثلث شنزن نه محصول یک طراحی راهبردی منسجم، بلکه حاصل معامله‌گری تاکتیکی رهبران تحت فشار بحران‌های داخلی و منطقه‌ای است.

اما از عینک «رئالیسم تهاجمی» جان مرشایمر در «تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ»، لبخندهای شنزن نمی‌تواند رقابت ساختاری بر سر هژمونی منطقه‌ای در شرق آسیا را متوقف کند. مرشایمر بارها هشدار داده بود که واشنگتن با کشاندن روسیه به آغوش چین مرتکب خطایی راهبردی شده است؛ از این زاویه، امتیازدهی نمادین ترامپ به پوتین تلاشی دیرهنگام برای ایجاد شکاف در محور مسکو-پکن است. نکته اینجاست، تا زمانی که آمریکا از مهار چین دست برندارد، پکن هرگز اهرم روسیه را رها نخواهد کرد. در کنار او، نظریه «موازنه تهدید» و «موازنه فراساحلی» استفان والت نیز نشان می‌دهد که فرسایش توان آمریکا در جبهه‌های فرسایشی، کاخ سفید را ناچار به عقب نشینی به سمت نوعی «خویشتن داری معامله‌گرانه» کرده است. در این میان، در حالی که چین با درک ماهیت مهارگرانه طرح‌های کنترل تسلیحات واشنگتن، از پذیرش هرگونه سقف الزام‌آور سر باز می‌زند.

■ درس شنزن برای تهران

نشست سه جانبه شنزن نه آغاز «یالتای دوم» است و نه پایان رقابت قدرت‌های بزرگ؛ بلکه یک «ایستگاه تنفس تاکتیکی» در میانه یک طوفان ساختاری است. وضعیتی سخت که پیامدهای مشخص در پی دارد. شاید بتوان گفت که جهان شاهد رسمیت یافتن «چندجانبه‌گرایی گزینشی» به جای سازمان‌های بین‌المللی برای ترسیم خطوط قرمز تاکتیکی است. در عین حال، تعمیق شکاف در بلوک غرب و بی‌اعتمادی متحدان سنتی آمریکا به چتر حمایتی واشنگتن که مسابقه تسلیحاتی منطقه‌ای را تشدید می‌کند. نمی‌توان کتمان کرد که گره خوردن دائمی پرونده‌های اقتصاد، فناوری و امنیت که در آن، تعرفه تجاری، تراشه هوش مصنوعی، خط لوله انرژی و موشک در یک سبد واحد معامله می‌شوند.

در چنین جهانی که قواعد آن بیش از هر زمان دیگری بر واقع‌گرایی سخت و پیوند گسل‌های انرژی، فناوری و امنیت استوار شده، یک هشدار واقع‌گرایانه مبتنی بر تاریخ روابط بین‌الملل برای تهران حیاتی است. در کنسرت پرهیاهوی قدرت‌های بزرگ، هیچ قدرتی چه در غرب و چه در شرق منافع حیاتی خود در «موازنه مرکزی» را فدای متحدان یا شرکای پیرامونی نمی‌کند. عبور امن از این پیچ تاریخی، نه با دل بستن به لبخندهای دیپلماتیک شنزن ممکن است و نه با هراس از شبح یالتا، بلکه تنها از مسیر اتکا به بازدارندگی بومی، حفظ انسجام داخلی، صیانت از اهرم‌های ژئوپلیتیکی و پیگیری یک دیپلماسی فعال و چندوجهی با شرکای شرقی می‌گذرد. تهران باید با پیوند دادن منافع و طرح تهدیدهای مشترک، هزینه هرگونه معامله بر سر منافع ملی را برای همه اضلاع مثلث قدرت ناممکن سازد.



حجت‌الاسلام مجتبی ذوالنوری، رئیس فراکسیون دفاع و اقتدار ملی مجلس:

تا اجرای شروط هفت‌گانه، نباید از مذاکره استقبال کنیم

یک‌شنبه/ ۱ آذر ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۶



از نقشه جدید دشمن با عاملیت موساد و رضا پهلوی مزدور، رونمایی شد

آشوب؛ مقدمه تهاجم

مدیریت حکمرانی در دوران جنگ، مستلزم هوشمندی در سیاست‌گذاری‌های معیشتی است

آمریکا و رژیم صهیونیستی به شدت به دنبال تولید آشوب و اغتشاش در ایران هستند. این دو رژیم غدار از تجاوزات نظامی و تروریسم اقتصادی خود علیه ملت ایران، عایدی دلخواه را نداشته‌اند، بنابراین در سودای به هم ریختن داخل کشور هستند. در همین رابطه، آنها مزدور همیشگی و ثابت خود یعنی رضا پهلوی را به کار گرفته‌اند.

در جریان وقایع شهرآبادانان، رضا پهلوی، سرکرده فرقه تروریستی موسوم به سلطنت‌طلب، فیلمی را منتشر کرد و تلاش مذبوحانه‌ای را به خرج داد تا سوگواری مردم شریف و گرانقدر آبادانان برای کارگران فوت‌شده در حادثه واژگونی اتوبوس را مصادره به مطلوب کند و جهت اعتراضات مردم آبادانان را به سمت اغتشاش و آشوب بکشاند.

شواهد و قرائنی نیز موجود است که پس از سفر رومن گوفمن، رئیس موساد به آمریکا، رضا پهلوی با دفتر او تماس گرفته و از او، دستورات مشخصی را برای نقش‌آفرینی در پروژه ضدایرانی جدید دریافت کرده است.

تلاش‌های مستمر محور استکبار برای پیوند زدن پروژه‌های تروریستی موساد با جریان سلطنت‌طلب، نشان از درماندگی آنها در مقابله با اقتدار ملی ایران اسلامی دارد. رضا پهلوی، به عنوان بازوی اجرایی و مزدور پروژه‌های ضدامنیتی، اکنون با تلاش برای سیاه‌نمایی از اوضاع ایران، قصد دارد ابزارهای روانی خود را برای تبدیل حق‌طلبی به آشوب، به کار گیرد؛ حرکتی که ریشه در هماهنگی‌های مستقیم با ارکان امنیتی رژیم صهیونیستی دارد.

در حالی که ملت ایران با ابهت و اقتدار خود، توطئه‌های امنیتی و نظامی و اقتصادی دشمن را خنثی می‌کند، رضا پهلوی، با بهره‌برداری ابزاری از برخی اتفاقات داخل کشور، تلاش دارد نقش محرک آشوب را ایفا کند. شواهد موجود، نشان‌دهنده یک سناریوی از پیش طراحی شده میان موساد و سرکرده فرقه سلطنت‌طلب برای تولید آشوب و اغتشاش در ایران در جهت منافع استکبار است.

■ شوق ترامپ جنایتکار برای تولید آشوب در ایران

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، چندی پیش و پس از سفر رئیس موساد به واشنگتن، از اشتیاق و تمایل شدید خود برای شکل‌گیری آشوب و اغتشاش در ایران سخن گفت و بیان کرد که «من تعجب می‌کنم که چرا در ایران اعتراضات (اغتشاشات) وجود ندارد؟» این اظهارات، درست پس از سفر رئیس موساد به واشنگتن، نشان داد که ترامپ به‌عنوان سرکرده متجاوزان و جنایتکاران ضدایرانی، بسیار روی پروژه آشوب در ایران سرمایه‌گذاری و تمرکز کرده است و در این مسیر باز هم جیره‌خوار خود یعنی رضا پهلوی را جلو انداخته است. اعتراف صریح دونالد ترامپ به تمنای آشوب در ایران، پرده از راهبرد دیرینه کاخ سفید در اعمال تروریسم عریان و جنگ روانی علیه ملت ایران برداشت. رئیس جمهور آمریکا که از مقاومت ستودنی ملت ایران به ستوه آمده، بار دیگر مهره سوخته خود، رضا پهلوی، به خط مقدم سناریوی نخ‌نمای بی‌ثبات‌سازی گسیل داشته است تا شاید در سایه دلارهای استکبار، آرزوهای برباد رفته خود را احیا کند.

اظهارات وقیحانه و مداخله‌جویانه دونالد ترامپ در خصوص ابراز تعجب از عدم شکل‌گیری اغتشاش در ایران، تجلی آشکار ماهیت خصمانه هیات حاکمه آمریکاست. این دست‌اندازی‌های آشکار به حاکمیت ملی ایران، با تکیه بر عناصر خودفروخته‌ای چون رضا پهلوی پیگیری می‌شود؛ عناصری که در نقش کارگزاران جیره‌خوار بیگانگان، همواره مترصد ایجاد شکاف در اراده و عزم ملت ایران بوده‌اند اما هر بار در مواجهه با بصیرت و هوشیاری عمومی ایرانیان، راه به جایی نبرده‌اند.

■ تحرکات تروریست‌های تجزیه‌طلب

دشمن به موازات تلاش برای تولید آشوب و اغتشاش در داخل، پروژه ناامن‌سازی کمربند مرزی ایران را هم پیش می‌برد؛ سناریویی که در ابتدای جنگ تحمیلی سوم یعنی جنگ ۴۰ روزه نیز آمریکا بسیار روی آن تمرکز داشت اما در نتیجه اقتدار قوای نظامی و امنیتی ایران اسلامی به شکست و هزیمت منتهی شد. در همین راستا، مشخصا تشدید فعالیت‌های گروهک تروریستی پژاک در نوار مرزی شمال غرب و تقارن آن با عملیات‌های کوربزیرپرنده‌های انتحاری در برخی نقاط مرزی، از طراحی یک سناریوی چندلایه ضدامنیتی حکایت دارد. همزمان، تلاش برای تسری ناامنی به فضای داخلی و خیابان‌ها از طریق بحران‌سازی‌های محلی، زنگ خطری است که هوشیاری مضاعف دستگاه‌های امنیتی و انتظامی را در افق پیش رو طلب می‌کند.

هم‌افزایی تحرکات تجزیه‌طلبانه در مناطق مرزی شمال غرب، پرده از اهداف استکبار برای اعمال فشار همه‌جانبه بر ساختار امنیت ملی برمی‌دارد. گره زدن این ناامنی‌های مرزی به سناریوهای فرسایشی و ضدامنیتی در قبال فضای شهری، با محوریت عناصر تروریستی نظیر رضا پهلوی و سلطنت‌طلبان، ضرورت هوشیاری ساختاری و مواجهه قاطع با عوامل پشت‌پرده را در هفته‌های آتی دوچندان ساخته است.

■ مواظب معیشت مردم باشیم

از سوی دیگر، در شرایطی که در میانه یک جنگ وجودی و موجودیتی با استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و رژیم خونخوار صهیونیستی هستیم و گرگ‌هایی همچون ته‌مانده فاسد رژیم ساقط شده پهلوی، به نیابت از دشمن، در کمین نشسته‌اند تا روی مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم موج‌سواری کنند، مدیریت اجرایی و تصمیم‌گیر در داخل باید از هرگونه شوک درمانی اقتصادی و معیشتی پرهیز کند. دست گذاشتن روی کالاهای استراتژیکی نظیر نان و بنزین در شرایط فعلی بسیار خطرناک است. فراموش نکنیم چرچیل، نخست‌وزیر انگلیس با وجود خاستگاه و تمایلات کاپیتالیستی‌اش، در میانه جنگ دوم جهانی، در پاسخ به اقتصاددانی به نام «فون هایک»، خود را در شرایط جنگی، سوسیالیسم و طرفدار معیشت مردم معرفی کرد. روزولت، رئیس جمهور کشور سرمایه‌سالار آمریکا، نیز در همان مقطع زمانی، اداره حمایت از مصرف‌کنندگان را دایر کرد.

مدیریت حکمرانی در دوران جنگ، مستلزم هوشمندی در سیاست‌گذاری‌های معیشتی است. تضعیف قدرت خرید مردم در این مقطع حساس، دقیقا همان هدفی است که سیاست‌گذاران آمریکایی و صهیونیستی برای تضعیف اراده ملی مردم ایران دنبال می‌کنند. الگوی مدیریت در دوران جنگ‌های بزرگ، برخلاف ادعای تئوریسین‌های لیبرال، بر پایه تضمین امنیت معیشتی توده مردم استوار است. برای پیروزی، در میانه جنگ، نباید اجازه داد نان و سوخت به ابزاری برای ناامنی معیشتی و روانی مردم تبدیل شود. حفظ و ثبات قیمت کالاهای اساسی، نه یک انتخاب اقتصادی، بلکه یک ضرورت دفاعی برای جلوگیری از سوءاستفاده فرصت‌طلبان داخلی و خارجی است.

به طور کلی، باید بسیار مراقب بود؛ دشمن، آشوب در داخل را به عنوان مقدمه تجاوز بعدی تعریف کرده است. باید تمامی منافذ تولید آشوب را ببندیم. تحلیل تحرکات اخیر دشمن نشان می‌دهد که رویکرد آمریکا و رژیم صهیونیستی از فاز فشار فرساینده به مرحله آماده‌سازی عملیاتی برای ضربه نهایی تغییر یافته است. بر اساس ارزیابی‌های میدانی، دشمن در پی آن است تا به محض اشتعال جرقه‌های اغتشاش و ناآرامی در داخل کشور، سناریوی تجاوز همه‌جانبه هوایی و زمینی را عملیاتی کند؛ سناریویی که در آن، آشوب داخلی نه یک پدیده خودجوش، بلکه کلیدواژه آغاز عملیات و نیروی کمکی متجاوز، تعریف شده است.

ناکامی ترامپ در کشاندن موضوع ایران به میز مذاکره جهانی

دیپلماسی شعار

نشست سه‌جانبه دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، شی جین‌پینگ، رئیس جمهور چین و ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، روز پنج‌شنبه ۲۸ آبان در شنژن چین برگزار شد؛ نشستی که پیش از آغاز آن، ایران به‌عنوان یکی از موضوعات اصلی دستورکار معرفی شده بود، اما در بیانیه پایانی حتی یک‌بار هم نام ایران نیامد. این غیبت، نه نشانه بی‌اهمیت بودن تهران بلکه نشانه‌ای روشن از اختلاف عمیق میان واشنگتن، پکن و مسکو درباره راه‌حل پرونده ایران و ناتوانی ترامپ در تبدیل گفت‌وگوی سه‌جانبه به یک مسیر عملی برای پایان جنگ است.

ترامپ پیش از نشست مذکور بارها اعلام کرده بود که ایران در دستور کار گفت‌وگوهای سه‌جانبه قرار دارد. او در گفت‌وگو با فاکس نیوز در شنژن گفت: درباره ایران صحبت خواهیم کرد. ما ایران را در وضعیت بسیار خوبی داریم، اما کمی درباره ایران صحبت می‌کنیم.

ترامپ همچنین پیشتر گفته بود قصد دارد با شی و پوتین درباره ایران، اوکراین و کنترل تسلیحات هسته‌ای صحبت کند. خبرگزاری رویترز نیز نوشت نشست سه‌جانبه می‌توانست به جنگ ایران و اوکراین هم اشاره کند.

با این حال، بیانیه پایانی که با عنوان بیانیه به‌سوی صلح منتشر شد، هیچ اشاره‌ای به ایران، جنگ ایران، تنگه هرمز یا حتی جنگ اوکراین نداشت. رویترز نوشت بیانیه نه به جنگ روسیه در اوکراین و نه به درگیری آمریکا با ایران اشاره نکرد. یورونیوز نیز تاکید کرد بیانیه «هیچ اشاره صریحی به اوکراین، ایران، کره شمالی یا دیگر مسائل ندارد.»

این غیبت، درست در شرایطی رخ داد که ترامپ ایران را به‌عنوان یکی از محورهای اصلی مذاکرات معرفی کرده بود. سی‌ان‌ان در تحلیل خود نوشت: ترامپ می‌خواست با شی و پوتین درباره جنگ ایران و اوکراین صحبت کند، چون هر دو کشور روابط نزدیکی با تهران دارند، اما بنا بر ارزیابی ایرنا نشستی که ایران و اوکراین در آن حضور ندارند، ظرفیت اندکی برای ایجاد صلح دارد.

طبق گزارش «ایرنا» پیش از نشست سه‌جانبه، ترامپ و شی در یک نشست دوجانبه نیز درباره ایران گفت‌وگو کردند، اما نتیجه آن صرفا تکرار مواضع قبلی بود. ترامپ در آغاز نشست با شی گفت: هر دو ایالات متحده و چین به بازبودن جریان انرژی در تنگه هرمز و جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای علاقه دارند. این جمله، در ظاهر یک نقطه اشتراک را نشان می‌دهد اما در عمل هیچ چیز تازه‌ای به دست نمی‌دهد. ترامپ و شی هر دو از «باز بودن تنگه هرمز» و «جلوگیری از سلاح هسته‌ای ایران» حرف زدند، اما هیچ سازوکار، تعهد یا نقشه راه مشخصی اعلام نشد. این تکرار، نشانه‌ای از محدود بودن دیپلماسی ترامپ است. او می‌خواست ایران را روی میز مذاکره با دو قدرت جهانی بزرگ دیگر بگذارد، اما نتوانست حتی در نشست دوجانبه با شی، یک گام عملی فراتر از شعارهای کلی بردارد.

■ فرصت از دست‌رفته

نشست شنژن می‌توانست فرصتی باشد برای استفاده آمریکا از ظرفیت چین و روسیه در خروج از بن‌بست جنگ ایران. هر دو کشور روابط نزدیکی با تهران دارند و می‌توانستند در هر مذاکره‌ای نقش موثر داشته باشند. اما ترامپ به‌جای استفاده از این ظرفیت، بر موضع‌گیری‌های ستیزه‌جویانه و تقابلی خود اصرار کرد. او پیش از نشست گفت: ما به هیچ کمکی نیاز نداریم. ما نیروی دریایی، نیروی هوایی و پدافند هوایی ایران را شکست داده‌ایم. او همچنین اعلام کرد برای پایان جنگ ایران به کمک پکن و مسکو نیاز ندارد.

این موضع، درست در آستانه نشست سه‌جانبه، پیامی روشن به پکن و مسکو می‌داد: واشنگتن حاضر نیست پرونده ایران را به یک سازوکار سه‌جانبه یا میانجی‌گری مشترک گره بزند. ترامپ می‌خواست نشان دهد که آمریکا از موضع قدرت مذاکره می‌کند و تهران را با فشار نظامی، محاصره دریایی و هزینه‌های اقتصادی به امتیازدهی وادار خواهد کرد؛ نه اینکه چین و روسیه را در نقش میانجی یا ذی‌نفع پرونده ایران بپذیرد.

■ اختلاف مواضع؛ از «فشار» تا «منافع مشترک»

فاصله مواضع سه طرف درباره ایران نه تنها در لحن بلکه در تعریف مسئله و ابزار حل آن بود. ترامپ ایران را مسئله‌ای می‌دانست که باید با ادامه فشار و «معامله» از موضع برتر حل شود، اما چین و روسیه حاضر نشدند در قالب یک بیانیه رسمی، خود را درگیر سیاست فشار نظامی و اقتصادی واشنگتن کنند.

دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، در گفت‌وگو با فاکس نیوز در شنژن گفت: «آنها می‌خواهند معامله کنند، اما من معامله‌ای می‌خواهم که ماندگار باشد... یک راه یا راه دیگر، ما به نتیجه می‌رسیم.» او همچنین تاکید کرد تهران باید به توافقی تن دهد که فراتر از یک رئیس جمهور آمریکایی بماند و ایران نتواند توان نظامی و هسته‌ای خود را بازسازی کند.

در مقابل، شی جین پینگ، رئیس جمهور چین، در اظهارات رسمی خود پس از نشست، بر «احترام متقابل، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، همکاری برد-برد و گفت‌وگو» تاکید کرد و گفت سه کشور باید «طرف‌های درگیری را به گفت‌وگو تشویق کنند». این عبارت‌ها می‌توانستند به ایران اشاره داشته باشند، اما عمدا مبهم و غیرمستقیم بودند؛ چون پکن نمی‌خواست رسما خود را درگیر یک پرونده حساس مثل جنگ ایران کند.

ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، نیز در بیانیه مشترک، بر «صلح جهانی» و «ثبات راهبردی» تاکید کرد اما هیچ اشاره‌ای به ایران نکرد. دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، پیش از نشست گفته بود: «هیچ توافقی در این نشست نمی‌تواند به کشورهای دیگر تحمیل شود.» این جمله، پیام روشنی درباره ایران هم داشت: مسکو نمی‌خواست در قالب یک بیانیه سه‌جانبه علیه تهران موضع بگیرد.

■ چین: منافع اقتصادی، نه فشار سیاسی

چین بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران و «شریان اقتصادی» تهران و بزرگ‌ترین شکاف در کمپین تحریمی واشنگتن است؛ بنابراین پکن نمی‌توانست در بیانیه‌ای رسمی از سیاست فشار حداکثری آمریکا علیه ایران حمایت کند.

ترامپ در نشست دو جانبه با شی گفت: «هر دو ایالات متحده و چین به باز بودن جریان انرژی در تنگه هرمز و جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای علاقه دارند.» این جمله نشان می‌داد پکن حاضر است درباره «باز بودن تنگه هرمز» و «جلوگیری از سلاح هسته‌ای ایران» هم نظر شود، اما نه درباره ابزارهای فشار یا محدود کردن روابط اقتصادی با تهران. سی‌ان‌بی‌سی نوشت چین ممکن است به‌دلیل آسیب تنگه هرمز به تامین انرژی‌اش، خواهان پایان جنگ باشد اما این با حمایت از فشار آمریکا فرق دارد. به عبارت دیگر، پکن خواهان ثبات انرژی است، نه مشارکت در فشار بر تهران.

■ تهران به مسکو و پکن اعتماد دارد

تهران پیش از نشست، روسیه و چین را «شرکای راهبردی» خواند و پس از نشست هم بر «امنیت منطقه‌ای بدون مداخله» تاکید کرد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه پیش از نشست گفت ایران با روسیه و چین «تماس نزدیک» دارد و آنها را «شرکای راهبردی» می‌داند که مواضع تهران را خوب می‌شناسند. بقایی همچنین اظهارات ترامپ درباره ادعای سلاح بیولوژیک یا شیمیایی ایران را «بی‌اساس» و «بهانه جنگ» خواند.

شین‌هوا در گزارش اصلی نوشت سه رهبر درباره «بحران اوکراین، عدم اشاعه هسته‌ای، وضعیت خاورمیانه و شبه‌جزیره کره» گفت‌وگو کردند. در گزارش رسانه رسمی جمهوری خلق چین، اشاره مستقیم به نام ایران نشده است که نشان می‌دهد چین پرونده منطقه را در قالب کلی خاورمیانه برداشت می‌کند، نه صرفا مسئله ایران.



خبرگزاری تاس روسیه نیز در گزارش اصلی نشست، هیچ اشاره‌ای به نام ایران نکرد و فقط در یک گزارش جداگانه به نقل از ترامپ به آن اشاره کرد.

نشست شنژن نشان داد ایران هم موضوع مذاکره بوده و هم عرصه‌ای که سه قدرت روی آن به اجماع نرسیده‌اند؛ این فقدان اجماع، نه نشانه بی‌اهمیت بودن تهران بلکه نشانه عمق اختلاف میان واشنگتن، پکن و مسکو درباره راه‌حل پرونده ایران است.

عراقچی:

ما به دنبال یک توافق خوب شرافتمندانه و عزتمندانه هستیم

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مصاحبه اخیر خود به تشریح و تبیین روند دیپلماسی در دل جنگ با آمریکا پرداخته است.

وزیر امور خارجه در خلال این مصاحبه با بیان اینکه ما در جنگ مقاومت کردیم و اجازه ندادیم طرف مقابل به پیروزی برسد بنابراین، قطعا نمی‌توانیم در عرصه دیپلماسی به توافقی تن بدهیم که در واقع، خودمان پیروزی را به طرف مقابل تقدیم کنیم، تاکید کرد: ما به دنبال یک توافق خوب، شرافتمندانه و عزتمندانه هستیم و هیچ‌کسی خواهان توافقی نیست که عزت ما را زیر سوال ببرد.

عراقچی در این رابطه گفته است که ما مسیر طولانی‌ای را در مذاکرات اخیر طی کردیم تا در مقطعی به یادداشت تفاهم اسلام‌آباد رسیدیم؛ توافقی که برای دستیابی به آن تلاش زیادی صورت گرفت و سرانجام نیز مورد توافق قرار گرفت. رئیس جمهور آمریکا آن را امضا کرد و حتی متن فارسی را هم امضا کرد و سپس رئیس جمهور ایران نیز نسخه‌های آن را امضا کرد. یعنی هر دو رئیس جمهور هر دو متن را امضا کردند. اما به دلایلی که همه از آن آگاهیم و در پی نقض یکی از بندهای مهم این توافق از سوی آمریکا، بار دیگر شرایط به سمت درگیری پیش رفت. پس از مدتی، هم ما و هم طرف آمریکایی انگیزه خود را برای ادامه مسیر بر مبنای آن یادداشت تفاهم از دست دادیم. بنابراین، یادداشت تفاهم اسلام‌آباد در حال حاضر دیگر روی میز نیست و موضوعیت اجرایی ندارد. با این حال، تعهداتی که آمریکا در آن یادداشت تفاهم پذیرفته بود و اصل این موضوع که اجرای آن تعهدات می‌تواند مسیر را برای دستیابی به توافق نهایی هموار کند، همچنان مورد قبول دو طرف است.

وی بیان کرد: بر همین اساس، ما تعهدات آمریکا در یادداشت تفاهم اسلام‌آباد را به اضافه برخی موضوعات جدیدی که در این فاصله مطرح شده بود ـ از جمله تحریم‌های جدید آمریکا و درخواست برای لغو آنها ـ در قالب یک طرح هفت روزه تنظیم کردیم. این طرح که به شروط هفت‌گانه ایران برای بازگشایی تنگه هرمز نیز معروف شد، در واقع شامل مواردی بود که البته اگر بخواهیم آنها را دقیقا روی کاغذ بیاوریم، تعدادشان اندکی بیشتر از هفت مورد است. براساس این طرح، قرار بود آمریکا در پنج یا ۶ روز نخست، تعهدات مورد نظر را اجرا کند. در روز ششم، ما تنگه هرمز را بازمی‌کردیم و از روز هفتم نیز مذاکرات میان ایران و آمریکا برای دستیابی به توافق نهایی آغاز می‌شد.

وزیر امور خارجه کشورمان گفت: ما این طرح را در اوایل مهر امسال، در جریان سفر به نیویورک از طریق واسطه قطری و به صورت غیرمستقیم به آمریکایی‌ها ارائه کردیم. از آن زمان تاکنون، یعنی طی حدود دو ماه، رفت‌وآمد واسطه‌ها ادامه داشت؛ آنها پیشنهادهای آمریکایی‌ها را منتقل می‌کردند و طرف آمریکایی نیز اعلام می‌کرد که با خواسته‌های ایران موافق است، مشروط بر اینکه چند مورد از خواسته‌های خودش هم به طرح اضافه شود؛ خواسته‌هایی که قرار بود در چارچوب توافق نهایی درباره آنها گفت‌وگو کنیم.

وی تصریح کرد: با نزدیک شدن به انتخابات آمریکا و با توجه به محدود بودن فرصت باقی‌مانده تا آن زمان، واسطه‌ها توصیه کردند که برای تسریع در اجرای طرح، مدت آن را کوتاه‌تر کنیم. ما هم با این پیشنهاد مخالفتی نداشتیم و اعلام کردیم که می‌توانیم زمان‌بندی را فشرده‌تر کنیم. به همین دلیل، طرح هفت‌روزه را به طرحی دوروزه تبدیل کردیم. بدین صورت که اگر در روز اول آمریکا به تعهداتش عمل کند، ما نیز در روز دوم تنگه را بازمی‌کنیم.

عراقچی افزود: مقرر بود در روز دوم تنگه هرمز باز شود و مذاکرات ایران و آمریکا برای دستیابی به توافق نهایی آغاز شود؛ یعنی کل فرآیند در دو روز انجام می‌شد. در روز اول، آمریکایی‌ها اقدامات و تعهدات خود را اجرا می‌کردند و در روز دوم، ما تنگه هرمز را بازمی‌کردیم و مذاکرات میان ایران و آمریکا آغاز می‌شد. تاکید می‌کنم که مذاکرات از روز دوم شروع می‌شد، نه اینکه در همان روز به نتیجه می‌رسید. در یادداشت تفاهم اسلام‌آباد، ما یک بازه زمانی ۶۰ روزه برای مذاکرات در نظر گرفته بودیم که البته قابل تمدید هم بود؛ اما در این طرح، دیگر چنین فرصت زمانی‌ای وجود نداشت و قرار بود مذاکرات بلافاصله آغاز شود و هر چقدر لازم بود ادامه پیدا کند.

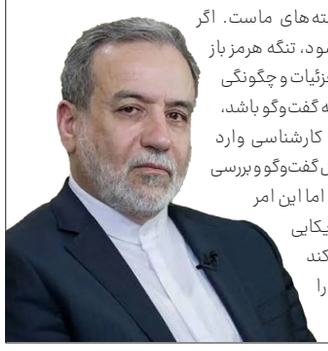
وی تصریح کرد: بنابراین با یک طرح کاملا عملیاتی مواجه بودیم که هم خواسته‌های ما و هم خواسته‌های طرف مقابل را دربر می‌گرفت و در عین حال، مسیر را برای مذاکره باز می‌کرد. ما این طرح را تقریبا ۱۰ روز پیش از انتخابات آمریکا به طرف آمریکایی ارائه کردیم. اگر آن را پذیرفته بودند، چه بسا نتایج و تحولات بعدی نیز به شکل دیگری رقم می‌خورد. البته برای ما اساسا مهم نبود چه کسی در انتخابات پیروز می‌شود و چه کسی شکست می‌خورد؛ آنچه اهمیت دارد، منافع ملی و تامین خواسته‌های کشور است!

عراقچی خاطرنشان کرد: آمریکایی‌ها، به هر دلیلی یا درگیر فضای انتخاباتی بودند، یا موضوع را به درستی درک نکردند، یا شرایط لازم برای پاسخ مثبت فراهم نشد، در هر صورت، پاسخ مساعدی به این پیشنهاد ندادند و انتخابات هم برگزار شد و نتیجه‌ای رقم خورد که امروز شاهد آن هستیم. موضع فعلی ما این است که آن طرح دوروزه همچنان روی میز است اما اگر آمریکایی‌ها واقعا برای دستیابی به توافق جدی باشند، این طرح همچنان می‌تواند زمینه و امکان لازم را برای رسیدن به توافق فراهم کند. البته در این فاصله تحولاتی هم رخ داده که طبیعتا باید درباره آنها تعیین تکلیف شود.

وزیر امور خارجه گفت: در عمل، حتی پیش از آنکه ترامپ توییت ضد مذاکره را منتشر کند، ما هیچ پاسخی از طرف آمریکایی دریافت نکرده بودیم. بنابراین، اگر آنها واقعا برای توافق جدی هستند، طبیعی است که نخستین انتظار ما این باشد که موضع خود را اصلاح کنند. البته اینکه آقای ترامپ هر روز موضع تازه‌ای بگیرد و حتی اظهارات روز قبل خود را تغییر دهد، اتفاق چندان عجیبی نیست. اما نخستین خواسته ما این است که صریحا اعلام کند خواهان توافق است. علاوه بر این، ما به مجموعه‌ای از اقدامات اعتمادساز نیاز داریم تا مطمئن شویم این بار شرایط با دفعات گذشته متفاوت است و طرف آمریکایی واقعا با جدیت وارد مسیر مذاکره شده است. درباره شکل و چگونگی این اقدامات نیز با واسطه‌ها گفت‌وگوهایی داشته‌ایم.

وی بیان کرد: اگر این دو شرط محقق شود، ما آمادگی داریم درباره طرح خود و چگونگی اجرای آن با طرف آمریکایی گفت‌وگو کنیم. خواسته ما کاملا روشن است: هفت شرطی که مطرح کرده‌ایم باید اجرا شود تا تنگه هرمز باز شود. البته اگر آمریکایی‌ها درباره نحوه اجرای این شروط پیشنهاد یا نظری داشته باشند، ما آماده گفت‌وگو هستیم. اینکه چگونه این موارد را روی کاغذ بیاوریم، چگونه تنظیم کنیم و به چه شکلی به توافقی مطلوب برای هر دو طرف برسیم، موضوعی است که می‌توانیم درباره آن مذاکره کنیم.

عراقچی در پایان عنوان کرد: برای مثال، اگر بخواهند زمان‌بندی دوروزه را به یک روز یا حتی دو ساعت تغییر دهند، برای ما مسئله‌ای نیست؛ آنچه اهمیت دارد، تحقق خواسته‌های ماست. اگر خواسته‌های ایران تامین شود، تنگه هرمز باز خواهد شد. حتی اگر درباره جزئیات و چگونگی اجرای همین شروط هم نیاز به گفت‌وگو باشد، ما آمادگی داریم در سطح کارشناسی وارد مذاکره شویم. بنابراین، در اصل گفت‌وگو و بررسی پیشنهادها مشکلی نداریم؛ اما این امر منوط به آن است که طرف آمریکایی ابتدا مواضع خود را اصلاح کند و اقدامات اعتمادساز لازم را انجام دهد.





نیما اکبرخوانی، نویسنده:
جنگی که روایت نشود، به فراموشی سپرده می‌شود

یک‌شنبه/ ۱ آذر ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۶

جشنواره بین‌المللی مقاومت به ایستگاه تئاتر خیابانی رسید
هنر مقاومت در گذرهای پایتخت



کلانشهر تهران، این موجود زنده و پرهیاهو، اینبار در آینه‌ای متفاوت خود را می‌بیند؛ آینه‌ای که نه در قابی طلاکاری شده در تالارهای اشرافی، که در میان شلوغی میدان‌های اصلی و روی آسفالت پیاده‌روها نصب شده است. جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت با عبور از ۱۹ دوره پرفراز و فرود، اکنون در بیستمین گام خود، به ایستگاهی حساس و راهبردی رسیده است. این رویداد که از نیمه دوم سال ۱۴۰۴ آغاز شد و تا سال ۱۴۰۵ در سراسر ایران قهرمان ادامه پیدا کرد، حالا با آغاز بخش «تئاتر در میدان»، مرزهای میان مخاطب و هنرمند را درنوردیده است. وقتی صدای بازیگران در میدان‌های انقلاب، ولی‌عصر و شهدا می‌پیچد، انگار ضرب‌آهنگ قلب شهر تغییر می‌کند. ما در این گزارش به تماشای آن چیزی نشسته‌ایم که از فراخوان سیزدهم آبان آغاز شد و اکنون در بلوغ خود، به مواجهه‌ای بی‌واسطه با مردم رسیده است. تئاتر، دیگر تنها یک انتخاب برای اوقات فراغت نیست؛ بلکه ضرورتی است که برای بازخوانی ایستادگی در روزگار پیچیده معاصر، به میان زندگی مردم آمده است.

کمتر کسی گمان می‌کرد که یک جشنواره هنری بتواند با چنین وسواسی و با نگاهی تا این حد جامع، مسیر طولانی یک ساله را طی کند. جشنواره تئاتر مقاومت در این دوره، با شعار «ایران، صحنه جاودان مقاومت» عملا قواعد بازی را تغییر داد. معمولا جشنواره‌ها با یک فراخوان ساده، چند ماه تبلیغات، چند هفته اجرا و در نهایت یک اختتامیه پرسروصدا به پایان می‌رسند، اما «مقاومت» در این دوره، یک زیست طولانی مدت و مستمر را تجربه کرد. از سیزدهم آبان سال ۱۴۰۴، همزمان با روز ملی مبارزه با استکبار جهانی که فراخوان این دوره منتشر شد، این رویداد هنری خود را نه به عنوان یک جشن کوتاه‌مدت، که به مثابه یک جریان فرهنگی دائمی تعریف کرد. این دوره با بهره‌گیری از تجربیات ۱۹ دوره گذشته، تلاش کرد تا استعدادهای درخشان تئاتر مقاومت را در سراسر کشور شناسایی و حمایت کند. وقتی به محورهای ۶گانه جشنواره شامل مسابقه نمایشنامه نویسی، تئاتر صحنه‌ای، تئاتر خیابانی با عنوان «سردار آسمانی»، سمینار علمی و پژوهشی، افق مقاومت و بخش ملل نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که دبیرخانه جشنواره به دنبال ترسیم یک نقشه راه کامل برای هنر تئاتر بوده است. این یک سال، نه زمان انتظار، که دوران غنای محتوایی بود. هنرمندان در اتاق‌های فکر و جلسات نقد و بررسی، به این پرسش اساسی پاسخ می‌دادند که چگونه می‌توان مقاومت را بدون افتادن در دام شعارزدگی روایت کرد؟ پاسخ این سوال را می‌توان در گستره موضوعات جشنواره دید؛ از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با آمریکا و رژیم صهیونیستی تا نقش بی‌بدیل زنان در مقاومت و حماسه مردم غزه. این تنوع موضوعی، نشان از بلوغ فکری برگزارکنندگان دارد که نمی‌خواهند در کلیشه‌های ذهنی متوقف شوند.

گذار از سالن‌های تاریک به قلب تپنده شهر و شکستن دیوار چهارم

خیابان، بی‌رحم‌ترین صحنه نمایش در جهان است. در سالن تئاتر، مخاطب شما اسیر است؛ او بلیت خریده، روی صندلی نشسته و چاره‌ای جز دیدن ندارد. اما در خیابان، مخاطب آزاد است. او می‌تواند با یک بی‌توجهی، با یک عبور سریع یا با چرخاندن سر خود، اثر هنری را در نطفه خفه کند. جشنواره تئاتر مقاومت امسال، با درک همین ویژگی سختگیرانه و با هدف‌گذاری دقیق بر بخش «تئاتر در میدان»، جسارت خود را به نمایش گذاشت. وقتی بازیگر در وسط یک میدان شلوغ یا کنار ایستگاه مترو قرار می‌گیرد، او با پدیده‌ای به نام دیوار چهارم روبه‌رو نیست؛ او با دیوار بی‌تفاوتی رهگذران روبه‌رو است.

هنرمندان این دوره، تکنیک‌هایی را به کار گرفتند تا مردم را غافلگیر کنند. جدول اجرایی نمایش‌های بخش «تئاتر در میدان» که برای روزهای بیست‌وششم تا بیست‌وهشتم آبان تنظیم شد، گواه این ادعاست. از میدان انقلاب اسلامی تا میدان حضرت ولی‌عصر و میدان شهدا، هرکدام شاهد اجرای آثاری هستند که با دقت مهندسی شده‌اند. نمایش‌هایی مانند «کوچک‌تر از نخل به بلندای آسمان» به کارگردانی ایوب رحیمی از میناب، یا «سنگ» به کارگردانی سعید ذبیحی از کرمانشاه و «در غلطان» به کارگردانی امیر امینی از لاهیجان، نشان می‌دهد که این جشنواره، یک رویداد پایتخت محور نیست، بلکه صدای ایران است. این اجراها ثابت کردند که نمایش خیابانی در این جشنواره، دیگر به معنای داد زدن یا پانتومیم‌های ساده نیست، بلکه یک نمایش مهندسی شده و دقیق است که می‌داند چگونه در عرض چند ثانیه، یک عابر عجول را متوقف کند. استفاده از موسیقی زنده، پرفورمنس‌های بدنی و دیالوگ‌هایی که مستقیم با زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم گره خورده‌اند، باعث شد تا آن دیوار نامرئی فروبریزد و هنرمند و مخاطب در یک فضای مشترک نفس بکشند.

تحلیل دیدگاه‌های دبیر جشنواره درباره ضرورت ثبت تجربه‌های انسانی

محمد کاظم‌تبار، دبیر بیستمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت، در پیام خود به مناسبت برگزاری بخش «سردار آسمانی» و «ملل»، نکته‌ای عمیق را مطرح کرد که باید زیربنای تحلیل‌های ما درباره این جشنواره باشد. او معتقد است که تاریخ ملت‌ها تنها در اسناد و کتاب‌ها ثبت نمی‌شود، بلکه آنچه از یک روزگار به یاد می‌ماند، در چهره یک انسان، در سکوت یک صحنه و در کلام هنرمندی نهفته است که تصمیم گرفته آنچه را دیده و دریافته، به زبان هنر بیان کند. این دیدگاه، پیوندی عمیق میان تاریخ و تئاتر برقرار می‌کند.

کاظم‌تبار با تاکید بر اینکه تئاتر تلاشی است برای فهم عمیق‌تر زمانه، جشنواره مقاومت را نه فقط یک رویداد مناسبتی، که تلاشی برای پاسداشت کرامت انسانی می‌داند. او با اشاره به شعار «ایران، صحنه جاودان مقاومت»، به این واقعیت تاریخی اشاره می‌کند که این سرزمین همواره ظرفیت پایداری و عبور از بحران را داشته است. شاید مهم‌ترین بخش پیام او، قدردانی از هنرمندانی باشد که در دشوارترین روزهای جنگ و بحران، مسئولیت حرفه‌ای و اجتماعی خود را فراموش نکردند. این جمله دبیر جشنواره که «هنرمند می‌تواند به جای انتظار برای پایان حوادث، در همان لحظه به تفسیر آنها بپردازد»، جوهره اصلی تئاتر مقاومت در این دوره است. این جشنواره با تکیه بر این باور، توانست از یک رویداد نمایشی به یک جریان تولید معنا تبدیل شود که آینده تئاتر را در تربیت هنرمند و توسعه ظرفیت‌های نمایشی جست‌وجو می‌کند.

مقاومت، نام دیگر تاب‌آوری در زندگی روزمره مردم

بزرگ‌ترین دستاورد جشنواره تئاتر مقاومت در این ۲۰ دوره، تغییر پارادایم در معنای مقاومت بود. تا پیش از این، تصور عمومی از مقاومت، صرفا روایت رشادت‌های دوران جنگ تحمیلی یا شهدای خاص بود. اما جشنواره امسال، دایره این مفهوم را تا حد زیادی گسترش داد. مقاومت، حالا به معنای تاب‌آوری در برابر شدایدِ زیستن تعریف شده است. نمایش‌های خیابانی امسال، دوربین خود را روی شخصیت‌های معمولی جامعه زوم کرده‌اند. کارگر ساختمانی که نان حلال درمی‌آورد، مادری که در سختی‌های معیشتی برای آینده فرزندش می‌جنگد، پرستاری که در اوج خستگی به بیمارش روحیه می‌دهد؛ اینها قهرمانان جدید جشنواره تئاتر مقاومت هستند. این یعنی هنر، به جای رفتن به سراغ اسطوره‌های دور، به سراغ قهرمانان کف خیابان رفته است. وقتی تماشاگر خودش یا همسایه‌اش را در قالب شخصیت‌های نمایشی می‌بیند، احساس همذات‌پنداری‌اش ۱۰ برابر می‌شود. این همان هنر تاثیرگذار است که می‌تواند جامعه را به سمت امید سوق دهد. نمایش‌هایی نظیر «پرواز پروانه‌ها» به کارگردانی آرزو جعفری که در هردو میدان انقلاب و ولی‌عصر به اجرا درآمد یا «سوز و گداز» از مهرداد کاووسی، نشان می‌دهد که هنرمندان چگونه از دردها و رنج‌ها برای خلق حماسه‌های کوچک استفاده می‌کنند. تئاتر مقاومت در این دوره، فاصله بین هنر نخبگانی و مردم عادی را به حداقل رساند. تئاتر، دیگر یک کالای لوکس نیست که در تالار وحدت یا سالن‌های نمایش پنهان شده باشد، بلکه کالایی عمومی است که در پیاده‌روها توزیع می‌شود.

فراخوانی برای استمرار حضور هنر در میدان‌های شهر

وقتی پرونده یک ساله جشنواره تئاتر مقاومت را ورق می‌زنیم، می‌بینیم که این جشنواره توانسته است اعتماد بین هنر و مردم را ترمیم کند. بسیاری از مردم، پیش از این تصور می‌کردند که تئاتر مقاومت، چیزی فراتر از کلیشه‌های مرسوم نیست. اما این دوره، با جسارت تمام، به سمت واقعیت حرکت کرد و نشان داد که حقیقت، پشت درهای بسته نیست؛ حقیقت، همین جاست، زیر پای ما، در وسط همین خیابان‌هایی که هرروز از آن عبور می‌کنیم.

این جشنواره، تمام آن چیزی نیست که ما به آن نیاز داریم، اما قطعا شروع درخشانی است. اگر در این روزها در خیابان‌های شهر قدم زدید و به گروه‌های نمایشی برخوردید، نگذرید. مکث کنید. تماشای تئاتر خیابانی، نوعی ادای احترام به زندگی است. ما نیاز داریم که دوباره به هم نگاه کنیم، قصه‌های هم را بشنویم و در برابر تمام سختی‌ها، بایستیم. این گزارش، پایانی بر یک سال انتظار و آغازی بر یک جریان پویا در تئاتر کشور است. خیابان‌ها منتظرند. پرده‌های نامرئی، یکی پس از دیگری در حال کنار رفتن هستند و مقاومت، نه در کتب تاریخ، که در نگاه تک تک ما دوباره زنده می‌شود. جشنواره تئاتر مقاومت، با این اجراهای خیابانی، ثابت کرد که نبض تئاتر، در خیابان می‌تپد و مادامی که این نبض می‌تپد، امید هم زنده است. جشنواره اصلی، همین زندگی جاری است و ما همگی بازیگران این نمایش بزرگ هستیم؛ نمایش ایستادن و نمایش مقاومت.

همزمان با روز «قهرمان ملی» مطرح شد
ساخت مستند درباره زندگی رهبر شهید



۳۰ آبان به عنوان «روز قهرمان ملی» و به یاد سردار شهید حاج قاسم سلیمانی نامگذاری شده است. ضحی شهریاری، مدیر هنری و تولید مستند پرس‌تی‌وی، همزمان با این روز از تغییر نگاه واحد مستند به مقوله قهرمان، ضرورت فاصله گرفتن از اسطوره‌سازی‌های دست‌نیافتنی و حرکت به سوی داکیودرام و روایت‌های متناسب با فضای بین‌المللی گفت؛ نگاهی که در قالب آثار مستند درباره چهره‌های مقاومت، مفاخر تمدنی و تحولات منطقه‌ای به منصه ظهور رسیده است.

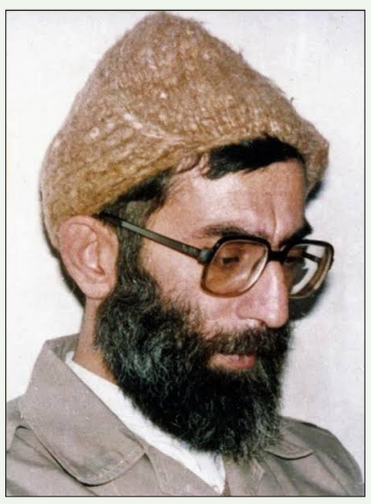
ضحی شهریاری، مدیر هنری و تولید مستند پرس‌تی‌وی، با تاکید بر اینکه قهرمان زمانی روی مخاطب اثر می‌گذارد که در یک درام واقعی قرار بگیرد و قابل لمس باشد بیان کرد: مردمان جهان زبان ارزش‌های جهان‌شمولی مثل پایداری، وطن‌دوستی و نبوغ را می‌فهمند و ما در پرس‌تی‌وی به عنوان یک شبکه انگلیسی زبان و بین‌المللی، با توجه به مخاطب هدفی که داریم، به سراغ این مفاهیم رفته‌ایم. ما برای این بخش سه راهبرد را لحاظ کردیم که اولین نکته استانداردهای فنی و بصری را به سطح پخش بین‌المللی برسانیم، دوم پژوهش‌های مستند و چندلایه را با سند محکم جلو ببریم و سوم نشان بدهیم این قهرمان‌ها چطور به امنیت و معادلات منطقه وصل می‌شوند تا مخاطب خارجی اهمیت قضیه را درک کند.

وی درباره نگاه و راهبرد این شبکه در پرداختن به قهرمانان ملی عنوان کرد: نگاه ما در واحد مستند این است که دیگر نباید به سراغ کارهای کلیشه‌ای، تقویمی یا زندگی‌نامه‌های صرف برویم. استراتژی اصلی ما بر مفهوم «انسان در دل بحران و چالش» است یعنی رو کردن لحظات تصمیم‌گیری مهم و عمل واقعی آدم‌ها، نه ساختن یک چهره دست‌نیافتنی و غیرواقعی.

مدیر تولید مستند پرس‌تی‌وی ادامه داد: از نظر فرم و قالب هم سعی کرده‌ایم از مدل‌های قدیمی و مصاحبه‌های خسته‌کننده فاصله بگیریم و به سمت داکیودرام و نسخه‌های ریتمیک مناسب فضای مجازی برویم.

شهریاری در پاسخ به این پرسش که با توجه به شرایط امروز تمرکز باید بر معرفی کدام قهرمانان باشد، بیان کرد: در این برهه زمانی اصلا نباید تک‌بعدی جلو برویم، بلکه باید یک پازل سه‌بعدی از قهرمانان ایستادگی و امنیت، نخبگان علمی و مفاخر تمدنی و فرهنگی طراحی کنیم. این ترکیب متوازن نشان می‌دهد که ایران فقط یک بعد ندارد، بلکه یک مجموعه زنده است.

مدیر هنری و تولید مستند شبکه پرس‌تی‌وی با اشاره به اینکه واحد هنری شبکه طرح تولید یک کارکوتاه درباره سپهبد شهید سلیمانی را برای ایام سالگرد شهادت وی پیش می‌برد، اعلام کرد: در بخش مستند، درباره این قهرمان بزرگ ملی، پیشتر هم در مجموعه مستند هشت قسمتی «ایران و عراق» به نکات بدیعی از نقش تاثیرگذار او بر تحولات منطقه و به‌ویژه سرنوشت عراق در کشاکش هجوم داعش و بحران‌های سایه‌افکنده بر این کشور پرداخته‌ایم. حالا هم در مجموعه مستند ۱۴ قسمتی «طولانی‌ترین جنگ» که همچون «ایران و عراق» توسط رضوان مرتضی، مستندساز لبنانی، ساخته شده است به نکات دیگری از نقش تاثیرگذار حاج قاسم سلیمانی پرداخته می‌شود.



این مستند درباره تاریخچه مناقشه میان ایران و رژیم صهیونیستی و ریشه‌های آن تا امروز است و در آن نگاهی داریم به نقش بی‌بدیل این شهید و برخی دیگر از قهرمانان ملی کشورمان در کسب وجهه اقتدار و پایداری مقابل اسرائیل و فداکاری و ایثار آنان در این مسیر خطیر. شهریاری از تولید یک مجموعه مستند چهارقسمتی آرشیوی به تهیه‌کنندگی مهدی عرب نیز خبر داد که زندگی و شخصیت رهبر شهید انقلاب را دستمایه کار قرار داده است و «سید علی» نام دارد.

به گفته وی، در این مجموعه زندگی رهبر شهید انقلاب به عنوان بزرگ‌ترین الگوی میهن‌دوستی از کودکی و نوجوانی تا مبارزات انقلاب مرور می‌شود. ضمن آن، محمد شکیبانیا نیز یک مستند دو قسمتی درباره بدرقه تاریخی آقای شهید ایران در دست تهیه دارد که در مراحل پایانی است و در سالگرد شهادت قائد شهید امت پخش می‌شود.

مقاومت زنانه
۱۵

مسافری که به مقصد نرسید
قراری که ناتمام ماند



در پانزدهمین روایت از ستون «مقاومت زنانه»، ماجرای پیرزن بیمار بوشهری را می‌خوانید که با وجود سرطان و بی‌حرمتی‌ها، تمام دلخوشی‌اش حضور در میدان و پای‌بندی به آرمان‌ها بود؛ روایتی تلخ از قراری که پیش از دیدار در خانه او سرآمد و آرزوی آخرین تماشای میدان، بر دلش ماند.

اولین بار ورودی میدان دیدمش. اولین روزهای فروردین. خودش بود و همسر نابینایش. تا سر صحبت را باز کردم گفت که سرطان دارد و به سختی خودش را می‌رساند میدان. بعدها یک دوست دیگرمان هم از او گفت. فیلمش را که دیدیم متوجه شدیم همان پیرزن است.

آخرین بار سمیه از او نوشت. پیرزن شرح حال مفصل‌تری برایش تعریف کرده بود. روایتش هم خیلی گرفت. آن شب فهمیدیم هرشب از چاه‌خانی می‌آید بوشهر. بین راه بی‌حرمتی هم دیده. راننده‌ای که فهمیده بود پیرزن اهل میدان است پیاده‌اش کرده بود و چوب پرچمش را شکسته بود. غم خودش را نداشت. بی‌حرمتی به پرچم عذابش می‌داد.

من شماره دخترش را داشتم و سمیه شماره خودش را. دورادور حالی و احوالی. مدتی توی میدان ندیدیمش. انگاریک جای روایت‌هامان می‌لنگید. دخترش پیام داد: «حال مامانم خیلی بد شده. نمی‌تونه بیاد میدون. تنها آرامشش شنیدن صدا بچه‌های شماست.»

قرار شد برویم خانه‌شان. منتظر روزی بودیم که با برنامه همه ما جور دربیاید. دختر می‌گفت: «چون نداره ولی همش تو فکر میدونه.» دلمان با پیرزن بود ولی زمان با ما نبود. منتظر برنامه‌های ما نایستاد. پا روی گاز گذاشت و پیامک دختر را به ما رساند. همین سه کلمه: «مادرم فوت کرد.» و کاش پیام بعدی را نداده بود: «تمام حرفش دیدن شماها بود. آرزوش دوباره به میدون اومدن بود.» بغضم ترکید و احتمالا بغض همه اهالی گروه که پیام را برایشان فورواردکرده بودم.

تسلیت گفتم. پر از غم بودم و پر از شرم که چرا نشد که برویم و ببینمش. دختر هم جنس مادر بود و بزرگوار. برایم از مادر گفت.

از شب‌هایی که می‌آمد میدان و اهالی خانه اصرار می‌کردند: «تو که مریضی نرو.» مادر سر بلند می‌کرد و می‌گفت: «من اگه نرم میرضم.» گفت که مادرم بعد از تمام سختی‌های زندگی تنها دلخوشی‌اش میدان بود و پای حرف آقا ماندن. روزهای آخر مادر اصرار کرده بود باید برود میدان. خوابیده بود عقب ماشین و تا بوشهر آمده بودند. نا نداشت پیاده شود. دختر گفت: «چند خانم توی میدون پیدا کردم تا بیان پیشش. مادر با دیدنشون جون گرفت. رمق صداش برگشت.»

دختر می‌گفت خجالت کشیده با ما تماس بگیرد. اندوهش ماند برای ما. کاش خبر داشتیم و خودمان تماس گرفته بودیم. گفت: «اون شب که برگشت بعد از مدت‌ها خوشحال بود.»

قبل از مرگش هم چند بار دخترش را صدا زده. پدر که نابینا است فقط خانه بوده. می خواسته آخرین بار میدان را ببیند. دختر آن ساعت خانه نبود. آرزویش ماند به دل مادر و حسرتش به قلب دختر. مادر رفت...

برای ما از او چند عکس و مصاحبه مانده و تکه‌ای از وصیت‌نامه‌اش که آنجا هم میدان را صدا می‌زند.

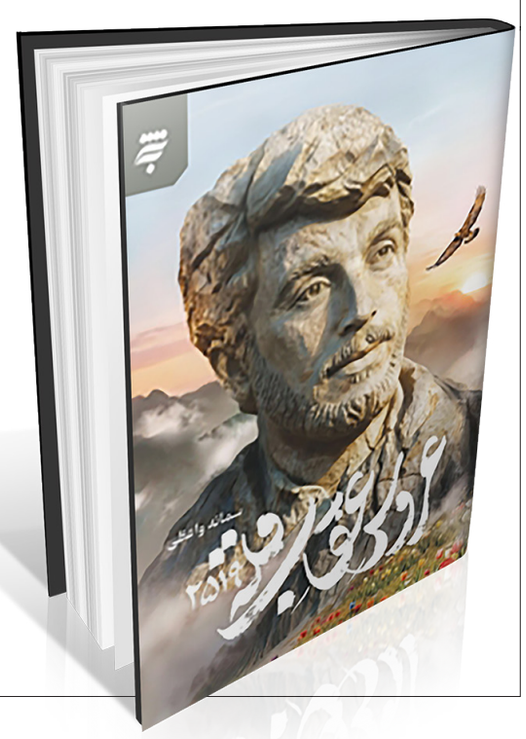
«عروس عقاب قله ۲۵۱۹» منتشر شد

کتاب «عروس عقاب قله ۲۵۱۹» به قلم سمانه واعظی، روایتی داستانی از زندگی عاشقانه و حماسی شهید محمود کاوه، سردار دلاور خراسانی و ناجی کردستان است؛ مردی که در میدان نبرد فرماندهی شجاع و در خانواده فرزندی دلسوز و همسری مهربان بود.

این کتاب با نگاهی به لحظه‌های عاشقانه زندگی مشترک او و همسرش، مخاطب را با گوشه‌هایی کمتر شنیده‌شده از شخصیت این فرمانده بزرگ آشنا می‌کند؛ مردی که با تدبیر و رشادت، امنیت را به کردستان بازگرداند و در عملیات کربلای ۲، در ارتفاعات قله ۲۵۱۹ حاج عمران، سرانجام به درجه رفیع شهادت، رسید.

محمود کاوه، خورشید حاج عمران و آذرخش آذربایجان، نماد پیوند عشق، ایمان و ایثار بود. این کتاب روایت مردی است که هم عاشقانه زیست و هم قهرمانانه به شهادت رسید.

این اثر به تازگی با طراحی جلد مهدی مصطفوی، صفحه‌آرایی ایرج جنانی در قطع رقعی منتشر شده و در فروشگاه‌های کتاب انتشارات به نشر در مشهد و سراسر کشور در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.





راما قویدل، کارگردان تلویزیون:
«کیفیت» حلقه مفقوده تلویزیون است

محمدرضا شرفی‌خبوشان، دبیر علمی جشنواره خاتم از محورهای دوره دوازدهم و مسیر رشد نویسندگان می‌گوید
دریچه‌های ناگشوده داستان به زندگی پیامبر (ص)

زهرا بذرافکن، خبرنگار گروه فرهنگ: بعضی ماجراهای زندگی پیامبر اسلام (ص) آن‌قدر آشنا هستند که خواننده پایان‌شان را از پیش می‌داند. داستان‌نویس هنوز می‌تواند او را غافلگیر کند، اگر ماجرا را از چشم کسی روایت کند که در نقل‌های پیشین در حاشیه مانده است. اهمیت جشنواره ادبی «خاتم» در این است که برای چنین تجربه‌هایی در ادبیات داستانی جا باز می‌کند. نویسنده می‌تواند سراغ روایتی آشنا برود و از دل آن پرسشی تازه برای خواننده امروز بیرون بکشد.

در نخستین دوره، داوران بخش کودک و نوجوان داستان «مهر و خاکستر» نوشته سیدمصطفی فرقانی را به خاطر نگاه انسانی‌اش به ماجرای اهانت به پیامبر (ص) شایسته رتبه سوم دانستند. برای خواننده کم‌سن‌وسال، داستانی از این دست می‌تواند راهی به تاریخ باز کند. او ماجرا را دنبال می‌کند، خودش را جای آدم‌های قصه می‌گذارد و درباره انتخاب‌شان فکر می‌کند.

محمدرضا شرفی‌خبوشان، دبیر علمی جشنواره خاتم، در گفت‌وگو با خبرنگار «آگاه» توضیح می‌دهد که چرا برگزارکنندگان دوره دوازدهم پنج محور را با توجه به شرایط امروز کشور انتخاب کرده‌اند و نویسندگان چطور می‌توانند از سیره پیامبر (ص) برای پرداختن به این موضوع‌ها ایده بگیرند. او از وجه عمومی و تخصصی جشنواره، نقش مربیان کانون پرورش فکری در همراهی با دانش‌آموزان و تجربه کسانی می‌گوید که پس از چند دوره شرکت و حضور در کارگاه‌ها، آثارشان به مرحله تقدیر یا برگزیدگی رسیده است. شرفی‌خبوشان سخت‌گیری داوران را به انتشار آثار و نقشی ربط می‌دهد که این داستان‌ها می‌توانند برای نویسندگان دوره‌های بعد داشته باشند. او همچنین درباره ۴۰ اثر منتشرشده از مسیر این جشنواره درباره قالب‌های این کتاب‌ها، تجربه دریافت داستان‌هایی به فارسی و عربی از شرکت‌کنندگان دیگر کشورها و برنامه برگزاری کارگاه‌های تخصصی حضوری و مجازی در دوره تازه توضیح می‌دهد. در ادامه متن این گفت‌وگو را می‌خوانید:

■ دوازدهمین دوره جشنواره خاتم با چه هدف‌ها و رویکردهایی آغاز شده است؟ در موضوع‌ها یا ساختار جشنواره، چه تغییراتی نسبت به دوره‌های قبل داشته‌اید؟

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. ۱۱ دوره این جشنواره برگزار شده است. به حمدالله، با پایمردی و پیگیری برگزارکنندگان و ارادتی که آنها و شرکت‌کنندگان به حضرت رسول اکرم (ص) داشته‌اند، جشنواره در هر دوره با رویکردهای متنوع و هدفمند و با توجه به ابعاد زندگی پیامبر(ص) فراخوان داده است. الحمدلله شرکت‌کنندگان هم اهل ادبیات داستانی‌اند، چه کسانی که در این عرصه حرفه‌ای قلم می‌زنند و چه نوجوانان و جوانانی که به ادبیات داستانی علاقه دارند، دست به قلم‌اند و دارند تجربه می‌کنند.

جشنواره از همه کسانی که به هرشکلی در هرگوشه‌ای از ادبیات داستانی فعالیت می‌کنند و به پیامبر اکرم (ص) ارادت دارند دعوت کرده تا این ارادت را با دانش داستانی‌شان درآمیزند و آثاری ارائه کنند. آثار برگزیده هر دوره هم در مجلدی جداگانه به چاپ رسیده‌اند. تا امروز، در ۱۱ دوره، حدود ۴۰ اثر از برگزیدگان منتشر کرده‌ایم.

اما درباره تفاوت این دوره، همان‌طور که می‌دانید، جشنواره خاتم با این مقدمه‌ای که گفتم، همه قالب‌های ادبیات داستانی را مدنظر داشته است. شرکت‌کنندگان می‌توانند در قالب داستان کوتاه، داستانک، داستان نوجوان، داستان کودک و همین طور رمان برای جشنواره اثر بفرستند. از نظر مخاطبان و شرکت‌کنندگان هم، همان‌طور که اشاره کردم، جشنواره از طیف‌های مختلف دعوت کرده است. یک بخش ویژه دانش‌آموزی داریم برای دانش‌آموزانی که دوست دارند درباره پیامبر(ص) داستان بنویسند. بخش حرفه‌ای هم برای داستان‌نویسان حرفه‌ای است که می‌توانند در قالب‌هایی که گفتم، اثر بفرستند.

در دوره‌های جشنواره توجه و تامل همواره بر بازنمایی، بازگویی و بازآفرینی سیره و شیوه زندگی پیامبر(ص) و نگاه ایشان به زندگی و پدیده‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی بوده است. شرکت‌کنندگان هم در این زمینه‌های مختلف، با تکیه بر پژوهش‌ها و دانسته‌های‌شان و با مراجعه به منابع معتبر، ایده‌هایی پیدا می‌کردند و آنها را به داستان تبدیل می‌کردند.

در هر دوره برای نویسندگانی که سوالی داشتند یا لازم بود دانش بیشتری به دست بیاورند، کارگاه‌های آموزشی هم برگزار کردیم، چه در زمینه فنی داستان‌نویسی و چه در زمینه محتوا. از استادان این حوزه‌ها کمک می‌گرفتیم و برای نویسندگان در رده‌های سنی مختلف، در سراسر کشور کارگاه می‌گذاشتیم.

در این دوره، با توجه به وضعیتی که کشور شاهد آن است، در فراخوان اعلام کردیم که تمرکز دوره دوازدهم بر چند موضوع خواهد بود. به سیاق دوره‌های قبل، شرکت‌کنندگان به بازنمایی، بازگویی و بازآفرینی سیره و شیوه زندگی پیامبر (ص) می‌پردازند. این بار، با توجه به وضعیت کشور که ما را به یاد موقعیت‌های مشابه در تاریخ اسلام، به‌خصوص در روزگار پیامبر(ص)، می‌اندازد، پنج محور را در کانون توجه گذاشته‌ایم که عبارتند از خودآگاهی و خدامحوری، وحدت و همدلی، دشمن‌شناسی، تاب‌آوری و پایداری در بحران‌ها و سختی‌ها و مبارزه با استکبار.

این پنج محور زمینه‌ای فراهم می‌کنند تا نویسندگان عزیزما، با توجه به شباهت‌هایی که میان وضعیت کنونی و موقعیت‌های تاریخ زندگی پیامبر(ص) می‌بینند و با توجه به روش و منش و شیوه زندگی ایشان، ایده‌های‌شان را پیدا کنند. ان‌شاءالله با نگاه ویژه‌ای که به این موضوع‌ها خواهند داشت، آثار تاثیرگذاری خلق کنند. پیش‌بینی ما این است که چون موضوع‌ها با مسائل روز همخوانی دارند، نویسندگان استقبال خوبی کنند؛ به‌خصوص نویسندگانی که همیشه به گستره عظیم و عمیق و بی‌کران فرصت‌های داستانی در زندگی پیامبر اسلام (ص) نگاه جدی داشته‌اند. آنها معتقدند بسیاری از این فرصت‌ها هنوز کشف نشده و بسیاری از این دریچه‌ها ناگشوده مانده است. در داستان پردازی درباره زندگی پیامبر(ص) با گستره عظیمی روبه‌رو هستیم که هرقدر در آن غور و غواصی کنیم، باز هم مرواریدهای درخشانی هست که باید آنها را کشف کرد و به دست آورد.

برای همین است که جشنواره خاتم، ان‌شاءالله ادامه خواهد داشت. در هر دوره، وقتی آثار به دستمان می‌رسند، با شور و شعف می‌بینیم که نویسندگان با دانش تاریخی و بینش دینی و ایمانی‌شان وجوه تازه‌ای به آنچه ادبیات داستانی می‌نامیم افزوده‌اند. حاصلش آثاری است که هرکدام، به هر حال، نشان تلاش و ارادت نویسنده به ساحت پیامبر اکرم (ص) است.

در داستان پردازی درباره زندگی پیامبر(ص) با گستره عظیمی روبه‌رو هستیم که هرقدر در آن غور و غواصی کنیم، باز هم مرواریدهای درخشانی هست که باید آنها را کشف کرد و به دست آورد

■ درباره آمار گفته شده تا امروز بیش از پنج هزار اثر به جشنواره رسیده است. این تعداد آثار رسیده در ۱۱ دوره گذشته است یا تعداد آثاری است که تا این لحظه به دوره دوازدهم رسیده‌اند؟

بله، این میزان آثاری است که از ابتدا تا امروز به دبیرخانه جشنواره رسیده است. دوره اول که شروع کردیم، حدود ۲۰۰، ۳۰۰ شرکت‌کننده داشتیم. جشنواره هم از نظر کمی رشد کرده و هم از نظر کیفی. هدف برگزارکنندگان این است که به آن سطحی که از نظر فنی و محتوایی انتظار دارند برسند. امیدواریم با همین استمرار، با مشارکت اهل دانش و اهل فن در تاریخ اسلام و ادبیات داستانی و با پیوند این دو حوزه، به آنچه در چشم‌اندازمان داریم، یعنی رسیدن به آثار درخشان، برسیم.

همین جا بگویم که خلق اثر درخشان و موثر فقط یکی از اهداف جشنواره است. جشنواره نگاه همگانی‌تری هم دارد. همین که فرصتی فراهم شود تا علاقه‌مندان با توجه به مسائل امروز، نگاهی دوباره یا گسترده‌تر و با بینشی تازه‌تر به تاریخ زندگی پیامبر(ص) و آموزه‌های ایشان داشته باشند، از اهداف جشنواره است. جشنواره هم نگاه فرهنگی و عمومی دارد و هم نگاه تخصصی و حرفه‌ای در زمینه خلق آثار برجسته و ماندگار. هر دوی این هدف‌ها را دنبال می‌کند. برای همین در بخش دانش‌آموزی هم خیلی فعال هستیم. در هر دوره، دانش‌آموزان علاقه‌مند با همکاری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از سراسر کشور در جشنواره شرکت می‌کنند. مربیان‌شان هم در کارگاه‌های آموزشی دست‌شان را می‌گیرند، راهنمایی‌شان می‌کنند و راه را برای‌شان باز می‌کنند تا در جشنواره حضور پررنگی داشته باشند.

■ درباره همین موضوع، تا جایی که اطلاع دارم، در دوره یازدهم ۱۰۰ اثر به بخش کودک و نوجوان رسید، اما هیچ اثری در این گروه سنی شایسته تقدیر شناخته نشد. این فاصله میان تعداد آثار و کیفیتی که جشنواره انتظار داشت، از کجا می‌آمد؟ چرا هیچ اثری به سطح مورد نظر جشنواره نرسید؟

معیارهای هیات داوران و کسانی که آثار را بررسی می‌کنند، این پیام را به شرکت‌کنندگان می‌دهد که صرف بازنویسی یا بازنمایی و ارائه اثری که در آن تلاشی از نظر فنی یا دانشی نشده باشد، برای اینکه کار در جشنواره دیده شود، کفایت نمی‌کند.

ما بعد از جشنواره هم آثار را منتشر می‌کنیم و این سخت‌گیری بی‌جهت نیست. انتشار یعنی اثر مورد توجه هیات داوران قرار گرفته و ویژگی‌هایی داشته که باعث شده به چاپ برسد. شرکت‌کنندگان دوره‌های بعد هم می‌توانند نیم‌نگاهی به این آثار داشته باشند. از این جهت، جشنواره ما در تقدیر از آثار و اعلام برگزیدگان کمی سخت‌گیرتر از بعضی جشنواره‌های دیگر است.

اعلام نکردن برگزیده در این بخش هم می‌تواند پیامی ضمنی برای شرکت‌کنندگان داشته باشد. خیلی از آنها در دوره‌های قبل هم شرکت کرده بودند و دوباره آمدند. ما شرکت‌کنندگانی داشتیم که مثلا در سه دوره پیاپی شرکت کردند و در دوره سوم، با ارتقای کیفیت اثرشان، برگزیده شدند یا شایسته تقدیر شناخته شدند. یعنی در این دوره‌های پیاپی در کارگاه‌های داستان‌نویسی شرکت کرده‌اند، سطح کیفی اثرشان را بالا برده‌اند و توانسته‌اند اثر خوبی ارائه کنند.

جشنواره استمرار دارد و گاه‌به‌گاه یا موقتی برگزار نمی‌شود که فقط به یک دوره فکر کنیم. نگاه ما این است که شرکت‌کنندگان می‌توانند همراه جشنواره پیش بیایند. تجربه دوره‌های مختلف هم نشان داده که آنها در هر دوره دانش‌شان را بالا می‌برند، هم در زمینه محتوا و هم در فنون داستان‌نویسی. خیلی‌ها در دوره‌های نخست جشنواره دانش‌آموز بودند و در دوره دهم و یازدهم، دیگر بزرگسال بودند، آثار حرفه‌ای می‌نوشتند و در بخش حرفه‌ای شرکت می‌کردند.

تصور کنید معیارهای حرفه‌ای را رعایت نمی‌کردیم و فقط اسم‌هایی اعلام می‌کردیم تا بگوییم در فلان بخش برگزیده داشته‌ایم، یا اصرار داشتیم در هر بخش حتما برگزیده‌ای داشته باشیم. به نظرم آن‌وقت این پیام به‌خوبی منتقل نمی‌شد. این سخت‌گیری برای این است که در دوره‌های بعد کیفیت آثار بالاتر برود و انتظار هیات داوران و هیات علمی برآورده شود.

ما شرکت‌کنندگانی داشتیم که مثلا در سه دوره پیاپی شرکت کردند و در دوره سوم، با ارتقای کیفیت اثرشان، برگزیده شدند یا شایسته تقدیر شناخته شدند

■ توسعه فعالیت‌های بین‌المللی هم از هدف‌های جشنواره است؛ در این زمینه چه برنامه‌ای دارید؟

بله. از همان دوره‌های نخست به شرکت‌کنندگان علاقه‌مند در کشورهای دیگر هم توجه داشتیم، از همسایگان مان و مردم سرزمین‌های اسلامی گرفته تا مسلمانان سایر کشورها. در دوره‌های قبل هم از بعضی کشورها شرکت‌کننده داشتیم و این دریچه را باز گذاشته‌ایم تا بتوانند برای جشنواره خاتم اثر بفرستند.

بعضی از این شرکت‌کنندگان دانشجویانی بودند که به فارسی مسلط بودند و داستان‌شان را به فارسی ارائه کردند. بعضی‌ها هم به عربی داستان فرستادند. بنا داریم این موضوع را در دوره‌های بعد جدی‌تر دنبال کنیم و برای گسترش دامنه بین‌المللی جشنواره با علاقه‌مندان داستان‌نویسی در کشورهای دیگر، به‌ویژه مسلمانان این کشورها، گفت‌وگو کنیم. از همین دوره دوازدهم و در طول این دوره می‌خواهیم اطلاع‌رسانی را به جایی برسانیم که نویسنده‌ای در کشوری دیگر، اگر علاقه دارد شرکت کند، بداند این دریچه به رویش باز است. در دوره‌های گذشته هم شرکت‌کنندگانی از کشورهای دیگر اثر فرستاده‌اند، اما این مشارکت هنوز گسترده نشده است.

■ آثاری که تا امروز چاپ شده‌اند، همه در دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر شده‌اند؟

بله، دفتر نشر فرهنگ اسلامی این آثار را منتشر کرده است. آثار در چند قالب منتشر شده‌اند. رمان داریم، مجموعه داستان کوتاه داریم، مجموعه داستان کوتاه نوجوان و داستان کودک هم داریم. این آثار در مجلدهایی با عنوان‌های متفاوت چاپ شده‌اند و حاصل دوره‌های مختلف جشنواره‌اند، همان ۱۱ دوره‌ای که برگزار شده است.

کمتر جشنواره‌ای می‌بینیم که این اندازه حاصل قابل چاپ و ارائه داشته باشد. این خودش یکی از دستاوردهای خوب جشنواره است. هم معیارها را روشن می‌کند، هم نمونه‌ای پیش روی دیگران می‌گذارد و هم فرصت نقد را پس از جشنواره فراهم می‌کند. حتی آثار برگزیدگان هم می‌توانند نقد شوند تا آنها در دوره‌های بعد آثاری بهتر و درخشان‌تر از کارهای فعلی‌شان ارائه کنند.

همه این کتاب‌ها در سایت جشنواره خاتم در دسترس‌اند. جشنواره خاتم سایت خودش را دارد و چند دوره‌ای است که این سایت راه افتاده است. شرکت‌کنندگان و حتی کسانی که فقط به جشنواره علاقه دارند، با مراجعه به سایت می‌توانند مطالب متنوعی درباره موضوع‌های مرتبط با جشنواره پیدا کنند. مقاله‌های پرشماری هم درباره پیامبر (ص) در سایت هست که می‌تواند به مخاطبان کمک کند.

در سایت مطالب مختلفی درباره جنبه‌های فنی داستان‌نویسی هم داریم و سعی کرده‌ایم به پرسش‌های گوناگون شرکت‌کنندگان در دوره‌های مختلف پاسخ بدهیم. فرستادن اثر و شرکت در جشنواره هم از طریق سایت انجام می‌شود. در دوره‌های مختلف شاهد بوده‌ایم که مخاطبان از همین راه شرکت کرده‌اند و با مخاطبان دوره‌های قبل هم ارتباط مستمر داریم.

برای دوره دوازدهم هم برنامه‌ریزی کرده‌ایم کارگاه‌های تخصصی درباره ادبیات داستانی، ادبیات دینی و زندگی پیامبر(ص) برگزار کنیم. از استادان و همین‌طور مخاطبان و شرکت‌کنندگان دوره‌های قبل جشنواره دعوت می‌کنیم تا در این کارگاه‌ها، چه مجازی و چه حضوری، شرکت کنند.

■■■

فراخوان دوازدهمین دوره جشنواره ادبی «خاتم» ۲۸ مهر ۱۴۰۵ در آیین گشایش این رویداد در فروشگاه کتاب زیتون تهران رونمایی شد. طبق تقویم اعلام شده، نویسندگان تا ۳۱ تیر ۱۴۰۶ برای فرستادن آثارشان فرصت دارند و اختتامیه برای شهریور همان سال پیش‌بینی شده است. دبیرخانه آثار منتشرنشده را می‌پذیرد، به شرط آنکه پیشتر در هیچ جشنواره یا مسابقه‌ای ارائه نشده باشند.

نویسنده ممنوع‌الورود به آمریکا برنده جایزه ملی کتاب این کشور شد
روایت ۶ سال اسارت

عبدالرحمان الجندی، نویسنده مصری که از ورود به آمریکا منع شده بود، جایزه ملی کتاب آمریکا را در بخش آثار غیرداستانی برای کتاب خاطرات خود با عنوان «هُنا» دریافت کرد؛ اثری که روایتگر ۶ سال زندانی بودن او به عنوان زندانی سیاسی در مصر است.

به گزارش «ایبنا» به نقل از ان‌پی‌آر، عبدالرحمان الجندی نتوانست در مراسم اهدای جوایز ملی کتاب آمریکا که در نیویورک برگزار شد، حضور یابد. او هفته گذشته در مقاله‌ای در نشریه «نیویورکر» نوشت که درخواست ویزایش برای ورود به آمریکا از اروپا رد شده و به همین دلیل امکان شرکت در مراسم را ندارد.

انتشار این مقاله پرسش‌هایی را درباره واجد شرایط بودن او برای دریافت جایزه مطرح کرد. بنیاد ملی کتاب آمریکا ساعاتی پیش از برگزاری مراسم با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که معیارهای واجد شرایط بودن نامزدها را در سال ۲۰۲۴ گسترش داده است و از انتخاب کتاب «هُنا» برای دریافت این جایزه حمایت می‌کند. هلن تومایدس، ویراستار کتاب الجندی، جایزه را به نمایندگی از او دریافت کرد و پیام این نویسنده را برای حاضران خواند.

الجندی در این پیام نوشت: «سال‌ها پیش، در سلول زندانم در مصر، در رؤیای نوشتن یک کتاب خاطرات بودم. امروز، آن رؤیا باید به نقطه پایانی خود می‌رسید، اما مانند بسیاری از حلقه‌هایی که در زندگی‌ام گسسته‌اند، این رؤیا نیز ناتمام خواهد ماند؛ رؤیایی که یک رژیم سرکوبگر با ایدئولوژی فاشیستی آن را درهم شکست.»

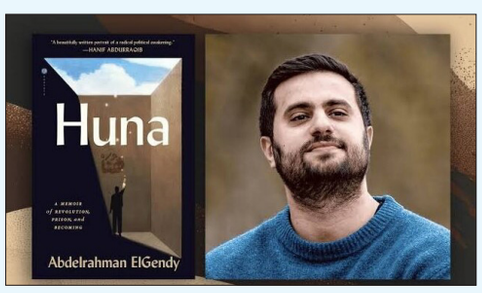
در بخش داستانی، هانا لیلیت اسدی برای رمان «پارادیزو ۱۷» برنده جایزه شد. این رمان داستان سوفین، مردی فلسطینی را روایت می‌کند که پس از تبعید از سرزمین خود در سال ۱۹۴۸، به نقاط مختلف جهان سفر می‌کند. اسدی در سخنرانی دریافت جایزه، از شکل‌گیری این کتاب در روزهای پایانی زندگی پدر فلسطینی‌اش سخن گفت.

او اظهار کرد: «دیدم که سرطان چگونه بدن پدرم را از پا درمی‌آورد و نسل‌کشی چگونه مردم او و فرزندان‌شان را نابود می‌کند. شاید داستان فلسطین روی این زمین همین باشد؛ داستانی به همان اندازه زیبا و دردناک و مگر این داستان، داستان همه ما نیست؟»

برندا هیلمن برای مجموعه شعر «خانه‌ای خاموش در بیابان: تاملی زیست‌محیطی» جایزه بخش شعر را دریافت کرد. این کتاب درباره بازگشت نویسنده به خانه دوران کودکی‌اش پس از مرگ مادر اوست. هیلمن در سخنرانی خود از همه کسانی که تاکنون شعر سروده‌اند قدردانی کرد و بر اهمیت حضور شعر در فضای ادبی و زندگی روزمره تاکید کرد. او همچنین از رسانه‌ها و منتقدانی که فهرست‌های سالانه بهترین کتاب‌ها را تهیه می‌کنند، خواست شعر را در این فهرست‌ها از یاد نبرند.

جایزه بخش ادبیات ترجمه شده به ویسنته لوئیس مورا، نویسنده اسپانیایی و راهول بری، مترجم اثر، برای کتاب «سنتر واو اروپا» تعلق گرفت. این رمان تجربی و نوآورانه، داستان مردی در قرن نوزدهم را روایت می‌کند که هنگام تلاش برای به خاک سپردن همسر درگذشته‌اش، با کندن زمین به سربازانی از دوره‌ها و جنگ‌های مختلف برمی‌خورد.

در بخش ادبیات نوجوانان نیز کتاب «نبرد زندگی ما: ایدز در آمریکا» نوشته دیوید لویتان و گابریل داکلز برگزیده شد. این اثر غیرداستانی به تاریخچه ویروس اچ‌آی‌وی و بیماری ایدز در آمریکا و واکنش گروه‌های مردمی به بحران این بیماری می‌پردازد.



بنیاد ملی کتاب آمریکا همچنین جایزه یک عمر دستاورد را به پری کلاس، متخصص کودکان و فعال حوزه ترویج کتابخوانی اهدا کرد. کلاس که با همکاری درمانگاه‌ها تلاش کرده بود در جریان مراجعات پزشکی، کتاب‌هایی در اختیار کودکان قرار دهد، هنگام دریافت جایزه با یک گوشی پزشکی و نسخه‌ای از کتاب «شب بخیر ماه» روی صحنه حاضر شد.

اجرای مراسم امسال را کایل مک‌لاکلن، بازیگر، برعهده داشت. او در آغاز برنامه از علاقه دیرینه خود به کتاب سخن گفت و در طول مراسم نیز با شوخی‌هایی درباره هوش مصنوعی و نخواندن تمام کتاب‌های نامزدشده، حاضران را همراهی کرد.



هشدار وزارت فرهنگ به سایت‌ها و سکوهای دیجیتال
فعالیت خبری بدون مجوز، ممنوع است

اداره کل مطبوعات داخلی و رسانه‌های اجتماعی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد: انتشار مستمر محتوای خبری در سکوهای فروش و خدمات دیجیتال بدون اخذ مجوز از هیات نظارت بر مطبوعات، ممنوع است و در صورت تداوم از طریق مراجع ذی‌صلاح قانونی پیگیری می‌شود.

به گزارش «آگاه» از معاونت امور رسانه‌ای و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل مطبوعات داخلی و رسانه‌های اجتماعی در پی دریافت گزارش‌های رسانه‌ای از فعالیت بدون مجوز برخی وب‌سایت‌های فروش دیجیتال در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: انتشار مستمر محتوای خبری در سکوهای فروش و خدمات دیجیتال بدون اخذ مجوز از هیات نظارت بر مطبوعات، ممنوع است و در صورت تداوم از طریق مراجع ذی‌صلاح قانونی پیگیری می‌شود.

در این اطلاعیه به فعالیت خبری برخی سکوهای فروش و خدمات دیجیتال اشاره و تاکید شده است: برخی سکوها و پایگاه‌های اینترنتی، با وجود ماهیت اصلی فعالیت خود، به صورت مستمر اقدام به انتشار خبر، گزارش، مصاحبه و تحلیل‌های خبری می‌کنند. فعالیتی که در صورت احراز شرایط قانونی، مشمول ضوابط رسانه‌ای و نیازمند دریافت مجوزهای مربوط است. اداره کل رسانه‌های داخلی ضمن اشاره به بند «الف» ماده ۷ قانون مطبوعات که براساس آن چاپ و انتشار نشریه بدون پروانه انتشار ممنوع است و همچنین بند (ز-۵) فهرست مصادیق محتوای مجرمانه، خطاب به دارندگان سایت‌ها و سکوهای فعال در فضای مجازی که بدون مجوزهای لازم فعالیت خبری و رسانه‌ای دارند، اعلام کرد: با توجه به رصدهای صورت گرفته، فعالیت خبری این وب‌سایت‌ها غیرقانونی و تضییع حقوق رسانه‌های خبری برخط است که در صورت عدم توقف این روند، موضوع از طریق مراجع ذی‌صلاح قانونی و نظارتی پیگیری و با متخلفان مطابق قانون برخورد خواهد شد.



مهدی بختیاری‌زاده، مدیرعامل سازمان میادین میوه و تره‌بار شهرداری تهران:

قیمت محصولات با کیفیت پایین در ساعات آخر فعالیت روزانه بازارها، کاهش می‌یابد

یک‌شنبه/ ۱ آذر ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۶

ثبت بیش از ۱۱ هزار مورد بدرفتاری و آسیب‌رسانی به کودکان در کشور

رئیس اداره مددکاری اجتماعی معاونت درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، از ثبت بیش از ۱۱ هزار مورد کودک‌آزاری در کشور در یک سال گذشته خبر داد و بر ضرورت تقویت نظام حمایت اجتماعی از کودکان، آموزش خانواده‌ها، شناسایی به‌موقع کودکان در معرض خطر و توسعه شبکه‌های حمایتی تاکید کرد.

به گزارش «آگاه» به نقل از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، سید محمدحسین جوادی با بیان اینکه کودکان سرمایه‌های انسانی و اجتماعی هر جامعه هستند، اظهار کرد: برخورداری کودکان از امنیت، سلامت، کرامت و فرصت‌های برابر برای رشد و شکوفایی، از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه اجتماعی است و تحقق حقوق آنان، علاوه بر تدوین قوانین و ارائه خدمات تخصصی، به شکل‌گیری نظامی منسجم از حمایت‌های اجتماعی نیاز دارد.

رئیس اداره مددکاری اجتماعی معاونت درمان وزارت بهداشت با اشاره به اینکه حمایت اجتماعی از کودکان فراتر از مداخله در زمان وقوع آسیب است، افزود: این حمایت از پیشگیری و آگاهی‌بخشی آغاز می‌شود، با شناسایی به‌موقع کودکان در معرض خطر و مداخله تخصصی ادامه می‌یابد و از طریق پیوند دادن خانواده‌ها به منابع حمایتی، خدمات سلامت، آموزش و نهادهای اجتماعی به نتیجه می‌رسد.

جوادی، خانواده را نخستین و مهم‌ترین بستر مراقبت و حمایت از کودک دانست و بر نقش ارتقای آگاهی، مهارت و توانمندی والدین و مراقبان در پیشگیری از بدرفتاری با کودکان تاکید کرد.

وی با اشاره به آمار گزارش شده از سوی واحدهای مددکاری اجتماعی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور گفت: در مجموع ۱۱ هزار و ۶۱۱ مورد کودک‌آزاری یا بدرفتاری با کودکان در مراکز درمانی ثبت شده است که بیش از هشت هزار و ۷۴۷ مورد آن به غفلت و بی‌توجهی اختصاص دارد. همچنین حدود هشت هزار مورد از موارد ثبت‌شده به بدرفتاری از سوی مراقبان در منزل و محارم مربوط بوده است.

وی افزود: این آمارها ضرورت توجه جدی‌تر به آموزش خانواده‌ها، ارتقای مهارت‌های فرزندپروری، افزایش حساسیت اجتماعی نسبت به نشانه‌های غفلت و بدرفتاری و تقویت سازوکارهای شناسایی و حمایت از کودکان را نشان می‌دهد. رئیس اداره مددکاری اجتماعی معاونت درمان وزارت بهداشت، مددکاران اجتماعی را از ارکان اصلی نظام حمایت اجتماعی دانست و گفت: مددکاران با ارزیابی جامع شرایط کودک و محیط زندگی او، شناسایی عوامل خطرو ظرفیت‌های حمایتی، برقراری ارتباط میان خانواده و نهادهای مسئول و ایجاد شبکه‌ای هماهنگ از خدمات، زمینه دسترسی کودکان در معرض آسیب و آسیب دیده را به حمایت‌های مورد نیاز فراهم می‌کنند.

جوادی با اشاره به راه‌اندازی کارگروه حمایت از کودک ذیل کمیته اخلاق بالینی در مراکز درمانی دارای بخش اطفال از ابتدای سال ۱۴۰۴، اظهار کرد: این کارگروه با هدف ارتقای برنامه‌های حمایت از کودکان در سطوح فردی، گروهی و جامعه‌ای، تقویت هماهنگی میان متخصصان و بخش‌های مرتبط و فراهم‌سازی زمینه شکل‌گیری محیط‌های دوستدار کودک فعالیت می‌کند.

وی ادامه داد: این رویکرد می‌تواند مراکز درمانی را علاوه بر محل ارائه خدمات درمانی، به محیط‌هایی برای شناسایی، پیشگیری و مداخله موثر در مسائل اجتماعی و حمایتی کودکان تبدیل کند.

وی همچنین از اجرای پویش ملی حمایت از کودکان در دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور خبر داد و گفت: این پویش فرصتی برای جلب مشارکت متخصصان سلامت، مددکاران اجتماعی، خانواده‌ها و نهادهای اجتماعی در راستای ارتقای آگاهی عمومی، تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی و توسعه فرهنگ حمایت از کودکان است.

جوادی در بخش دیگری از این پیام، با اشاره به شهادت و مجروحیت کودکان در جریان جنگ اخیر و حمله به مدرسه شجره طیبه میناب، یادآور شد: در جریان جنگ اخیر، ۳۸۳ کودک شهید و دو هزار و ۱۱۵ کودک مجروح شدند و در حمله به مدرسه شجره طیبه میناب نیز ۱۶۸ دانش‌آموز و عضو کادر آموزشی به شهادت رسیدند؛ حوادثی که به‌عنوان جنایاتی بزرگ در حافظه جمعی جامعه باقی خواهد ماند.

وی با تاکید بر اینکه کودکان نباید قربانی جنگ‌ها، منازعات و تصمیمات بزرگسالان شوند، خواستار پیگیری جدی و مستقل نقض حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه از سوی نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل متحد و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) شد.



اجرای ترانه‌های عاشقانه در مجلس عزای درگذشتگان، عرف‌شکنی است یا تغییر سلیقه؟

مجلس ترحیم؛ کنسرت ترانه‌های پاپ!

فاطیما کریمی، خبرنگار: سوگواری در فرهنگ ایرانی آیین‌های ریشه‌داری دارد که از قرآن‌خوانی و مداحی تا نواختن دمام، دف و اجرای موسیقی‌های محلی را در بر می‌گیرد. اما در سال‌های اخیر شکل تازه‌ای از اجرای موسیقی در برخی مراسم ترحیم دیده می‌شود؛ گروه‌هایی که با استفاده از سازهای موسیقی و اجرای ترانه‌های عاشقانه خوانندگان موسیقی پاپ، فضایی متفاوت از عرف شناخته‌شده مراسم سوگواری ایجاد می‌کنند؛ تغییری که پرسش‌هایی درباره مرز میان نوآوری در آیین‌های سوگواری و فاصله گرفتن از معنای این مراسم به وجود آورده است.

به گزارش «آگاه» در ایران، سوگواری برای درگذشتگان همواره با آداب و رسوم متنوعی همراه بوده است از مراسم عزاداری سیدالشهدا (ع) که جایگاهی ویژه در فرهنگ دینی و اجتماعی ایرانیان دارد تا آیین‌های محلی برای بدرقه عزیزان از دست‌رفته. هر منطقه و قومیتی نیز در ایران شیوه خاص خود را برای ابراز اندوه و همراهی با خانواده داغدار دارد.

در این میان، موسیقی و نواهای سوگوارانه نیز جایگاه ویژه‌ای دارند. صدای دمام در آیین‌های عزاداری جنوب کشور، نوای سنج و طبل در دسته‌های عزاداری، دف‌نوازی در برخی مناطق غربی و موسیقی‌های آیینی و محلی برای بدرقه درگذشتگان، نمونه‌هایی از پیوند موسیقی با فرهنگ سوگواری در ایران هستند.

در برخی مناطق جنوبی کشور حتی برای افرادی که در دریا جان خود را از دست داده‌اند، آیین‌های ویژه‌ای با موسیقی و نواهای محلی برگزار می‌شود. این نواها صرفا اجرای یک قطعه موسیقی نیستند، بلکه بخشی از حافظه فرهنگی و شیوه جمعی ابراز اندوه در میان مردم آن مناطق هستند.

در کنار این آیین‌های بومی، قرآن‌خوانی و مداحی نیز از شناخته‌شده‌ترین بخش‌های مراسم ترحیم در بسیاری از خانواده‌های ایرانی است. خواندن آیاتی از قرآن، ذکر مصیبت و یادآوری مرگ و معاد، شیوه‌هایی است که خانواده‌ها برای گرامیداشت یاد درگذشتگان و تسلی خاطر بازماندگان انتخاب می‌کنند.

از نوای سوگ به ترانه‌های عاشقانه رسیدیم!

اما آنچه در برخی مراسم ترحیم این روزها به چشم می‌خورد، تفاوتی جدی با این سنت‌های قدیمی دارد. چندی پیش در مراسم ترحیم مادر یکی از همکاران که در خیابان دربند برگزار می‌شد، یک گروه موسیقی برای اجرای برنامه دعوت شده بودند اما آنچه اجرای آنها را متفاوت می‌کرد، انتخاب اشعار و سبک موسیقی بود.

بخش عمده برنامه به اجرای ترانه‌های خوانندگان فارسی‌زبان خارج از کشور اختصاص داشت؛ ترانه‌هایی با مضامین عاشقانه که ارتباطی با فقدان فرد درگذشته و فضای سوگواری نداشتند. نکته قابل توجه اینکه تعدادی از حاضران نیز اشعار این ترانه‌ها را از حفظ بودند و همراه خواننده، آنها را زمزمه می‌کردند و حتی همنوا می‌شدند.

مسئله صرفا استفاده از ساز یا اجرای موسیقی در مراسم ترحیم نیست؛ چراکه موسیقی از گذشته در بخش‌هایی از فرهنگ سوگواری ایران حضور داشته است.



تجربه مشاهده دو نوع متفاوت از مراسم سوگ

تفاوت میان شیوه‌های سوگواری را می‌توان حتی در یک فضای مشترک نیز مشاهده کرد. در یکی از مراجعه‌ها به بهشت سکینه(س)، برای مراسم خاکسپاری یکی از بستگان حضور داشتم. مراسم مطابق آنچه در بسیاری از خانواده‌های ایرانی مرسوم است، با قرآن‌خوانی و مداحی برگزار شد. در همان زمان، در قبر نزدیک به آن، پیکر فرد دیگری بدون برگزاری مراسم تدفین، به خاک سپرده شد و پس از آن اجرای موسیقی با ترانه‌هایی به تقلید از سبک خوانندگان زن فارسی‌زبان خارج از کشور برگزار شد!

پرسش اصلی این است که آیا هر قطعه موسیقی، صرفا به دلیل غمگین بودن ملودی یا محبوبیت خواننده آن، می‌تواند در جایگاه موسیقی سوگ قرار بگیرد؟ مثلا ترانه‌ای که درباره شکست عشقی، جدایی یا دلتنگی عاشقانه سروده شده، حتی اگر با صدایی اندوهگین اجرا شود، لزوما بیانگر سوگ و فقدان نیست. غم عاشقانه با اندوه از دست دادن یک انسان تفاوت دارد و قرارگرفتن این دو در کنار یکدیگر، الزاما به معنای تناسب داشتن آنها با فضای مراسم ترحیم نیست.

این شیوه اجرا صرفا به انتخاب شخصی برخی خانواده‌ها محدود نمانده است. با جست‌وجویی در فضای مجازی می‌توان تبلیغات گروه‌هایی را دید که خدمات اجرای موسیقی در مراسم ترحیم را عرضه می‌کنند. در برخی از این تبلیغات، قطعاتی از خوانندگان موسیقی پاپ ایرانی و فارسی‌زبانان خارج از کشور به عنوان نمونه اجرای گروه منتشر شده است.

حتی در نمونه‌هایی از این تبلیغات، فیلم اجرای قطعه‌ای درباره شکست عشقی در مراسم سوگواری یک زن سالمند وجود دارد! برگزارکنندگان این اجراها نیز همین فیلم‌ها را برای معرفی خدمات خود در صفحات و بسترهای آنلاین منتشر می‌کنند.

به این ترتیب، به نظر می‌رسد در کنار شکل‌های شناخته‌شده برگزاری مراسم ترحیم، نوعی بازار خدمات موسیقایی با الگوی متفاوت در حال شکل‌گیری است؛ بازاری که در آن محبوبیت ترانه‌ها و آشنایی مخاطبان با آثار خوانندگان پاپ، به یکی از عناصر اجرای برنامه تبدیل شده است.

مراسم ترحیم، صرفا گردهمایی برای شنیدن موسیقی یا اجرای قطعات محبوب نیست؛ فرصتی برای یادآوری فرد درگذشته، همدردی با بازماندگان و همراهی جمعی با خانواده‌ای است که عزیزی را از دست داده است. به همین دلیل، انتخاب شعر و موسیقی نیز می‌تواند با همین معنا و فضا تناسب داشته باشد.

اجرای موسیقی محلی، نوای دمام و دف، قطعات بی‌کلام حزن‌انگیز یا حتی آثار شناخته شده‌ای که محتوای متناسب با سوگ دارند، می‌تواند بخشی از تنوع مراسم باشد. اما تبدیل مجلس ترحیم به محلی برای اجرای ترانه‌های عاشقانه‌ای که موضوع‌شان شکست عشقی و جدایی است، بیش از آنکه ادامه یک سنت سوگواری باشد، نوعی تغییر در معنای این مراسم است.

صنعت، در آخر صف خاموشی‌های زمستانی

اولویت با مدیریت مصرف خانگی است

مدیرعامل شرکت توانیر گفت: براساس دستور و تاکید هیات دولت و شخص رئیس جمهور اولویت آخر ما در اعمال محدودیت برق، بخش صنعت است و همه تلاش ما این است که با ذخیره انرژی در بخش‌های غیرمولد از جمله منازل، ادارات، اصناف و محل‌های کسب‌وکار انرژی مورد نیاز را برای چرخیدن چرخ صنعت ذخیره کنیم.

محمد الله‌داد، مدیرعامل شرکت توانیر، با اشاره به آغاز دوره چهارماهه سرد سال و شرایط تامین انرژی در کشور اظهار کرد: ابتدا لازم است از همکاری بسیار خوب هموطنان در هشت ماهه سال تشکر کنم. با وجود تداوم گرمای هوا و همچنین خساراتی که در پی جنگ به تاسیسات وارد شد، به لطف خداوند شرایط بهتری نسبت به سال گذشته داشتیم و میزان اعمال محدودیت‌ها در هشت ماهه امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۴۲ درصد کاهش یافت که این موضوع حاصل همراهی و حمایت مردم است.

وی با بیان اینکه شرایط تامین سوخت در ماه‌های پیش رو به واسطه خسارات واردشده از سال گذشته دشوارتر است، گفت: سال گذشته نیز در تامین سوخت گاز با محدودیت‌هایی مواجه بودیم که با توجه به خسارتی که دشمن در ۲۷ اسفند سال گذشته به زیرساخت‌های تولید گاز وارد کرد، این شرایط تشدید شد. در پی این اتفاق حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب گاز را از دست دادیم که با تلاش همکاران در شرکت گاز و وزارت نفت بیش از نیمی از این خسارات جبران شده است اما همچنان حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب کسری گاز نسبت به سال گذشته به ناترازی کشور اضافه شده است.

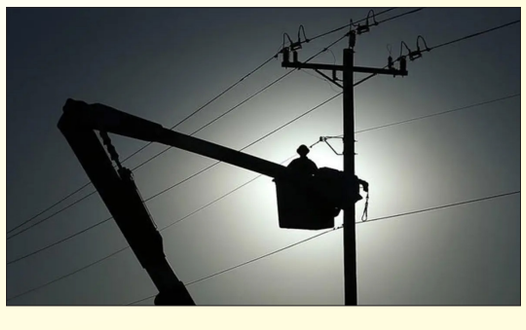
مدیرعامل شرکت توانیر ادامه داد: طبیعتا در تامین گاز همه بخش‌ها تلاش همکاران این است که با مدیریت انجام شده وضعیت بهتری در روزهای پیش رو داشته باشیم اما واقعیت این است که همکاری مردم در همه بخش‌ها برای ما بسیار اهمیت دارد.

الله‌داد ادامه داد: در تابستان تقاضای برق در نیروگاه‌ها به حدود ۷۵ هزار مگاوات می‌رسد در حالی که پیک بار ما در زمستان حدود ۴۵ هزار مگاوات است، یعنی تقاضای برق در این فصل حدود ۳۰ هزار مگاوات کمتر می‌شود، بنابراین از نظر ظرفیت تولید محدودیتی نداریم. در روزهایی از تابستان نیز نیروگاه‌ها به صورت عملی توانستند بیش از ۶۵ هزار مگاوات برق تامین کنند. بنابراین در زمستان با توجه به کاهش تقاضا و اینکه ظرفیت تولید نیروگاه‌ها نیز با کاهش دما افزایش پیدا می‌کند به شرط تامین سوخت نباید در تامین برق با مشکل مواجه شویم.

مدیرعامل شرکت توانیر با تاکید بر ضرورت همکاری مردم در مدیریت مصرف انرژی گفت: با توجه به شرایطی که امسال با آن مواجه هستیم، باور داریم همان‌طور که هموطنان تاکنون همکاری بسیار خوبی داشته‌اند با ادامه این همراهی تا پایان سال می‌توانیم شرایط را به‌گونه‌ای مدیریت کنیم که آسیب به مردم، کسب‌وکارها، صنعت، اقتصاد و رفاه عمومی به حداقل برسد.

الله‌داد ادامه داد: نخستین انتظار ما از بخش‌های عمومی، دولتی و همکاران خودمان است. به‌عنوان مثال در وزارت نیرو برخی مجموعه‌های ورزشی و استخرها فعالیت خود را به‌طور کامل متوقف کرده‌اند. همچنین در ادارات و ساختمان‌های وزارت نیرو هنوز اجازه روشن کردن سیستم‌های گرمایشی را نداده‌ایم و در حوزه روشنایی نیز تذکرات لازم ارائه شده است. انتظار نخست ما از دستگاه‌های دولتی این است که مصرف خود را نسبت به سال ۱۴۰۳ در ساعات اداری ۳۰ درصد کاهش دهند و پس از ساعات اداری نیز مصرف برق را به حداقل برسانند.

الله‌داد افزود: نزدیک به ۲۰ میلیون یخچال در منازل کشور وجود دارد که شاید پنج میلیون دستگاه از آنها مجهز به یخ‌ساز باشند. باید بررسی شود که آیا یخ‌ساز این یخچال‌ها در حال حاضر غیرفعال است یا همچنان از این ظرفیت استفاده می‌شود و مصرف برق اضافی به یخچال تحمیل می‌کند. همچنین هنوز شاهد هستیم که در برخی جلسات آب معدنی خنک از یخچال خارج می‌شود در حالی که شاید استفاده از آب خنک در این روزها ضرورتی نداشته باشد.



از ۲۵۰ به ۱۸۰ لیتر رسیدیم

کاهش سرانه مصرف روزانه آب در تهران

استاندار تهران کاهش سرانه مصرف روزانه آب پایتخت را نتیجه فرهنگ‌سازی و همراهی مردم دانست و از برگزاری جلسات برخط برای کاهش تردد، مصرف سوخت و اتلاف وقت خبر داد و بر لزوم تدوین و تصویب نقشه فرهنگی شهرستان‌ها متناسب با مسائل و اولویت‌های هر منطقه تاکید کرد.

به گزارش «آگاه» محمدصادق معتمدیان در جلسه شورای فرهنگ عمومی استان تهران با محوریت شهرستان پردیس، که با حضور حجت‌الاسلام سیدمحمد حسن ابوترابی‌فرد، امام جمعه موقت تهران و سایر اعضا در سالن جلسات استانداری برگزار شد، با اشاره به اهمیت برگزاری جلسات به صورت برخط، اظهار کرد: در مرحله نخست، هدف‌گذاری شده که ۸۰ درصد جلسات استانی و شهرستانی به صورت برخط برگزار شود.

وی کاهش تردد، ترافیک، مصرف سوخت و اتلاف وقت مدیران را از اهداف این برنامه برشمرد و افزود: حضور طولانی مدیران در جلسات خارج از دستگاه، پاسخگویی به مردم را با مشکل مواجه می‌کند و برگزاری جلسات برخط کمک می‌کند مدیران ضمن مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، در محل خدمت خود حضور داشته باشند و امور مردم معطل نماند.

استاندار تهران با اشاره به فراهم شدن زیرساخت ارتباطی در استانداری، فرمانداری‌ها، بخشداری‌ها، شهرداری‌ها و دستگاه‌های اجرایی، گفت: اجرای این رویکرد از چند هفته گذشته آغاز شده است. پیشنهاد می‌کنم نشست بعدی شورای فرهنگ عمومی نیز پس از بررسی امکانات ارتباطی اعضا و هماهنگی لازم، به صورت آزمایشی برخط برگزار شود تا شورا خود الگویی برای این تغییر در شیوه اداره جلسات باشد.

معتمدیان همچنین بر ضرورت رفع موانع اجرای طرح توسعه فیبر نوری در شهر تهران، تاکید کرد و افزود: اینترنت پرسرعت مستقیما با زندگی و کسب‌وکار مردم مرتبط است و تسریع در اجرای این طرح باید با جدیت دنبال شود.

استاندار تهران در بخش دیگری از سخنان خود، بومی‌سازی نقشه مهندسی فرهنگی استان را از اولویت‌های شورا دانست و گفت: مسائل و چالش‌های فرهنگی شهرستان‌های تهران، با توجه به ترکیب و تراکم جمعیت و شرایط هر منطقه، یکسان نیست. نقشه فرهنگی هر شهرستان باید با شناخت دقیق مسائل همان منطقه تدوین و تصویب شود.

استاندار تهران با قدردانی از هماهنگی امام جمعه، فرماندار و مسئولان شهرستان پردیس، اظهار کرد: این شهرستان با وجود کمبودهای جدی در سرانه‌های فرهنگی، مذهبی، آموزشی، ورزشی و بهداشتی، در اجرای مصوبات شورای فرهنگ عمومی عملکرد مناسبی داشته و می‌تواند الگویی برای دیگر شهرستان‌ها باشد. در کنار این هماهنگی، اقدامات توسعه‌ای در حوزه آموزش و آغاز پروژه‌های بهداشتی و ورزشی نیز برای ارتقای خدمات دنبال می‌شود.



معتمدیان در ادامه، فرهنگ‌سازی برای مدیریت مصرف انرژی را از ضرورت‌های پیش روی استان دانست و گفت: ناترازی انرژی و آسیب‌های وارد شده به زیرساخت‌ها، شرایط دشواری ایجاد کرده است. حفظ پایداری گاز خانوارها، استمرار تولید و تامین سوخت نیروگاه‌ها به یکدیگر مرتبط اند و همراهی مردم در مصرف بهینه، نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت این شرایط دارد.

وی با اشاره به تجربه مدیریت مصرف آب افزود: سرانه مصرف روزانه آب در شهر تهران از حدود ۲۵۰ لیتر به ۱۸۰ لیتر کاهش یافته است. کاهش حدود ۷۰ لیتر از مصرف روزانه هر نفر، در شهری با جمعیت بالای مصرف‌کنندگان، نشان می‌دهد فرهنگ‌سازی و همراهی مردم می‌تواند اثرگذار باشد. رسانه‌ها، ائمه جمعه، رادیو و تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی باید این ظرفیت را برای مدیریت مصرف انرژی نیز به کار بگیرند.

استاندار تهران در پایان، بر ارائه گزارش اقدامات و خروجی کمیته‌های پنج‌گانه در جلسات شورا تاکید کرد و خواستار مشارکت دستگاه‌ها در برنامه‌های مناسبتی پیش‌رو، از جمله آیین‌های فاطمی و هفته زن، با همکاری مجموعه بسیج شد.



مجید جودی، معاون امور بازسازی و مسکن روستایی بنیاد مسکن:

متقاضیان مسکن امید ۵۰۰ میلیون تومان وام با سود پنج درصد می‌گیرند

یک‌شنبه ۱/ آذر ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۶

رویداد سیتکس با حضور ۱۹۰ شرکت فن‌آور، دریافت ۱۲۰۰ محصول و ارزیابی ۲۲۰ طرح به پایان رسید

تهران هوشمند، نماد ایران پیشرو



توسعه شهرها در دنیای امروز بدون بهره‌گیری از فناوری‌های نوین امکان‌پذیر نیست. افزایش جمعیت شهری، پیچیده‌ترشدن مسائل حمل‌ونقل، آلودگی هوا، مدیریت پسماند، مصرف انرژی و ضرورت ارتقای کیفیت خدمات عمومی، مدیریت شهرها را با چالش‌هایی روبه‌رو کرده که دیگر با روش‌های سنتی قابل حل نیستند. در چنین شرایطی، هوشمندسازی و استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان و نخبگان، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی برای اداره کارآمد شهرهاست.

فناوری زمانی می‌تواند در زندگی شهروندان اثرگذار باشد که از فضای آزمایشگاهی و نمایشگاهی فراتر برود و در حل مسائل واقعی شهر به کار گرفته شود. بر همین اساس، ایجاد ارتباط میان مجموعه مدیریت شهری و زیست‌بوم علم و فناوری کشور اهمیت ویژه‌ای دارد؛ ارتباطی که می‌تواند ضمن شناسایی ظرفیت‌های داخلی، زمینه استفاده از راهکارهای نوآورانه در اداره شهر را فراهم کند.

در همین راستا، نخستین دوره رویداد «ایران پیشرو» با عنوان سیتکس، به ابتکار سازمان فناوری‌های نوین و نوآوری شهری شهرداری تهران، طی چهار روز در برج میلاد برگزار شد و جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵ با برگزاری مراسم اختتامیه به کار خود پایان داد. این رویداد با هدف معرفی ظرفیت‌های فناورانه کشور و پیوند دادن شرکت‌های نوآور و دانش‌بنیان با نیازهای مدیریت شهری شکل گرفت.

۱۲۰۰ طرح و محصول در مسیر ارزیابی

مدیرعامل سازمان فناوری‌های نوین و نوآوری شهری شهرداری تهران، در مراسم اختتامیه با تشریح اهداف برگزاری سیتکس گفت: پس از شکل‌گیری این سازمان، ضرورت داشت شهرداری تهران به‌عنوان بازیگری جدی در زیست‌بوم علم و فناوری کشور معرفی شود و ظرفیت‌های آن برای حل مسائل شهری در اختیار نخبگان و شرکت‌های فناور قرار گیرد.

به گفته بهزاد پایمرد، فراخوان این رویداد در سه محور حمل‌ونقل، فناوری‌های مالی و خدمات شهروندی منتشر شد و در مجموع ۱۲۰۰ شرکت، طرح و محصول به دبیرخانه ارسال کردند. پس از ارزیابی‌های اولیه و بر اساس شاخص‌های تعیین‌شده، ۲۲۰ طرح و محصول به مرحله نهایی راه یافتند.

در بخش نمایشگاهی نیز بیش از ۱۹۰ شرکت حضور داشتند. طبق گزارش ارائه‌شده از سوی مدیرعامل سازمان، حدود ۷۲ غرفه به شرکت‌های دانش‌بنیان و واحدهای فناور اختصاص داشت. همچنین پنج پارک علم و فناوری با مشارکت ۲۸ شرکت در نمایشگاه حاضر شدند و ۷۶ شرکت فناور مرتبط با معاونت‌ها و مجموعه‌های شهرداری نیز دستاوردهای خود را معرفی کردند. مجموعه‌هایی از جمله وزارت دفاع، معاونت علمی ریاست جمهوری، بانک ملی و همراه اول نیز در این رویداد مشارکت داشتند.

هدف از این حضور گسترده، تنها نمایش محصولات نبود، بلکه فراهم کردن زمینه آشنایی مدیران شهری با توانمندی‌های شرکت‌ها و ایجاد ارتباط میان نیازهای شهرداری و راهکارهای موجود در بازار فناوری بود.

از مدیریت بحران تا پیش‌بینی آلودگی هوا

یکی از بخش‌های قابل توجه سیتکس، ارائه فناوری‌هایی بود که قابلیت استفاده در مسائل روزمره و زیرساختی تهران را دارند. در حوزه مدیریت بحران، ربات‌ها و پهپادهای امدادی معرفی شدند که می‌توانند در عملیات آتش‌نشانی، امدادرسانی و بررسی محیط‌های پرخطر مورد استفاده قرار گیرند.

همچنین سامانه‌های پایش زیرسطحی و تجهیزات بررسی زیرساخت‌های شهری، با هدف شناسایی نشتی آب، بررسی وضعیت لایه‌های زیرین زمین و کمک به تشخیص آسیب‌های احتمالی معرفی شدند. فناوری‌های مبتنی بر پردازش تصویر نیز برای پایش کانال‌ها و مسیل‌ها و شناسایی احتمال آب‌گرفتگی مورد توجه قرار گرفتند.

در حوزه محیط‌زیست نیز راهکارهای مبتنی بر هوش مصنوعی برای تحلیل داده‌های آلودگی هوا ارائه شد. این فناوری‌ها با استفاده از داده‌های ایستگاه‌های سنجش کیفیت هوا می‌توانند در پیش‌بینی وضعیت برخی آلاینده‌ها تا حدود ۴۸ ساعت آینده نقش داشته باشند. چنین قابلیت‌هایی در صورت توسعه و استفاده عملیاتی، به مدیریت بهتر آلودگی هوا و تصمیم‌گیری دقیق‌تر مدیران شهری کمک می‌کنند.

توجه به ایده‌های نسل جوان

سیتکس در کنار بخش تخصصی، برنامه‌هایی را نیز برای شناسایی استعدادهای جوان در نظر گرفت. یکی از این برنامه‌ها رویداد «بذر طلایی» بود که با هدف حمایت از ایده‌های دانش‌آموزان و دانشجویان برگزار شد.

پایمرد در گزارش خود اعلام کرد حدود ۷۵۰ ایده به دبیرخانه این بخش ارسال شد و پس از رقابت‌های مقدماتی در مناطق و دانشگاه‌ها، تیم‌های منتخب به مرحله نهایی راه یافتند. این بخش تلاش داشت افرادی را نیز وارد چرخه نوآوری شهری کند که هنوز محصول یا کسب‌وکار مشخصی ندارند، اما ایده‌های آنها می‌تواند در آینده به راهکارهای کاربردی تبدیل شود.

چهار رویداد تخصصی با رویکرد «ریورس پیچ» نیز در محورهای مدیریت بحران، پسماند، انرژی و فناوری‌های مالی برگزار شد. در این شیوه، مدیریت شهری نیازها و مسائل خود را مطرح می‌کند تا شرکت‌های فناور برای آنها راهکار ارائه دهند؛ رویکردی که می‌تواند فاصله میان تولید فناوری و استفاده واقعی از آن را کاهش دهد.

در بخش علمی و تخصصی نمایشگاه نیز ۷۴ مهمان در قالب ۱۵ پنل و ۶ سخنرانی، موضوعات مرتبط با آینده فناوری شهری را بررسی کردند. تاب‌آوری و پایداری شهری، مدیریت انرژی و پسماند، خدمات و فناوری‌های مالی، مدیریت ترافیک، لجستیک دیجیتال و فناوری‌های شهری از جمله محورهای این نشست‌ها بودند.

افتتاح استارتاپ استودیوی طراحی رفتار و بازارسازی شهری و برگزاری هکاتون یک‌روزه با موضوع بازی‌سازی و طراحی رفتار شهری با حضور ۱۵ تیم منتخب نیز از دیگر برنامه‌های جانبی این رویداد بود.

در بخش همکاری‌های نهادی نیز تفاهم‌نامه‌هایی با معاونت علمی ریاست جمهوری، مرکز طرح‌های راهبردی، انجمن فناوری و نوآوری کشور و دانشگاه شهید چمران به امضا رسید. پایمرد تاکید کرد که هدف از این توافق‌ها نباید صرفا امضای تفاهم‌نامه باشد، بلکه باید به اقدامات اجرایی و همکاری‌های موثر منجر شود.

تاکید شهردار بر نقش نخبگان در اداره شهر

علیرضا زاکانی، شهردار تهران، نیز با اشاره به ضرورت تحول در شیوه اداره شهرها، بر استفاده از ظرفیت نخبگان و نوآوران برای حل مشکلات پایتخت تاکید کرد. وی هوشمندسازی و بهره‌گیری از فناوری‌های جدید را از محورهای مهم تحول مدیریت شهری دانست و بر ضرورت مشارکت مردم و صاحبان تخصص در این مسیر تاکید داشت.

زاکانی همچنین با اشاره به اینکه حل مسائل پیچیده تهران با روش‌های معمول امکان‌پذیر نیست، بر لزوم فراهم کردن بستر فعالیت دانشگاه‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و بخش خصوصی تاکید کرد. از نگاه شهردار تهران، مدیریت شهری باید بتواند با شناسایی نیازهای خود، زمینه استفاده از محصولات و خدمات فناورانه را فراهم کند.

آزمون اصلی؛ تبدیل ایده‌ها به خدمات شهری

با پایان نخستین دوره سیتکس، مهم‌ترین مسئله پیش روی برگزارکنندگان، تبدیل ظرفیت‌های شناسایی‌شده به همکاری‌های عملیاتی است. حضور بیش از ۱۹۰ شرکت، دریافت ۱۲۰۰ طرح و محصول و ارزیابی ۲۲۰ طرح، نشان‌دهنده ظرفیت قابل توجه زیست‌بوم فناوری کشور برای مشارکت در حل مسائل تهران است؛ اما موفقیت نهایی چنین رویدادی به تعداد فناوری‌هایی بستگی دارد که پس از نمایشگاه وارد چرخه اجرایی مدیریت شهری می‌شوند.

تعریف پروژه‌های مشترک، اجرای طرح‌های آزمایشی، خرید محصولات دانش‌بنیان و فراهم کردن امکان حضور شرکت‌های فناور در پروژه‌های شهری، می‌تواند دستاوردهای سیتکس را از سطح معرفی و نمایش فراتر ببرد.

در نهایت، سیتکس زمانی به یک رویداد اثرگذار در مسیر هوشمندسازی تهران تبدیل خواهد شد که خروجی آن در کاهش هزینه‌های شهری، بهبود خدمات عمومی، افزایش ایمنی و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان قابل مشاهده باشد. آزمون واقعی این نمایشگاه، نه در روز اختتامیه، بلکه در میزان تحقق همین اهداف در ماه‌ها و سال‌های آینده خواهد بود.

هشدار درباره سکه‌های پارسیان تقلبی

گزارش‌های دریافتی از مواجهه برخی خریداران سکه‌های پارسیان با تردید در اصالت و عیار این محصولات هنگام فروش، بار دیگر ضرورت نظارت بر بازار و برخورد با عرضه‌کنندگان سکه‌های تقلبی را مطرح کرد.

به گزارش «مهر»، گزارش‌های دریافتی حاکی از آن است که برخی خریداران سکه‌های پارسیان پس از مراجعه برای فروش یا بررسی کارشناسی، با تردیدهایی درباره اصالت و عیار سکه‌های خریداری‌شده مواجه شده‌اند؛ موضوعی که در مواردی به اختلاف میان خریدار و فروشنده و دشواری بازپس‌گیری وجه پرداختی منجر شده است.

بر اساس روایت‌های مطرح‌شده شماری از افراد با هدف پس‌انداز و حفظ ارزش دارایی خود اقدام به خرید سکه‌های پارسیان کرده‌اند، اما هنگام فروش این محصولات با پاسخ‌هایی مبنی بر نداشتن طلای واقعی یا مغایرت جنس و عیار قطعه با مشخصات مورد انتظار مواجه شده‌اند.

یکی از خریداران در این باره به «مهر» گفت که هنگام خرید، ظاهر سکه و بسته‌بندی آن هیچ تردیدی درباره اصالت کالا ایجاد نکرده بود، اما پس از مراجعه به واحد دیگری برای فروش، به وی اعلام شد که سکه خریداری‌شده فاقد طلای واقعی است. این فرد می‌گوید فروشنده اولیه پس از مراجعه مجدد، مسئولیت کالای فروخته‌شده را نپذیرفته است.

در روایت دیگری، یکی از مخاطبان با اشاره به دریافت فاکتور هنگام خرید سکه پارسیان اظهار کرد که طلافروش در زمان مراجعه برای فروش، نسبت به اصالت قطعه ایراد گرفته است. به گفته وی، پس از مراجعه مجدد به فروشنده، اختلاف بر سر اینکه سکه ارائه‌شده همان قطعه فروخته‌شده بوده یا خیر، شکل گرفته است.

برخی دیگر از مخاطبان نیز با بیان تجربه‌های مشابه تاکید کردند که تا زمان تصمیم به فروش، از وجود مشکل در سکه‌های خریداری‌شده اطلاعی نداشته‌اند و تشخیص اصالت چنین محصولاتی برای خریداران عادی دشوار است.

این افراد معتقدند خریدار در زمان معامله معمولا به بسته‌بندی، مشخصات درج‌شده روی محصول، فاکتور و اعتبار واحد صنفی اعتماد می‌کند و در صورت بروز تخلف، ممکن است تنها هنگام فروش متوجه مشکل شود؛ زمانی که اثبات مسئولیت فروشنده و پیگیری حقوقی موضوع نیز با دشواری همراه است.

هشدار اتحادیه طلا درباره برندهای تقلبی پارسیان

این روایت‌ها در حالی مطرح می‌شود که پیش از این نیز اتحادیه طلا و جواهر تهران نسبت به عرضه سکه‌های پارسیان تقلبی در بازار هشدار داده بود.

بر اساس هشدار منتشرشده از سوی این اتحادیه، پیش از این نمونه‌هایی از سکه‌های پارسیان تقلبی با نام‌های مختلف و همچنین با کد استاندارد جعلی در بازار مشاهده شده بود. اتحادیه طلا و جواهر تهران در همین راستا بر ضرورت خرید از واحدهای صنفی مجاز، دریافت فاکتور رسمی و درج مشخصات کامل سکه در فاکتور تاکید کرده است.

سکه‌های پارسیان به دلیل امکان خرید در وزن‌ها و مبالغ مختلف و قیمت پایین‌تر نسبت به سکه‌های تمام بهارآزادی، مورد توجه بخشی از خریداران قرار دارند و برای برخی افراد به‌عنوان روشی برای پس‌انداز و خرید تدریجی طلا استفاده می‌شوند. با این حال، گزارش‌های مطرح‌شده نشان می‌دهد که اطمینان به ظاهر محصول و بسته‌بندی آن به‌تنهایی برای احراز اصالت کافی نیست.

ضرورت نظارت بر زنجیره عرضه سکه‌های پارسیان

مجموع تجربه‌های مطرح شده از سوی مخاطبان «مهر» ضرورت توجه به نحوه عرضه و نظارت بر سکه‌های پارسیان را برجسته می‌کند؛ چراکه در صورت عرضه کالای فاقد اصالت، خریدار علاوه بر زیان مالی، ممکن است برای اثبات تخلف و بازپس‌گیری وجه خود نیز با مشکلاتی مواجه شود. از این رو، تقویت نظارت بر واحدهای عرضه‌کننده، امکان رهگیری مشخصات و منشأ محصولات، برخورد با عرضه‌کنندگان کالای تقلبی و آگاهی‌بخشی درباره روش‌های احراز اصالت سکه می‌تواند در کاهش آسیب‌های احتمالی به مصرف‌کنندگان موثر باشد.

در عین حال، خریداران نیز باید پیش از انجام معامله از مجاز بودن واحد صنفی اطمینان حاصل کنند، فاکتور رسمی با درج دقیق وزن، عیار، مشخصات محصول و اطلاعات فروشنده دریافت کنند و صرفا به ظاهر یا بسته‌بندی سکه اکتفا نکنند.

تمامی دستگاه‌های شوینده‌های فله‌ای در میادین تره بار استاندارد است

مدیرعامل سازمان میادین میوه و تره‌بار تهران در واکنش به انتقادها از فروش شوینده‌های فله‌ای، بر استاندارد بودن محصولات، تجهیزات و شیوه پرکردن ظروف تاکید کرد.

به گزارش «آگاه» مهدی بختیاری‌زاده ضمن رد انتقادهای مطرح شده نسبت به فروش شوینده‌های فله‌ای در دو میدان هروی و سردار جنگل گفت: از نظر سازمان میادین، رعایت استاندارد فقط به خود محصول محدود نیست؛ تمامی دستگاه‌های مورد استفاده و شیوه پرکردن مجدد ظروف نیز مطابق ضوابط استاندارد است. به گفته وی، اختلاف قیمت با بازار باعث شده شهروندان در دو بازارچه محل اجرای طرح برای خرید صف بکشند.

۴۷ درصد ارزان‌تر؛ در مقایسه با نمونه یک میلیون تومانی

مدیرعامل سازمان میادین میوه و تره‌بار شهرداری تهران ادامه داد: شوینده چهارلیتری در مراکز شهرداری با قیمت ۵۳۰ هزار تومان عرضه می‌شود؛ رقمی که در مقایسه با نمونه یک میلیون تومانی مورد اشاره او، ۴۷ درصد کمتر است. وی بیان کرد: این اختلاف قیمت دلیل استقبال خریداران است و در نظر داریم تا این طرح را در تمامی میادین بزرگ مناطق ۲۲گانه شهر تهران تا پایان سال گسترش دهیم.

پس از آنکه قاسم فدوی، مدیرکل استاندارد استان تهران، در گزارشی در یکی از خبرگزاری‌ها اعلام کرد: «عرضه فله‌ای شوینده‌ها مورد تایید سازمان ملی استاندارد نیست» مهدی بختیاری‌زاده در دفاع از طرح سازمان میادین میوه و تره‌بار شهرداری تهران در عرضه شوینده‌ها به صورت فله‌ای یادآور شد: محصولات عرضه‌شده نشان سیب سلامت و تاییدیه بهداشتی دارند و مدارک آن نیز موجود است.

وی تاکید کرد: در دو میدان میوه و تره‌بار هروی و سردار جنگل که تاکنون این طرح اجرایی شده است؛ ضدعفونی و پرکردن ظروف طبق ضوابط بهداشتی انجام می‌شود و بخش عمده فرآیند نیز خودکار است. مدیرعامل سازمان میادین در ادامه گفت: این شیوه در کنار کاهش هزینه خرید، یک مزیت دیگر هم دارد؛ با استفاده دوباره از ظرف، برای هر بار خرید به بسته‌بندی پلاستیکی تازه نیاز نیست.

بر اساس این گزارش؛ در میان اسناد ارائه شده، تصویر پروانه کاربرد علامت استاندارد برای یکی از محصولات و بخش‌هایی از پیش‌نویس سازمان غذا و دارو برای عرضه شوینده در ظروف قابل استفاده مجدد دیده می‌شود. پیش‌نویس بر حفظ کیفیت، ایمنی و قابلیت ردیابی محصول تاکید دارد.

روند بررسی لایحه تامین امنیت زنان به کجا رسید؟

«لایحه رومینا» را به مجلس می‌فرستیم

معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده با اشاره به روند بررسی لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت در مجلس گفت: در صورتی که روند توافق بر سر متن اصلاح شده این لایحه ادامه پیدا نکند، استرداد آن قطعی خواهد بود و لایحه رومینا را با هدف اصلاح مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی به مجلس ارسال خواهیم کرد.

به گزارش «ایرنا» زهرا بهروزآذر با بیان اینکه یکی از لوایحی که دولت از ابتدای فعالیت خود به مجلس ارسال کرد، لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت بود، اظهار کرد: این لایحه در دولت دوازدهم تهیه شده بود، اما طبق روال، زمانی که لایحه‌ای به دلیل تعطیلی مجلس و تغییر دولت از دستور کار خارج می‌شود، دولت باید آن را دوباره به مجلس ارسال کند، بر همین اساس، این لایحه مجددا به مجلس ارسال شد و در فرآیند بررسی قرار گرفت.

وی افزود: در کمیسیونی که لایحه در آن بررسی می‌شد، تغییرات بسیار جدی و ماهوی در متن صورت گرفت و عملا آنچه انتظار داشتیم و نظرات کارشناسی نیز بر آن تاکید داشتند، محقق نشد، هدف این بود که لایحه بتواند از خشونت پیشگیری کند و قوانین سخت‌گیرانه و بازدارنده‌ای داشته باشد، اما متاسفانه این هدف در متن تغییریافته تامین نشده بود.

معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده ادامه داد: در مقطعی تصمیم دولت بر این شد که لایحه را مسترد کند و این موضوع نیز در هیات وزیران به تصویب رسید، اما پس از گفت‌وگوی رئیس جمهور با رئیس مجلس، قرار شد گفت‌وگوها میان مجلس و معاونت امور زنان و خانواده دوباره شکل بگیرد تا بتوانیم بر سر متنی به توافق برسیم که تمام اشکالات موجود در آن برطرف شده باشد.

بهروزآذر با اشاره به ادامه این جلسات تا پیش از جنگ و تا اسفند سال قبل، گفت: در این جلسات متنی تهیه شد که تمام اشکالات مورد نظر در آن برطرف شده بود، برای مثال، یکی از موارد، موضوع مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی بود که از متن حذف شده، همچنین برخی موارد که به موضوع خشونت علیه زنان ارتباطی نداشت و اساسا جای آنها در این لایحه نبود، به متن اضافه شده بود که باید در جای دیگری مورد بررسی قرار می‌گرفت.

وی تصریح کرد: اکنون در نقطه‌ای قرار داریم که اگر نمایندگان مجلس همان متن توافق شده را به رسمیت بشناسند، ما روند استرداد را متوقف می‌کنیم و به بررسی همان متن بازمی‌گردیم، اما این اتفاق هنوز رخ نداده است و ما همچنان پیگیر لایحه و در حال گفت‌وگو هستیم.

معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده تاکید کرد: اگر مطمئن شویم این روند ادامه پیدا نمی‌کند، استرداد لایحه قطعی خواهد بود و حتما لایحه رومینا را که ناظر بر اصلاح مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ است، به مجلس خواهیم فرستاد. همچنین سایر قوانینی را که به اصلاح نیاز دارند، از مسیرهای دیگر پیگیری می‌کنیم تا به نتیجه برسند.

بهروزآذر در ادامه از تدوین برنامه تقویت امنیت زنان و ارتقای احساس امنیت آنان در دولت خبر داد و گفت: در حال حاضر، در دولت مشغول تدوین برنامه تقویت امنیت زنان و ارتقای احساس امنیت آنها هستیم، این برنامه به دستور معاون اول رئیس جمهور در حال تهیه است، متن اولیه آن در ستاد ملی زن و خانواده بررسی شده و آن را نیز ارائه خواهیم کرد.

وی با تاکید بر ضرورت پیگیری قوانین بازدارنده برای مقابله با خشونت علیه زنان اظهار کرد: باور ما این است که باید موضوع قوانین بازدارنده را با جدیت دنبال کنیم، اما اصلاح قوانین به تنهایی کافی نیست؛ زیرا این موضوع ریشه‌هایی ذهنی و فرهنگی دارد و لازم است برای رفع این ریشه‌ها نیز اقدامات جدی انجام شود.

معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده با اشاره به ضرورت آموزش مهارت‌های فردی و خانوادگی افزود: کنترل خشم، مدیریت هیجانات، حل تعارض و حل مسئله از جمله مهارت‌هایی هستند که باید در آموزش‌های درون خانواده قرار بگیرند و اعضای خانواده به این مهارت‌ها مجهز شوند تا بتوانیم از بروز خشونت پیشگیری کنیم.

بهروزآذر با تاکید بر جایگاه خانواده در جامعه گفت: خانه و خانواده مقدس‌ترین نهاد اجتماعی است. بسیاری از مصادیق خشونت در قوانین دیگر ما جرم‌انگاری شده‌اند؛ برای مثال، اگر فردی مرتکب خشونت کلامی، توهین یا خدای ناکرده ضرب و جرح شود، تمام این موارد در قوانین فعلی وجود دارد و جرم‌انگاری شده است.



وی ادامه داد: با این حال، باور ما این است که چون خانواده نهادی مقدس است و خانه باید امن‌ترین جایی باشد که یک فرد در آن زندگی می‌کند، اگر این جرایم در داخل خانه اتفاق بیفتند، باید با سخت‌گیری بیشتری با آنها برخورد شود. قوانین نیز باید بازدارنده باشند تا بتوانند از وقوع چنین رفتارهایی جلوگیری کنند و ما موضوع تامین امنیت زنان را از این منظر دنبال خواهیم کرد.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
روزنامه آگاه
۶۹۶

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: ؟؟؟؟
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
agaah_ir | m@agaah.ir | www.Agaah.ir

یک‌شنبه
اول آذر ماه ۱۴۰۵
۱۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ | ۲۲ نوامبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۵:۱۸
اذان ظهر	۱۱:۵۰
اذان مغرب	۱۷:۱۴
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۶

#تجربه_کردم

وقتی به چهار دهه پشت سرم نگاه می‌کنم، می‌بینم همه رفقا...
فرصت‌ها...
انتخاب‌ها و عاشقی‌های «از دست رفته»، قربانی دودلی‌ها...
خطر نکردن‌های بی‌توکل به خدا...
غافل شدن از عمر...
«حالا ببینیم چی می‌شه»...
«قسمت اینه»...
«حالا عجله‌ای نیست»...
و بدتر از همه: امید به تکرار موقعیت... شده‌ن.
آدم‌ها و پیشامدهای دلگشا، حادثه نیستن، «روزی خدا»ن... دودستی بگیرشون رفیق!

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

چگونه فرصت شکوفایی به فرزندان‌مان بدهیم؟

برای عبور از فاصله عمیق میان نسل ما و فرزندان‌مان شجاعت امتحان کردن کلاس درس برعکس را داشته باشید و نتیجه شگفت‌انگیز آن را ببینید. مجله فوربز و پژوهشگران آموزش عاطفی اجتماعی به‌تازگی گزارشی منتشر کرده‌اند که نشان می‌دهد برای ترمیم این شکاف باید اقتدار خود را در رفتاری متفاوت نشان دهیم و یک کلاس درس برعکس در خانه راه بیندازیم. در این الگو که پیشتر در شرکت‌های بزرگ فناوری برای آموزش مدیران توسط کارمندان جوان اجرا می‌شد حالا قرار است ما با فروتنی در جایگاه شاگرد بنشینیم و کرسی استادی را به فرزندمان بسپاریم.

موضوع و زمان را شفاف و دقیق مشخص کنید

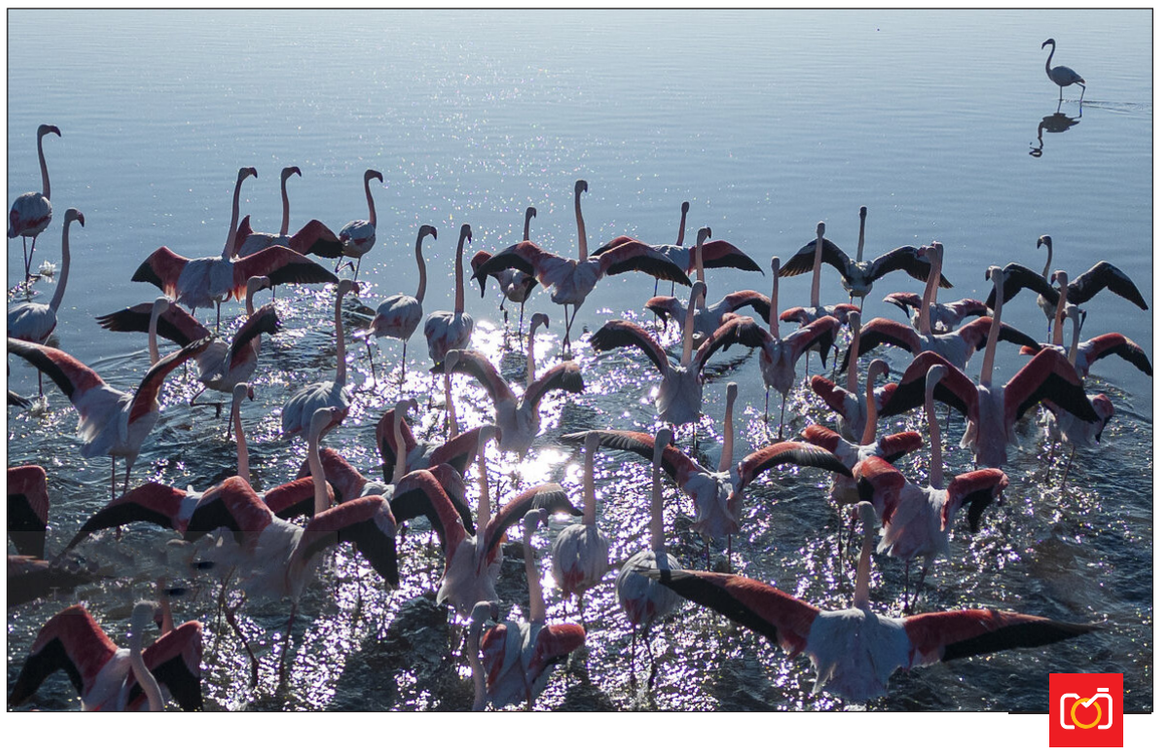
طبق پروتکل پیشنهادی موسسه ای‌آر‌پی باید در درخواست خود از فرزندتان کاملا دقیق باشید. مثلا به او بگویید دوست دارید در سه جلسه نیم‌ساعته در روزهای آخر هفته نحوه عکاسی و تدوین با موبایل در سه دقیقه یا روش‌های کاهش مصرف انرژی که در مدرسه یاد گرفته را به شما آموزش دهد.

دفترچه یادداشت بردارید و شاگردی کنید

نشستن شما به عنوان پدر یا مادر با یک دفترچه و قلم در برابر فرزند غرور و حس مالکیتی در او خلق می‌کند که هیچ پاداش مادی قادر به ایجاد آن نیست. با حفظ دو اصل کنجکاوی و فروتنی گوش کنید و اجازه دهید او طعم هدایتگری را بچشد. این رفتار نشان دهنده وسعت روح شماست که برای رشد فرزندتان از جایگاه همیشگی خود پایین می‌آیید.

فضای امن برای درک دنیای روانی نوجوان بسازید

پژوهش‌های دانشگاهی نشان می‌دهد این واگذاری نقش فقط به یادگیری نرم‌افزار ختم نمی‌شود. وقتی شما گارد خود را پایین می‌آورید نوجوان احساس امنیت می‌کند و دنیای روانی خود را به اشتراک می‌گذارد. اینجا همان جایی است که می‌توانید با پدیده کوه یخ آشنا شوید و نقاب هیجانی نوجوانی را که بار نگرانی‌هایش را پنهان کرده تا از شما محافظت کند به‌آرامی کنار بزنید. در نهایت باید بدانیم که اقتدار و اصالت ما با نشستن در جایگاه یادگیرنده هرگز شکسته نمی‌شود بلکه شکل عمیق‌تری به خود می‌گیرد. وقتی یک کلاس درس برعکس در خانه تشکیل می‌دهیم به فرزندمان ثابت می‌کنیم که قلب ما برای پذیرش توانمندی‌های او وسعت بی‌نهایتی دارد و خانه امن‌ترین پناهگاه برای شکوفایی اوست.



فلامینگوهای دریاچه مهارلو - شیراز

با شروع فصل سرما هزاران قطعه فلامینگو با پشت سرگذاشتن مسافت‌های طولانی از مناطق شمالی و از سمت آفریقا راهی مناطق جنوبی و گرمسیر می‌شوند. در مسیر مهاجرت آنها، تالاب‌ها و دریاچه‌ها و سواحل مناطق گرم‌تر ایران قرار دارد که دریاچه «مهارلو» در استان فارس یکی از این مناطق است. زیستگاه فلامینگوها را مرداب‌های ساحلی کم‌عمق، سواحل گلی، مانداب‌های حاصل از طغیان دریاچه‌ها و باتلاق‌ها تشکیل می‌دهند. حضور فلامینگوها در دریاچه مهارلو شیراز، جلوه‌ای زیبا از طبیعت و حیات‌وحش استان فارس است. تجمع و پرواز فلامینگوها در کنار آب، تصویری تماشایی از زیبایی‌های طبیعی، غنای زیستی و ظرفیت‌های ارزشمند این دریاچه را به نمایش می‌گذارد.

عکس: طاهره رخ‌بخش / ایسنا

چطور در روزهای آلوده از کبدمان محافظت کنیم؟



آلودگی هوا فقط ریه و قلب را هدف نمی‌گیرد؛ کبد نیز به‌عنوان یکی از اندام‌های اصلی بدن در پردازش مواد شیمیایی و دفع ترکیبات مضر، ممکن است از مواجهه طولانی مدت با آلاینده‌ها آسیب ببیند. تغذیه مناسب، تحرک بدنی و کاهش تماس با هوای آلوده از راهکارهای کمک به حفظ سلامت این عضو حیاتی است.
آلودگی هوا فقط ریه و قلب را هدف نمی‌گیرد؛ کبد نیز به‌عنوان یکی از اندام‌های اصلی بدن در پردازش مواد شیمیایی و دفع ترکیبات مضر، ممکن است از مواجهه طولانی مدت با آلاینده‌ها آسیب ببیند. تغذیه مناسب، تحرک بدنی و کاهش تماس با هوای آلوده از راهکارهای کمک به حفظ سلامت این عضو حیاتی است.
ذرات ریزو برخی مواد شیمیایی سمی می‌توانند از طریق استنشاق یا پوست یا راه‌های دیگر وارد بدن شوند. تحقیقات نشان می‌دهد که قرارگرفتن در معرض برخی آلاینده‌ها ممکن است به استرس اکسیداتیو، التهاب و تغییرات در متابولیسم کمک کند که همه اینها می‌توانند بر سلامت کبد تاثیر بگذارند.

عاداتی برای سلامت کبد

آلاینده‌ها می‌توانند به کبد آسیب بزنند، اما عاداتی نیز وجود دارند که می‌توانند از سلامت کبد حمایت کنند. این کارها برای سالم ماندن کبد ضرورت دارند؛

- **وعده‌های غذایی متعادل بخورید:** این وعده‌ها شامل سبزیجات، میوه‌ها، غلات کامل و پروتئین کافی باشد.
- **هیدراته بمانید:** برای پشتیبانی از عملکردهای طبیعی بدن، آب کافی بنوشید.
- **مرتب تحرک داشته باشید:** فعالیت بدنی به حفظ سلامت متابولیک و وزن سالم بدن کمک می‌کند.
- **الکل مصرف نکنید:** الکل می‌تواند مستقیما به سلول‌های کبد آسیب برساند، به‌ویژه با مصرف مکرر یا بیش از حد.
- **از مصرف مکمل‌های غیرضروری خودداری کنید:** بدون توصیه پزشک ترکیبات گیاهی یا داروها را امتحان نکنید.

البته این عادت‌ها نمی‌توانند به‌طور کامل از مواجهه با آلودگی جلوگیری کنند، اما به سلامت کلی کبد و سلامت متابولیک کمک می‌کنند.

اهمیت کاهش زمان حضور در هوای آلوده برای سلامت کبد

یک رژیم غذایی سالم نمی‌تواند اثرات هوای آلوده بر کبد را خنثی کند. کاهش قرار گرفتن در معرض آلودگی همچنان مهم است. قبل از ورزش در فضای باز، به ویژه در روزهایی که آلودگی زیاد است، سطح کیفیت هوا را بررسی کنید. در صورت شدید بودن آلودگی در فضای باز، از ماسک N۹۵ مناسب استفاده کنید، در صورت امکان، کیفیت هوای داخل خانه را بهبود بخشید و تا حدی به فعالیت آرام در داخل خانه بپردازید.

افرادی که از قبل بیماری‌های کبدی، چاقی، دیابت یا سایر مشکلات متابولیکی دارند، باید در مورد حفظ سلامتی خود در هوای آلوده با پزشک صحبت کنند. در نهایت، سلامت کبد به معنای یافتن یک نوشیدنی سم‌زدای جادویی نیست، بلکه به معنای فراهم کردن شرایط مطلوب برای عملکرد مناسب عضوی حیاتی از بدن است که به طور شبانه روزی فعالیت می‌کند.

سگ رباتیک زنده‌یاب ساخته شد

ارتباط با مصدومان و انتقال تجهیزات امدادی

مدیر توسعه محصول یک شرکت دانش‌بنیان از ساخت سگ رباتیک زنده‌یاب خبر داد و گفت: این ربات با هدف کاهش خطر برای نیروهای امدادی و ورود به محیط‌هایی طراحی شده که حضور انسان در آنجا خطر دارد.

رضا حقی، مدیر توسعه محصول شرکت پارس ارتباط افزار، با اشاره به محصولات ارائه شده از سوی این شرکت در نمایشگاه سیتکس (ایران پیشرو) اظهار کرد: در کنار سامانه‌های پیشرفته حفاظت پیرامونی، از جمله دوربین‌های دید در شب و دوربین‌های حرارتی، سگ رباتیک جدید این شرکت با برند «حارس» نیز به نمایش درآمد.

وی افزود: این ربات به مجموعه‌ای از تجهیزات پیشرفته از جمله رادارهای تشخیص حضور انسان، حسگرهای گازسنجی، سامانه‌های تشخیص افراد زیر آوار و اسکنرهای زیرسطحی با قابلیت شناسایی تا عمق یک و نیم متر مجهز شده است.

حقی با بیان اینکه یکی از کاربردهای اصلی این ربات، حضور در حوادثی است که شرایط محیطی امکان استفاده از سگ‌های زنده‌یاب را محدود می‌کند، گفت: در حوادثی مانند زلزله و سیل، سگ‌های زنده‌یاب می‌توانند نقش موثری در شناسایی افراد گرفتار داشته باشند؛ اما در برخی حوادث دیگر، به‌ویژه انفجارها و شرایط ناشی از درگیری‌های نظامی، وجود بوی باروت، دود، مواد شیمیایی و سایر عوامل محرک ممکن است عملکرد طبیعی سگ‌های زنده‌یاب را مختل کند.

وی ادامه داد: در چنین شرایطی استفاده از ربات‌های چهارپای هوشمند یا سگ‌های رباتیک اهمیت پیدا می‌کند؛ چراکه این تجهیزات می‌توانند بدون به خطر انداختن جان نیروهای انسانی وارد محیط‌های آلوده، ناپایدار و خطرناک شوند و اطلاعات مورد نیاز تیم‌های امدادی را جمع‌آوری کنند.



هدایت قایق در یک بازی ویدئویی فقط با قدرت ذهن!

یک شرکت‌کننده در آزمایش بالینی نورالینک توانست با استفاده از ایمپلنت مغزی بازی ویدئویی GTA VI را انجام دهد.

به گزارش اینترستینگ انجینرینگ، این فرآیند نشان می‌دهد فناوری شرکت چگونه می‌تواند سیگنال‌های عصبی را به داده‌ای برای دستگاه‌های دیجیتال تبدیل کند. نورالینک ویدئویی دو دقیقه‌ای را منتشر کرده که نشان می‌دهد این شرکت‌کننده سرگرم بازی رایانه‌ای است که روز پنج‌شنبه در سراسر جهان برای پلی‌استیشن و ایکس باکس‌های سری ایکس.اس ارائه شده است.

بازیکن در این ویدیو قایق سریع‌السیری را از زیر یک پل به کانالی باریک که کنار آن مملو از درخت است، هدایت می‌کند. بازخورد ویدیویی کوتاه، شرکت‌کننده آزمایش نورالینک را در کنار یک داشبورد نمایش دهنده رمزگشایی عصبی به‌صورت زنده و تصویری گرافیکی از یک کنترلر بازی نشان می‌دهد. با ثبت شدن فرمان‌ها، دکمه‌های ورودی کنترلر یکی پس از دیگری روشن می‌شوند.

نورالینک نام شرکت‌کننده را فاش یا تایید نکرد کدام کنسول بازی در رویداد مذکور استفاده شده است. در این نمایش کوتاه رابط مغز و رایانه نورالینک که برای ترجمه فعالیت عصبی مرتبط با حرکات مورد نظر به دستوراتی قابل درک برای رایانه طراحی شده بود، به کار گرفته شده است. سیستم تله‌پاتی نورالینک به فعالیت‌هایی در مغز که مسئولیت کنترل حرکات دست را دارد، گوش می‌دهد. شرکت‌کنندگان می‌آموزند چگونه با تصور حرکت دست‌شان، نشانگر رایانه را حرکت دهند و این سیستم سیگنال‌های مذکور را به حرکات ماوس رایانه مانند کلیک کردن و ناوبری تبدیل می‌کند.

پروبیوتیک مهندسی‌شده برای ترمیم روده

باکتری که التهاب روده را تشخیص می‌دهد



دانشمندان نوعی باکتری پروبیوتیک مهندسی‌شده ساخته‌اند که می‌تواند نشانه‌های التهاب را در روده شناسایی کند و در پاسخ به آن، ماده‌ای برای کمک به ترمیم بافت آسیب‌دیده تولید کند. این فناوری در آینده ممکن است به توسعه روش‌های تازه برای مقابله با بیماری‌های التهابی روده کمک کند.

پژوهشگران دانشگاه هونان چین از سویه‌ای از باکتری اشریشیا کلی استفاده کردند و با تغییر ژنتیکی آن، سامانه‌ای طراحی کردند که به مولکول‌های مرتبط با التهاب واکنش نشان می‌دهد. این باکتری پس از شناسایی نشانه‌های التهاب، پروتئینی به نام IL-۲۲-Fc تولید می‌کند؛ ماده‌ای که در بازسازی سلول‌های پوششی روده و تقویت سد محافظ آن نقش دارد.

در آزمایش‌های انجام‌شده روی موش‌های مبتلا به کولیت، مصرف خوراکی این باکتری مهندسی شده با کاهش آسیب بافتی و بهبود ترمیم پوشش داخلی روده همراه بود. محققان همچنین نمونه‌های مدفوع تعدادی از بیماران مبتلا به بیماری التهابی روده و افراد سالم را بررسی کردند و تفاوت‌هایی در سیگنال‌های مرتبط با التهاب مشاهده کردند.

این نتایج در مجله Cell Reports منتشر شده است؛ با این حال، فناوری هنوز در مرحله آزمایشگاهی و پیش‌بالینی قرار دارد. آزمایش‌های انسانی برای اثبات ایمنی، اثربخشی و امکان استفاده درمانی از این پروبیوتیک ضروری است. بنابراین فعلا نمی‌توان آن را درمان آماده یا مکملی قابل استفاده برای بیماران دانست.

منبع: medicalxpress

سبک زندگی

راه تشخیص انار خوب

پنج ترفند برای خرید انار شیرین و آبدار

راه تشخیص انار خوب فقط به رنگ قرمز نیست؛ رنگ یکدست پوست، دون دار بودن حتی در بخش‌های سوخته، پوست نازک، دانه‌های زیاد و سنگینی میوه، نشانه‌های اصلی انار شیرین و پرآب هستند. در این گزارش، ترفندهای خرید انار را بخوانید.

خرید انار برای بسیاری از خریداران به ظاهر میوه محدود می‌شود؛ اما برای تشخیص انار خوب باید چند نشانه را با هم دید. به گفته او، تنها قرمز بودن یا بزرگ بودن انار کافی نیست و رنگ یکدست پوست، دون‌دار بودن، پوست نازک و سنگینی میوه، ملاک‌های اصلی خرید انار شیرین و پرآب هستند.

راه تشخیص انار خوب؛ از رنگ پوست تا سنگینی میوه

۱. رنگ یکدست پوست، مهم‌تر از قرمزی تند

اگر رنگ پوست انار دور تا دور یکدست باشد، نشانه بهتری است؛ اما اگر رنگ بخش‌های مختلف پوست با هم فرق کند، آن انار خوب در نمی‌آید. پس در خرید انار، به یکدستی رنگ پوست توجه کنید، نه فقط قرمز بودن ظاهری.

۲. انار «سوخته» اما دون‌دار

در اصطلاح بازار، انار «سوخته» همیشه به معنای انار خراب نیست. اگر بخش تیره یا سوخته میوه همچنان دانه داشته باشد، می‌تواند نشانه «ذات‌دار» بودن باشد. اما اگر انار سوخته، دون نداشته باشد و رنگ پوستش ناهمگون باشد، انتخاب مناسبی نیست.

۳. پوست نازک و بیرون‌زدگی دانه‌ها

یکی دیگر از نشانه‌های انار خوب، پوست نازک است. اگر دانه‌های انار از زیر پوست بیرون‌زدگی داشته باشند، معمولا نشانه پوست نازک و دانه‌های زیاد است. این ویژگی در خرید انار شیرین و پرآب اهمیت دارد.

۴. سنگینی انار؛ نشانه آب‌دار بودن

انار خوب باید در دست سنگین حس شود. سنگینی انار نشان می‌دهد که میوه آب‌دار است. بنابراین هنگام خرید، وزن انار را با حجم آن مقایسه کنید.

۵. انار مثل هندوانه نیست

برخلاف هندوانه، برای تشخیص انار خوب نباید فقط به ضربه و چاقو تکیه کرد. انار مانند هندوانه با یک ضربه ساده سنجیده نمی‌شود؛ ملاک اصلی، رنگ یکدست پوست، دون‌دار بودن، پوست نازک و سنگینی میوه است.



جان کلام

- رنگ پوست را یکدست ببینید.
- انار دون‌دار را به انار بی‌دانه و سبک ترجیح دهید.
- پوست نازک و بیرون‌زدگی دانه‌ها را بررسی کنید.
- انار سنگین‌تر معمولا آب‌دارتر است.
- برای خرید انار، فقط به قرمزی ظاهری بسنده نکنید.

آب و هوا

باران و رعد و برق در ۱۰ استان

سازمان هواشناسی نسبت به بارش باران، وقوع رعد و برق و احتمال بالا آمدن آب رودخانه‌ها و آبگرفتگی معابر در ۱۰ استان هشدار داد.

سازمان هواشناسی با صدور هشدار سطح زرد با اشاره به فعالیت سامانه بارشی آورده است: بارش باران، رعد و برق، وزش باد، در ارتفاعات و نواحی سردسیر بارش برف و پدیده مه یک‌شنبه (اول آذر) در آذربایجان غربی و نیمه شمالی آذربایجان شرقی و دوشنبه (دوم آذر) در آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، گیلان، مازندران، گلستان، شمال و غرب خراسان شمالی و ارتفاعات استان‌های تهران، البرز و سمنان پیش‌بینی می‌شود.

در این شرایط جوی احتمال اختلال در تردد شهری و بین شهری، احتمال لغزندگی جاده‌ها و کندی حرکت خودروها به‌ویژه در گردنه‌های کوهستانی به سبب بارش برف و یخ‌زدگی، احتمال بالا آمدن آب رودخانه‌ها و آبگرفتگی معابر، مه گرفتگی، کاهش دید افقی در مناطق سردسیر و کوهستانی، احتمال قطعی برق به‌ویژه در روستاها، وزش باد سرد و نسبتا شدید، تنش سرمایی در بخش کشاورزی، باغداری و دامداری، احتمال اختلال در تامین و انتقال انرژی به‌ویژه در مناطق روستایی و مرتفع وجود دارد.

تبدیل نامحدود صدا به متن به «چت‌جی‌پی‌تی» آمد



ویژگی جدید «چت‌جی‌پی‌تی» به کاربران امکان می‌دهد تا هر چقدر که می‌خواهند، صحبت کنند. شرکت «اوپن‌ای‌آی» ویژگی جدیدی را برای «چت‌جی‌پی‌تی» راه‌اندازی کرده است که گفتار کاربر را به صورت در لحظه رونویسی می‌کند و محدودیت ضبط ۱۰ دقیقه‌ای را از بین می‌برد. به گزارش گیزمودو، ویژگی Live Dictation این چت‌بات پیشتر با محدودیت ضبط ۱۰ دقیقه‌ای محدود شده بود و پیش از تولید رونویسی کامل توسط کاربران باید منتظر می‌ماند تا آنها کار را به پایان برسانند.

ویژگی Live Dictation بخشی از تلاش گسترده‌تر اوپن‌ای‌آی برای طبیعی‌تر و جذاب‌تر کردن تعامل با هوش مصنوعی است؛ به جای اینکه مجبور باشید متن‌ها را یکی پس از دیگری تایپ کنید. این شرکت در ماه ژوئیه یک مدل صوتی به نام «GPT-Live-۱» منتشر کرد که برای تقلید ظرافت‌های گفتار انسان از جمله خنده‌های ناگهانی و مکث‌های میان جمله طراحی شده بود؛ به طوری که گویی مدل در فکر فرو رفته است.

در جریان یک ویدیوی پخش زنده برای رونمایی از GPT-Live-۱، یکی از پژوهشگران اوپن‌ای‌آی گفت: GPT-Live-۱ یک گام به هوش مصنوعی جامع قابل دسترس نزدیک‌تر شده است که در آن صحبت کردن با هوش مصنوعی مانند یک گفت‌وگوی واقعی به نظر می‌رسد. ویژگی Live Dictation از روز چهارشنبه برای همه طرح‌های چت جی پی تی در iOS، اندروید، وب و اپلیکیشن دسکتاپ عرضه شد.